



نا امیدی یا امید؟ کوکنار و معیشت روستایی

پاول فیشتین

سنبله ۱۳۹۳



اتحادیه اروپا

۱۲ سال
تحقیق باکیفیت

تحقیق برای
افغانستان
بهرتر



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
گزارش ترکیبی

ناامیدی یا امید؟ کوکنار و معیشت روستایی

پاول فیشتین

سنبله ۱۳۹۳

این تحقیق با حمایت مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. مسولیت محتوای این پژوهش به دوش واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بوده و به هیچ صورت مواضع اتحادیه اروپا را منعکس نمی نماید



اتحادیه اروپا

عکسهای روی صفحه: از سمت بالا و چپ، و مانند مسیر گردش عقربه های ساعت: کشتزار های سبزیجات، در ولسوالی چمتال ولایت بلخ، می ۲۰۱۳م. کشتزار های خشخاش، ولسوالی جُرم ولایت بدخشان، می ۲۰۱۳م. زمین آماده کشت، شمال کانال بغرا، ولایت هلمند، اپریل ۲۰۱۲م. شیوع و گستره کشت خشخاش در قریه پیراخیل، ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار، اپریل ۲۰۱۳م. این تصاویر توسط موسسه تحقیق و انکشاف پایدار یا (OSDR)، تهیه شده اند.

مترجم: فریدون شارق

کود نشریه: ۱۴۲۱D

© ۱۳۹۳، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله ای، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۰۰۹۳ بدست آید.

در مورد نویسنده:

پاول فیشتین در اقتصاد منابع زراعتی دارای فوق لیسانس است و پیش از این به عنوان رئیس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ایفای وظیفه نموده است. وی از سال های ۱۹۷۷ به این سو در مورد افغانستان تجربه کاری دارد. آقای پاول، در گذشته روی برنامه های توسعه یی و بشردوستانه برای افغانستان و پاکستان کار کرده است. وی در حال حاضر منجیث مشاور مستقل فعالیت می کند.

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مؤسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیات مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد. این واحد بیشتر از سوی دولت های فنلند، سوئد و سویس پشتیبانی مالی می شود.

در سال ۲۰۱۴ میلادی پروژه های مشخصی از سوی کمیسیون اروپا (EC)، اداره توسعه و همکاری سویس (SDC)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، پوهنتون آسیای مرکزی (UCA)، بانک جهانی، انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تخنیکی آلمان (GIZ) و سفارت فنلند تمویل میگردد.

سپاسگذاری

می خواهم که از سید محمد اعظم، ویلیام بایرد، پیر آرنود چاوی، و دیوید منسفیلد به دلیل مطالعه و ارایه نظریات شان در باره پیش نویس این گزارش، اظهار امتنان کنم. هم چنین به طور ویژه از فعالیت های گذشته و فعلی آقای دیوید منسفیلد در خصوص مطالعه و تحقیق در این حوزه تحقیقی و مهم، ابراز قدردانی و شکران می کنم؛ برعلاوه، از کارمندان ساحوی موسسه تحقیق و انکشاف پایدار که بیشترین بخش کارهای ساحوی این پژوهش را انجام داده و نظریات بسیار مهم خود را در زمینه شریک ساخته اند و نیز از شرکت آلیسیس (Alicis Ltd.) برای تهیه نقشه و تصاویر برای این راپور و نیز از آقای مدثر نظر از شعبه نقشه برداری و تحلیل آسیب پذیری / برنامه غذایی سازمان ملل به خاطر تهیه معلومات راجع به دستمزد ها، اظهار سپاسگزارم. و در نهایت، از خانم آن بوکسیاوم که با حوصله مندی، علاقمندی و مهارت این گزارش را ویرایش کرده است، قدر دانی می نمایم.

پاول فیشستین

اگست ۲۰۱۴

فهرست مطالب

۲	خلاصه
۵	۱. معرفی
۵	۱.۱ پیش زمینه
۶	۱.۲ مطالعات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد اقتصاد تریاک و معیشت روستایی
۷	۲. روش تحقیق، و هشدارها
۷	۲.۱ روش تحقیق
۸	۲.۲ هشدارها:
۱۰	۳. کوکنار در افغانستان
۱۰	۳.۱ تاریخچه کشت و تولید کوکنار در افغانستان
۱۱	۳.۲ مبارزه علیه مواد مخدر در افغانستان از سال ۲۰۰۱ به این سو:
۱۴	۴. موضوعات/ یافته های مهم: پویایی کشت کوکنار و معیشت روستایی
۱۵	۴.۱ همه مناطق جغرافیایی برابر نیستند: ضرورت تمایزگذاری ساحات و خانواده ها
۱۵	۴.۱.۱ مناطق جغرافیایی در یک ولایت
۱۹	۴.۱.۲ خانواده
۲۰	۴.۲ شرایط بزرگتر اقتصادی، سیاسی و حکومتداری
۲۰	۴.۲.۱ واقعیت های اقتصادی
۴۲	۴.۲.۲ ضریب های محلی: تاثیرات کوکنار
۲۶	۴.۲.۳ اوضاع سیاسی و حکومتداری
۳۲	۴.۳ جایگاه انتقال اتفاق میافتد
۳۲	۴.۳.۱ شرایط درست اقتصادی
۳۵	۴.۳.۲ درآمد غیر کشاورزی و بیرون از کشاورزی
۳۷	۴.۳.۳ شرایط نا مساعد
۳۸	۴.۴ استفاده از رویکرد های اجباری
۸۳	۴.۴.۱ کاهش کوتاه مدت با استفاده از رویکرد های اجباری از طریق رهبران مقتدر و دارای انگیزه و با نیروی قوی
۰۴	۴.۴.۲ استفاده از رویکرد های اجباری تابع سرنگونی و فرسایش
۴۱	۴.۴.۳ استفاده از رویکرد های اجباری دارای نتایج نا مطلوب در سطح خانواده و بلندتر از آن
۵۰	۵. خلاصه، سفارش ها و پیامد ها برای سیاست گذاری
۰۵	۵.۱ خلاصه
۵۰	۵.۱.۱ گذار به کشت مشروع و قانونی ممکن است
۵۱	۵.۱.۲ درک و شناخت از اوضاع
۱۵	۵.۱.۳ نقش و اثرات رویکرد های اجباری (بازدارنده)
۵۲	۵.۱.۴ برنامه ها و پالیسی ها
۵۳	۵.۲ سفارش ها و پیامد ها برای سیاست گذاری
۵۶	ماخذ

جدول ها

- جدول ۱: خلاصه ای از مشخصات زون ها در هلمند مرکزی..... ۱۶
- جدول ۲: عواید ناخالص از شیوه های متناوب کشت و کار؛ ننگرهار و بدخشان..... ۲۳
- جدول ۳: درآمد فرضی نقدی از اثر کشت گندم در تمام اراضی..... ۳۷
- جدول ۴: درآمد کوکنار در دشت هلمند بر مبنای جریب با در نظر داشت فرضیه های حاصلات مختلف و اجاره زمین، دالر امریکایی ۴۴

چوکات ها

- چوکات ۱: تاریخچه مختصر کشت کوکنار در چهار ولایت ۱۱
- چوکات ۲: پیشرفت ها و طرح های عمده در مبارزه علیه مواد مخدر ۱۳
- چوکات ۳: نقش زنان در کشت کوکنار ۲۰
- چوکات ۴: پولیس محلی افغانستان و مبارزه علیه مواد مخدر ۲۷
- چوکات ۵: منازعات ارضی در ننگرهار ۹۲
- چوکات ۶: مدیریت تخریب کشتزار ها در بدخشان ۳۱
- چوکات ۷: انتخاب قیمت مناسب ۳۵
- چوکات ۸: کمک های توسعه ای در ولایت هلمند: یک موفقیت و یا ناکامی؟ ۴۸

اشکال

- شکل ۱: کشت کوکنار ، در سطح ملی، ۱۹۹۵-۲۰۱۳ (هکتار) ۰۱
- شکل ۲: گسترش کشتزار های کوکنار در شمال کانال بغرا، ۱۹۹۹-۲۰۱۰ ۱۸
- شکل ۳: کشتزار ها بعد از تخریب در ولسوالی جرم، بدخشان ۳۱
- شکل ۴: دستمزد کارگران غیر ماهر در ولایت های بزرگ، ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ ۳۶

اختصارات

افغانی؛ واحد پول افغانستان؛ در هنگام این تحقیق، یک دالر امریکایی معادل ۵۵ افغانی بوده است	AfS
عناصر ضد دولت	AGEs
پولیس محلی افغانستان	ALP
اردوی ملی افغانستان	ANA
پولیس ملی افغانستان	ANP
نیروهای امنیت ملی افغانستان	ANSF
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	AREU
ریاست مبارزه علیه مواد مخدر	CND
ضد شورش	COIN
تولید ناخالص داخلی	GDP
هکتار	Ha
نیروهای نظامی بین المللی	IM
نیروهای بین المللی کمک به امنیت – آیساف	ISAF
کیلوگرام	kg
وزارت مبارزه علیه مواد مخدر	MCN
عضو پارلمان	MP
ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر	NDCS
موسسه غیر دولتی	NGO
برنامه ملی دارای اولویت	NPP
ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری	NRVA
موسسه تحقیق و انکشاف پایدار	OSDR
روپیه پاکستانی	PRS
تیم بازسازی ولایتی	PRT
سازمان ملل متحد	UN
هیأت معاونت سازمان ملل برای افغانستان – دفتر یوناما	UNAMA
دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد	UNODC
اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا	USAID
شعبه نقشه برداری و تحلیل آسیب پذیری / برنامه غذایی سازمان ملل	WFP/VAM

واژه نامه

اربکی	نیرو های امنیتی و قبیله‌ای که به ویژه مربوط مناطق لوی پکتیا می است. ولی در حال حاضر این کلمه تقریباً برای تمام غیرمنظم محلی، اطلاق می شود.
نیرو های	
چرس	حشیش و یا نباتی که حشیش از آن به دست می آید. در لاتین به آن (cannabis sativus) می گویند.
دشت	در این مطالعه و بیشتر به ساحات شمال کانال بغرا در هلمند، اطلاق شده است.
گد و ودی	گمراهی؛ غالباً به بی نظمی سیاسی گفته می شود.
گپ سر چوک	شایعات؛ برای اماکن عمومی در شهر کابل که در آن مردم حضور دارند، گفته می شود. (منظور خبرهای است که منبع نداشته باشند)
حرام	آنچه را که اسلام مغایر احکام خود می داند.
جربج	واحد سنجش زمین که تقریباً ۵ ام حصه یک هکتار می شود.
جهاد	جد و جهد؛ یا جنگ مقدس. غالباً به جنگ سال های ۱۹۷۹-۱۹۹۲ میلادی، علیه اتحاد جماهیر شوروی و با حکومت بعد از خروج این نیرو ها گفته می شود.
جهادی	فرمانده یا رهبر سیاسی که قدرت اش را در زمان سال های جهاد (۱۹۷۹-۱۹۹۲ میلادی) در افغانستان کرده است.
جرگه	جلسات و گرد همایی های قبیله‌ای را جرگه می گویند. گردهمایی های سنتی در افغانستان برای حل مشکلات کوچک محلی در مناطق عمدتاً جنوبی و شرقی
جلاب	میانجی یا معامله گر؛ غالباً به منظور تحقیر استفاده می شود.
کافر	غیر مسلمان؛ آنکه عقیده ندارد.
کارخانه	فابریکه یا ورکشاپ
خورد	واحد اندازه گیری که معادل ۱۱۲٫۵ گرم است.
للمی	زمین یا محصولاتی که توسط آب باران، آبیاری می شود. در قسمت های از شمال افغانستان، به این نوع زمین دیمه نیز می گویند.
ملک	رهبر یا بزرگ محل که منجیث میانجی بین دولت و مردم محل، فعالیت می کند.
منطقه	ساحه؛ این واژه بیشتر غیررسمی بوده و توسط روابط اجتماعی تعیین می شود. واز سرحدات اداری و رسمی دولت نمایندگی نمی کند.
مرض	بیماری برای انسان ها یا نباتات اطلاق می شود.
مَن	واحد اندازه گیری که تقریباً ۴٫۵ کیلو گرام است.
مجاهدین	جنگجویانی که در سال های ۱۹۷۹-۱۹۹۲ میلادی در برابر ارتش شوروی مبارزه کرده اند. (به طور لغوی به آنانیکه در جهاد یا جنگ مقدس می جنگند، گفته می شود).
ناقلین	گروهی از مردم که در سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، در ولایت هلمند ساکن شده اند. ناقلین جمع ناقل (یعنی کسانی که نقل مکان کرده اند).
نیم کله	بی کفایت، ناتمام
پیشکی	نوعی از قرضه است که بخاطر تمویل کشت کوکنار استفاده می شود. از کلمه پیش (دری) استخراج شده است. (پیش پرداخت)
پرده	جدا نمودن ماحول و محیط زنان از مردان.

نوعی از قرضه است که برای تمویل کشت کوکنار استفاده می شود.	سلم
گردهمایی، نشست، همایش	شورا
پژوهش	تحقیق
نوعی ماده تخدیر کننده و نشه آور که از کوکنار به دست می آید.	تریاک
پرداخت برای مُلا منطقه در بدل خدماتی که برای مردم ارایه می دارد. (یک دهم محصول)	عشر
عضو پارلمان افغانستان را وکیل می نامند.	وکیل
ارتباط یا روابط شخصی که غالباً به خاطر دسترسی به خدمات یا امکانات استفاده می شود.	واسطه
برای مجلس نماینده گان شورای ملی افغانستان، ولسی جرگه نیز می گویند.	ولسی جرگه
مسول اداری حکومت در ولسوالی	ولسوال
جزء تقسیمات اداری یک ولایت در افغانستان است؛ همچنین به محل کار ولسوال نیز ولسوالی می گویند.	ولسوالی
نوعی از موتر سایکل های باربری یا مسافر بری.	زرنج

خلاصه

مقدمه

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به منظور جستجو و بررسی پویایی کشت کوکنار در جریان سه سال زراعتی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کار ساحوی این تحقیق را در ولایات بدخشان، بلخ، هلمند و ننگرهار انجام داده است. در این تحقیق، برنامه های دولت، تاریخچه پالیسی ها، و شیوه های که آن پالیسی ها و برنامه ها روی توانمندی مردم جهت تامین معیشت و زنده گی شان تاثیر گذار بوده است، بررسی شده اند.

به نظر می رسد که برنامه مبارزه علیه مواد مخدر در صورتی که در سطح ملی مورد مقایسه قرار گیرد، ناکام بوده است. در حال حاضر، ساحات تحت کشت کوکنار در بلند ترین میزان در طی دهه گذشته، است. در مقایسه با سال ۲۰۰۰ میلادی، مقدار اراضی تحت کشت کوکنار در سال ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ میلادی، دو و نیم برابر افزایش یافته است. در واقع این می تواند ادامه روش و مسیر سال های ۱۹۸۰ میلادی، باشد. طوری که در آن هنگام به خاطر ضعف ادارات حکومت محلی و روابط پیچیده میان قاچاق مواد مخدر و مسیر های که به دست مجاهدین مسلح بود، سبب رشد کشت کوکنار و تجارت مواد نشه آور شده بود.

اقتصاد تریاک در حال حاضر ۱۵ درصد از تولیدات ناخالص داخلی را تشکیل می دهد و بر اقتصاد و جامعه این کشور تاثیرات مهم داشته است. به خاطر اقتصاد تریاک، فعالیت های اقتصادی مشروع و کشت محصولات مشروع در حاشیه قرار گرفته و این چنین اقتصادی حامی شورشگری در این کشور شده است. و از طرف دیگر این مساله، سبب ضعیف شدن ادارات حکومتی و باعث افزایش استفاده داخلی مواد مخدر شده است. این اقتصاد بزرگترین کالای صادرات و منبع عایداتی افغانستان است و برای دهقانان و مسولان دولتی منبع مهم عایداتی، محسوب می شود.

موضوعات و یافته های اساسی: کشت کوکنار و معیشت های روستایی

تمام ساحات یکسان نیست: نیاز به تمایزگذاری

این که چرا دهقانان کوکنار می کارند، تنها یک دلیل ندارد. دلایل این کار ابعاد گوناگون دارد و به گروه ها و مناطق مختلف پیوند داشته و از نظر زمان نیز م تغییر است. میزان کشت کوکنار وابسته به عوامل جغرافیایی یک منطقه است موجودیت آب و زمین آبی، نزدیکی به سرک و ساحات شهری، و حکومت محلی. همچنین تفاوت خانواده ها در داشتن سرمایه های فیزیکی مخصوصا مقدار و کیفیت زمین زراعتی میزان سرمایه انسانی مخصوصا تعداد کارگران مرد و نوعیت مهارت های آنان و دسترسی به شبکه های اجتماعی و سرمایه های دیگر اجتماعی از جمله عوامل دیگر کشت کوکنار بوده می توانند. با وجودی که اهمیت و درک عمیق از این تفاوت های جغرافیایی، منطقی و سرمایه خانواده ها وجود دارد، اما پالیسی های مختلف از جمله سیاست سرکوب و منع کشت کوکنار در یک ولایت، غالبا در شناخت این تفاوت ها، موفق نبوده اند.

اقتصاد، سیاست و حکومتداری

میزان کشت کوکنار و این که در کدام مناطق کوکنار، کشت می شود نیز وابسته به شرایط اقتصادی، سیاسی و نحوه حکومتداری در آن مناطق است. کوکنار به عنوان ضریب اقتصادی سبب بلند رفتن معیار های زنده گی مردم محل و انباشتن سرمایه شده است. بر عکس، سرکوب و منع کشت کوکنار سبب کاهش قیمت ها شده و معیارهای زنده گی مردم را نیز پایین آورده است. و از طرف دیگر، میزان درآمد دوکانداران، تاجران و عرضه کننده گان خدمات و کالاهای تجاری را تقلیل داده است. هم چنین، روی بر خرید و فروش مالدار و دیگر فرآورده ها تاثیرات منفی گذاشته است. عموما، وکنار ساحات و مناطقی که حضور حکومت، کمزنگتر و محدود است، کشت می شود.

شرایط سیاسی و طرز حکومتداری نیز روی برنامه مبارزه علیه مواد مخدر تاثیر گذاشته است. در ساحاتی که حکومت نفوذ چندانی ندارد، مسولان حکومتی و بزرگان محل برای حفظ موقف خود در آن مناطق، تلاش کرده اند تا که برنامه حکومت را برای مبارزه علیه مواد مخدر، کمتر اهمیت دهند. زمانی که مسئله اقتصادی و سیاسی مطرح بوده، در مناطقی که از بزرگان و نخبه گان محلی برای توقف و سرکوب کشت غیر قانونی کمک خواسته شده، آنان به مشکل به تعهدات خود پایبند بوده اند. در بسیاری ساحات، پولیس محلی افغانستان که در ترکیب آن غالبا افراد رقیب و دارای منافع خاص شامل اند، عوامل مهم در اوضاع م تغییر سیاسی بوده اند و موقف مبهم در سرکوب و منع کشت کوکنار داشته اند. در بعضی ساحات، این نیرو ها متهم شده اند به گونه مستقیم یا غیرمستقیم از کشت کوکنار سود برده اند. این در حالی است که تعداد دیگری از این نیروها با قوت تمام از کشت کوکنار کرده اند. آنان این کار را یا به خاطر منافع شخصی و یا هم به دلیل داشتن برنامه سیاسی انجام داده اند. در بعضی ساحات، شیوه روابط کاملا باز و غیرمتمرکز، و توافق ها، حتی موضوع تفکیک میان "حکومت" و "طالبان" را نامفهوم کرده است.

جای که انتقال از کشت غیر مشروع به کشت مشروع صورت می گیرد

این که در سطح ملی کشت کوکنار افزایش یافته است، در بعضی ساحات سه ولایت تحت هدف این تحقیق یعنی بلخ، هلمند و ننگرهار، شرایط اقتصادی، سیاسی و حکومتداری توانسته زمینه گذار به کشت محصولات و معیشت مشروع را فراهم سازد. این که کشت کوکنار از نظر مالی سود بیشتر دارد، اما عوامل مختلف روی تصمیم خانواده ها برای کشت یا عدم کشت کوکنار تاثیر می گذارد. این که کشت کوکنار در آمد ناخالص

بیشتری دارد، اما مصارف کشت کوکنار نیز قابل توجه است که قسماً وابسته به مقدار سرمایه کاری خانواده ها (تعداد کارکن/کارگر) است. و در صورت کشت کوکنار، فرصت برای کشت محصولات دیگر زراعتی در آن زمین از دست می رود. منطقه یا ساحه، امکانات زراعتی و اقتصادی، زیرساخت های کافی، اوضاع خوب امنیتی که زمینه دسترسی به بازارها را مساعد سازد، و نزدیکی به مشاغل غیر زراعتی، از جمله عوامل کلیدی برای تصمیم گیری برای کشت و یا عدم کشت کوکنار استند.

با در نظر داشت رشد سریع نفوس افغانستان، داشتن مقدار زمین اندک، و حاصل خیزی پایین زراعتی، آمد ناشی از فعالیت های غیر زراعتی حتی برای معیشت اهالی قریه ها، روستاها به شدت مهم استند. طوری که در تمام این چهار ولایت مشاهده شده، از آمد به دست آمده از کشت کوکنار، در بخش های ترانسپورت و تراکتور که زمینه انتقال از کشت غیرمشروع را به کشت مشروع مساعد ساخته اند، مورد استفاده قرار گرفته است.

از طرف دیگر، در مناطقی که خانواده ها به فرصت های تولید زراعتی و قانونی، و یا هم مشاغل غیر زراعتی کمتر دسترسی داشتند، عموماً چاره ای جز اتکاء به کشت کوکنار نداشته اند. این کار اکثراً در ساحاتی که منابع سرمایه یی و صنایع اندک، زیرساخت های ضعیف، دوری راه از مارکیت کار و کالا، فصل های کوتاه کشت و کار زراعتی، نا امنی و کمبود اراضی قابل کشت بوده، اتفاق افتاده است. برعلاوه، مناطقی که دهقانان آن جا تنها به کشت کوکنار اکتفاء کرده و مخصوصاً زمانی که کشت و محصولات آنان دچار مشکل شده، آسیب پذیر بوده اند. در سال های زراعتی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی، در بعضی مناطق هلمند، برخی از مردم با چنین مشکلاتی مواجه شده بودند.

تاثیر رویکرد های بازدارنده

سرکوب و منع کشت کوکنار از طریق رویکرد های بازدارنده همانند تهدید به دستگیری، آسیب رساندن فزینی و یا تخریب کشتزارها در مناطقی که یک بازیگر عمده که علاقمند به این کار بوده و صاحب قدرت بوده و یا این که توانسته نیروی لازم را برای اجرای این نوع روش ها تنظیم کند، امکان پذیر بوده است. این کار در برخی مواقع در ولایات **بلخ، هلمند و ننگرهار** اتفاق افتاده است. اما استفاده از این نوع رویکرد های بازدارنده، ثبات و پایدار نبوده و با کم رنگ شدن عوامل خارجی اقتصادی و سیاسی، برنامه ممنوعیت کشت کوکنار نیز توقف پیدا می کند. مگر اینکه فرصت برای دست یابی به توافق سیاسی به منظور محو کشت کوکنار حاصل شود.

کاهش کشت کوکنار به وسیله رویکرد های بازدارنده، پیامد های ناخواسته ای نیز داشته است. کسر اقتصادی در ولایات از طریق پایین آمدن گردش پول در اقتصاد و کاهش تقاضا برای استخدام کارگر، جا به جایی و تشدید کشت، افزایش میزان فقر و کاهش دسترسی به زمین، بلند رفتن سطح حمایت از طالبان و دیگر گروه های ضد دولتی و افزایش دشواری روی منابع طبیعی مانند آب، از جمله پیامد های مستقیم و غیر مستقیم اتکاء به این نوع روش ها برای سرکوب کشت کوکنار بوده اند.

تلاش ها به منظور مبارزه علیه مواد مخدر بیشتر روی محو کشتزار های کوکنار و برخورد های فزینی که ممکن به منظور تثبیت حاکمیت دولت بوده باشند، متمرکز بوده است. ولی این تلاش ها، در بعضی مناطق به واکنش شدید دهقانان مواجه شده که سبب بی ثباتی در آن مناطق شده است. تخریب کشتزار های کوکنار این فرصت را برای طالبان و دیگر عناصر ضد دولتی مهیا ساخته است تا آنان خود را به عنوان حامی و مدافعان مردم در برابر دولتی که به مردم توجه نمی کند، نشان دهند. در واقع از این نوع برخورد، طالبان به سرمایه سیاسی شان در میان مردم بیشتر افزوده و منافع مالی بیشتری از کشت کوکنار حاصل می کنند. این که تلاش شده تا از تخریب کشتزار های کوکنار منجیت یک پالیسی عامه استفاده شود اما در موارد شدید این پالیسی به عنوان ابزاری برای جمع آوری منافع شخصی از طریق رشوه، تهدید و ارباب، و یا غضب زمین و دارایی ها، و چور و چپاول خانه های مردم، استفاده شده است.

پیامد سیاست گذاری ها

در سال های پیش رو، تغییرات سریع در اوضاع سیاسی، اقتصادی و امنیتی تاثیرات شگرف روی مواد مخدر و مبارزه علیه مواد مخدر و برعکس آن خواهد داشت. در سال های اخیر، موضوع مبارزه علیه مواد مخدر در ردیف اولویت های پایین اجندا و سیاست گذاری ها بوده است. فعالان بین المللی و داخلی بیشتر روی مسایل حاد تر از قبیل ناامنی مواجهه بوده و تلاش برای حفظ و کنترل مناطق محلی از علاقمندی مسولان برای اعمال فشار بیشتر در منع کشت کوکنار کاسته است. برعلاوه، کاهش در کمک های مالی بین المللی و کاهش اقتصاد کلی ممکن قدرتمندان محلی را به این وادار سازد که به منابع دیگر مالی از قبیل کوکنار روی بیاورند. با کاهش منابع برای برنامه های مبارزه علیه مواد مخدر و بطور کلی با کاهش کمک های توسعه ای، فضای پس از سال ۲۰۱۴ میلادی در برابر سیاست مبارزه علیه مواد مخدر یک چالش خواهد بود. با درک پیش آمدن این شرایط، سفارشات ذیل در بخش پالیسی یا سیاست گذاری، ارایه می شوند:

- **اذعان بر طولانی بودن مسئله:** در نهایت کاهش پایدار در کشت کوکنار یک پروسه دراز مدت است. این مسئله با این که از نظر اصولی و پالیسی پذیرفته شده است، اما به آن در برنامه ها و پروژه زیاد توجه نشده است. عواملی کوتاه مدت که سبب کاهش کشت کوکنار می شود همیشه از جمع عواملی نیستند که در دراز مدت سبب کاهش آن شوند. با در نظر داشت وضعیت نهایت سیاسی مواد مخدر، لازم است که پالیسی سازان در جامعه بین المللی و افغانستان روی محیط سیاسی برای انتقال پایدار از کشت کوکنار و تضمین از کسب دستاورد در این زمینه، با هم مذاکره کنند.

- **پیش بینی پیامد های ناخواسته رویکرد های باز دانه و دیگر موارد:** لازم است که در برابر فشار های سیاسی برای برخورد شدیدتر در قبال کشت کوکنار مانند پاشیدن اسپری روی کشتزار های کوکنار از طریق هوا که احتمالا سبب وخیم تر شدن مشکل شده و نتایج غیرمترقبه دیگری را در پی خواهد داشت، ایستاده گی کرد. طوری که تاکنون استفاده از فشار و زور نتوانسته کشت کوکنار را طور پایدار از بین ببرد، در سال های پیش رو که مقدار زیاد از حمایت های مالی، سیاسی و نظامی، دیگر برای این کشور مساعد نخواهد بود، اینکار قطعاً صورت نخواهد گرفت. در عوض، مناطق مشابه زیادی مانند دشت هلمند وجود دارند که به مراکز کشت کوکنار تبدیل خواهند شد. همین گونه پیشنهاد برای اخذ مجوز برای تولید کوکنار برای مارکیت های بین المللی تولید ادویه جات طبی، باعث افزایش مواد نشه آور و غیرقانونی خواهد شد.
- **شناخت دیدگاه های کاملاً مخالف که تفسیر فعالیت های مشابه را متاثر می سازد:** از دیدگاه دولت و شرکای بین المللی آن، منع و سرکوب کشت کوکنار از طریق رویکرد های بازدارنده به عنوان یک عمل اخلاقی تلقی شده که سبب حمایت و تنفیذ قانون می شود. و از طرف دیگر سبب نظم اجتماعی می شود. اما از دیدگاه دهقانان که به بدیل های کم اقتصادی دسترسی دارند و از خرابی شرایط اقتصادی شدیداً متاثر می شوند، این طرح یعنی تخریب کشتزار های کوکنار آنان به عنوان غارتگری به حساب آمده و طوری به آنان وانمود می شود که دولت نگران رفاه و آسایش اقتصادی مردم نیست. درک چنین دیدگاه های متفاوت می تواند به طرح سیاست ها و برنامه های کمک کند که احتمالاً بیشتر مورد پذیرش دهقانان قرار گیرد و حد اقل کمک کند که پاسخ های خصمانه آنان به چنین برنامه ها و پالیسی ها مورد پیش بینی قرار گیرد.
- **درک و شناخت شرایط مختلف محلی:** یکی از آموخته های دهه گذشته از افغانستان این است که تنها یک نوع پالیسی با اهدافی که تفاوت های محلی را مد نظر نداشته باشد، نه تنها موثر نخواهد بود بلکه پیامد های معکوس به بار می آورد. پالیسی ها و برنامه ها باید با توجه به تفاوت های جغرافیایی و ویژه گی های مختلف خانواده ها و با در نظر داشت فرصت ها و داشته های اقتصادی از قبیل منابع طبیعی، نزدیکی به راه های تجاری، بازار ها و ساحات شهری، تنظیم و مورد استفاده قرار گیرند.
- **تمرکز و توجه روی اهداف و برنامه های فقر محور (به نفع فقرا):** در غیاب بدیل های مربوطه، منع و سرکوب کشت کوکنار زیادترین تاثیر را بر زنده گی فقرا و مخصوصاً آنانی که زمین نداشته و یا مقدار کم زمین دارند، می گذارد. قشر فقیر و غریب عموماً برای معیشت زنده گانی خود به مارکیت کار اتکاء می کنند. قسمت بزرگ پروسه تولید وابسته به نیروی کار است که محصولات و تولیدات را برای فروش و یا برای مصرف خانواده ها تامین می کند. و زمینه باغداری را که ارزش زیاد دارد، مساعد می سازند. این موضوع به خاطری اهمیت دارد که کارها و فرصت های غیرکشاورزی که به اثر کمک های بین المللی مساعد ساخته شده بوده، از این پس در دسترس نخواهند بود.
- **ادغام برنامه مبارزه علیه مواد مخدر در چارچوب کلان توسعه ای:** برنامه ها و پالیسی های توسعه ای می توانند تاثیرات عمیق بر اقتصاد مواد مخدر، مخصوصاً در مناطقی که در کنترل مستقیم دولت نیستند، داشته باشند. گسترش ساحات تحت کشت و یا بلند بردن سطح مولدیت زراعتی از طریق استفاده از تکنولوژی که سبب بلند بردن این مولدیت می شود مثلاً استفاده از جنراتور و پمپ های آبی کم مصرف، استفاده از انرژی حرارتی و علف کش های زراعتی وغیره ممکن باعث افزایش تولید کوکنار گردد و عملاً مانع تلاش های مبارزه علیه مواد مخدر شود. لازم است که در قالب روش "عدم آسیب رسانی" یا (do-no-harm)، تاثیرات بالقوه برنامه های توسعه ای به شمول برنامه های ملی دارای اولویت، مورد توجه قرار گیرد.
- **کاهش خطرات اقتصادی-زراعتی و خطرات بازار:** هرچند در گذشته تحقیق ها و گزارش های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان هشدار داده که نباید به اقتصاد بازار آزاد به عنوان تنها علاج پروسه توسعه و انکشاف گسترده اتکاء کرد. این تحقیق نیز تایید می کند که فرصت های بازار این توانایی و پویایی را برای بهبود بخشیدن به معیشت مردم ندارد و قسماً از فرایند انتقال و جایگزینی کشت کوکنار حمایت می کند. اما برای تحقق این کار نیاز است که خطرات مارکیت و خطرات زراعتی کاسته شود. این نوع خطرات سبب شده که دهقانان از کشت محصولات قانونی و مشروع زراعتی دلسرد شوند و از کشت کوکنار رو نگردانند. تلاش های خاص در جهت تشویق و ایجاد تقاضا برای محصولات زراعتی که با کوکنار رقابت کرده می توانند صورت گیرد و با بهبود فعالیت های زراعتی مثلاً بسته بندی و جعبه سازی سبزیجات که باعث بلند رفتن میزان آمد خالص دهقانان می شود، زمینه رقابت محصولات مشروع و قانونی زراعتی را مساعد ساخت. با وجودی که شرایط موجود در افغانستان، بخصوص ابهام در فضای سیاسی این کشور پس از خروج نیروهای بین المللی و مشخص نشدن نتایج انتخابات ریاست جمهوری، مانع سرمایه گذاری خصوصی شده است، با آن هم صنایع پروسس محصولات زراعتی می تواند تقاضا برای محصولات زراعتی به هدف فروش را، بیشتر سازد.

۱. معرفی

۱.۱ پیش زمینه

از ابتدای سال ۲۰۰۱ میلادی، درخواست برای افزایش مولدیت زراعت منحصراً پایه و اساس اقتصاد افغانستان و به عنوان منبع مصونیت معیشتی مردم این کشور به طور مداوم در اسناد سیاست گذاری های اقتصادی و حتی اعلامیه های عامه و همگانی بازتاب نداشته است. چپ در استراتژی انکشاف ملی افغانستان و چپ در برنامه های ملی دارای اولویت این کشور، زراعت در محراق این استراتژی و برنامه ها قرار داده شده است. اما چالش ها و موانع توسعه زراعت در این کشور به خوبی مستند سازی شده اند و این کار در اسناد برنامه های ملی دارای اولویت نیز درج اند. به طور اوسط رشد حقیقی زراعت در بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱ میلادی، ۳٫۱ درصد بوده که این رقم پایین تر از رشد سکتور غیر زراعتی ۹ درصد می باشد.^۱

در عین زمان، از شدت و قوت تهدیدات چند بُعدی اقتصاد تریاک همیشه یاد آوری شده است و در عین حال از ادغام فعالیت های ضد مواد مخدر در برنامه های توسعه ای نیز یاد شده است. با وجود آن هم، در عمل کار جدی صورت نگرفته است. پروژه های توسعه ای برای معیشت های بدیل اکثراً به تنهایی اجراء شده اند و نهاد های توسعه ای نیز بطور کلی فعالیت های خود را با برنامه های مبارزه علیه مواد مخدر مدغم و منسجم نساخته اند به جزء از موارد استثنایی برای تمویل فعالیت های شان و یا هم در مواردی برای پاسخ دادن به فشار های سیاسی که توسط افزایش سالانه در کشت کوکنار و یا دیگر معیار های منفی که با آن مواجه بوده اند. طوریکه مشاهده می شود حد اقل برنامه مبارزه علیه مواد مخدر در سطح ملی ناکام مانده است. به مقایسه سال ۲۰۰۰ میلادی، کشت کوکنار اکنون به اندازه دو یا یک و نیم برابر افزایش یافته است. کشت کوکنار در سال زراعتی ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ میلادی، به بالاترین میزان رسید. این خود گواهی از ناکامی آن پالیسی بوده می تواند.

بزرگی معضل مواد مخدر در افغانستان هم از نظر مقدار و حجم و هم از نظر راه های که این کشور را متاثر ساخته می تواند، "بی سابقه" خوانده شده است. گذشته از اجماع بین المللی در مورد این که مواد مخدر "بد" است بر اساس کنوانسیون های بین المللی، اقتصاد تریاک منبع فساد اداری بوده و تشویق کننده و انگیزه دهنده یک حکومت ضعیف در این کشور است. علاوه بر این، این اقتصاد، فعالیت های اقتصادی و کشت و محصول قانونی و مشروع را نیز در حاشیه قرار داده است. اقتصاد تریاک معادل ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی^۲ بوده که روی کل اقتصاد این کشور تأثیرات چشمگیر داشته است.

این که حد و گستره آن طور کلی معلوم نیست، کشت و تولید مواد مخدر، شورشگری را در این کشور نیز حمایت کند. استفاده مواد نشه آور در داخل افغانستان باعث مشکلات بهداشتی همه گانی به شمول اعتیاد به مواد مخدر و شیوع ایدز، نیز شده است. در حال حاضر حکومت این کشور به خوبی مجهز برای مقابله با این مشکلات نیست. آمد های بالا و موجودیت سازمان های ضعیف که غالباً تابع و فرمانبردار زورمندان است به مصونیت از مجازات و نقض حقوق بشری کمک کرده است. و در نهایت، اقتصاد ماندگار مواد مخدر می تواند استفاده از این برچسب یعنی "دولت متاثر از مواد مخدر" یا (Narco-State) این که به درستی این اصطلاح تعریف نشده است را به آسانی مساعد سازد و احتمالاً روابط این کشور را با جامعه بین المللی آسیب برساند.

در عین زمان، تجزیه و تحلیل و بحث های عمومی غالباً مزایای جانبی را نادیده گرفته اند^۳: یعنی راه های که اقتصاد تریاک باعث ایجاد سرمایه در بسیاری از ولایات و شهر ها شده و به اقتصاد مردم و خانواده های این ولایات کمک می کند. این اقتصاد به معیشت های روستایی، از طریق ایجاد شغل برای کارگران بی زمین و دهقانان؛ و حتی در روند استفاده از تکنولوژی مدرن زراعتی نیز کمک کرده است^۴. بر اساس سنجشی که از اطلاعات و داده های تجربی به دست آمده، هر هکتار زمین که کوکنار کشت شده است معادل ۱٫۸ شغل تمام وقت را به وجود می آورد که مشاغل دیگر در تجارت، حمل و نقل و پروسس این مواد را و یا اثرات چند برابر اقتصادی آن را، در بر نمی گیرد^۵. در سطح اقتصاد کلان، اقتصاد تریاک در افغانستان بزرگترین منبع آمد ناشی از صادرات بوده و به این اساس منبع ثبات پولی و بیابانس تادیات این کشور محسوب می شود. این اقتصاد به طور غیر مستقیم برآمد دولت از ناحیه محصولات گمرکی بالای امتهه تجاری وارداتی که از آمد اقتصاد تریاک خریداری می شوند، و مالیات املاک که از خرید جایاد که بازهم از آمد مواد مخدر خریداری می شوند، تأثیر گذار می باشد^۶.

۱ در دهه گذشته رشد زراعت، سالانه متفاوت بوده است (۱۵ درصد کاهش در سال ۲۰۰۴ میلادی؛ ۲۳ درصد افزایش در سال ۲۰۰۹ میلادی). گرفته شده از: "شاخص های اساسی برای آسیا و اقیانوسیه، ۲۰۱۳"، بانک انکشاف آسیایی. <http://www.adb.org/sites/default/files/ki/2013/pdf/AFG.pdf>

۲ ویلیام بایرد و کرسٹوفر وارد، (۲۰۰۴). "توسعه و مواد مخدر در افغانستان" واشنگتن دی سی. گزارش های توسعه اجتماعی: بازسازی و جلوگیری از منازعه.

۳ سنجش ارزش صادرات ناخالص مواد نشه آور، برگرفته: وزارت مبارزه علیه مواد مخدر/ دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد (۲۰۱۳). "سروی مواد مخدر افغانستان ۲۰۱۳: خلاصه از یافته ها". کابل.

۴ مزیت/ضرر جانبی (اکسترنالیتی) در واقع یک مزیت یا مصرف است که یک فرد یا بخشی از جامعه به اثر کار های دیگران مستفید و یا متضرر می شود. اکسترنالیتی می تواند مثبت (مثلاً افزایش در مولدیت زراعت) و یا منفی (به عنوان مثال ضرر رساندن به محیط زیست) باشد.

۵ کرسٹوفر وارد، دیوید منسفیلد، و دیگران. (فبروری ۲۰۰۸). "افغانستان: مشوق های اقتصادی و برنامه های توسعه وی برای کاهش تولید مواد مخدر". بانک جهانی.

۶ دیوید منسفیلد. (اپریل ۲۰۰۴). "روستان ما در شمال: تصاویر متفاوت از قدرت و کوکنار در ولایات بلخ و بدخشان". منابع دیگر حتی میزان مشاغل را که یک هکتار کشت کوکنار ایجاد می نماید (می کند) به اندازه ۷ شغل سنجش نموده (کرده) اند. به این (به این حذف شود) مراجعه شود: جان میلور. (۱۸ جنوری ۲۰۰۵) "بلند بردن درآمد زراعتی در قالب محو کشت کوکنار - تأثیرات روی استراتژی و ایجاد شغل". "RAMP/USAID/Abt Associates" سخنرانی در وزارت زراعت.

۷ ادوارد مارتین و استیفن سیمانزکی. "تلاش های مبارزه علیه مواد مخدر و تأثیرات این اقتصاد بالای اقتصاد کلان: شماره ۲۵". "صنعت مواد مخدر در افغانستان: ساختار، کارکرد، دینامیسم، و پیامد ها برای پالیسی مبارزه علیه مواد مخدر". دوریس بودینبرگ و ویلیام بایرد. بانک جهانی و دفتر مبارزه علیه جرایم و مواد مخدر سازمان ملل.

ادعا بر این نیست که اقتصاد تریاک به طور کُل برای افغانستان خوب است. افغانستان به خاطر اقتصاد تریاک، مصارف اقتصادی و اجتماعی زیادی را متحمل شده است. هم چنین سرمایه ای که از آمدن این اقتصاد حاصل می شود غالباً از نظر اجتماعی به بهترین وجه مورد استفاده قرار نگرفته است. ولی با وجود این نگرانی ها، گفتمانی که نتواند انگیزه ها و محرک های تولید مواد مخدر را در بر گیرد، نمی تواند پاسخ واقع بینانه و علاج برای این معضل نیز پیدا کند. این ادعا، بخصوص فعلاً و در دوره انتقال ۲۰۱۴ میلادی و در حالی که بسیاری از عوامل همانند گذشته و پس از سال ۲۰۰۱ میلادی، کماکان پابرجا اند، مهم می باشد. این در حالی است که تغییرات و تحولات تازه احتمالاً سبب ایجاد مشوق ها و دلایل جدید نیز خواهند شد.

۱.۲ مطالعات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد اقتصاد تریاک و معیشت روستایی

همراه با دیگر پژوهش های که روی اقتصاد تریاک و معیشت روستایی صورت گرفته، مطالعات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان نیز به طور مداوم عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی و زراعتی که در گسترش و دوام کشت کوکنار تاثیر می گذارد، را یاد آوری کرده است. این عوامل عبارت اند از داشته ها و منابع طبیعی محلات، روابط قدرت، دسترسی به مارکیت ها، حکومتداری، کارکرد نهاد های رسمی و غیر رسمی و امنیت. در این پژوهش ها، نقش چند گانه و چند بُعدی کوکنار بر معیشت خانواده ها و ستراتیژی آنان برای تداوم آن معیشت ها یاد آوری شده و به طور مستمر این تحقیق ها نتیجه گرفته اند که اجبار دهقانان برای کشت نکردن کوکنار به ویژه در صورتی که بدیلی برای آن کشت وجود نداشته باشد، در برابر اهدافی چون محو کشت کوکنار، فقرزدایی و ثبات، تاثیرات منفی دارد. در نهایت، این تحقیق ها تفاوت های چشمگیر در شرایط جغرافیایی و وضعیت خانواده ها که روی طرز برخورد با اقتصاد تریاک تاثیر گذار اند، را برجسته ساخته اند. یافته های این تحقیق ها همه به طور قوی از انعطاف پذیری در پالیسی ها که برای شرایط محلی پاسخده باشند، تاکید می ورزد.^۸

تحقیق کنونی که توسط جامعه اروپا تمویل شده است بر کشت کوکنار در بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ میلادی هم از نقطه نظر اقتصاد سیاسی و تصمیم گیری خانواده ها، متمرکز می باشد. مقاصد این تحقیق:

۱. ارزیابی و بررسی این که به کدام حد حمایت از فضای سیاسی و اقتصادی زمینه گسترش بدیل های معیشتی را برای افغان ها در دهات مساعد ساخته می تواند؛
۲. ارزیابی و بررسی این که تغییرات در محیط چگونه روی تصمیم گیری برای کشت و یا عدم کشت کوکنار تاثیر می گذارد، و
۳. شناسایی توصیه های سیاسی در باره بهبود تلاش های که بتواند محیط و فضای حمایتی را برای کاهش دوامدار کشت کوکنار مساعد سازد.

در این گزارش، یافته های تحقیق های ساحوی که در چهار ولایت افغانستان در جریان سال های زراعتی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ انجام یافته، به طور خلاصه توضیح می شوند. این تحقیق آموخته ها، پیامد ها و دلایلی را که چرا مواد مخدر در زمان کنونی، یک مسئله عمده است، ارائه می دارد. بر علاوه، این گزارش توصیه های را برای سیاست گذاری های که ممکن با در نظر داشت اوضاع کنونی، بیشتر واقع بینانه باشد، مطرح می سازد. به خصوص فعلاً که به نظر می رسد موضوع مبارزه علیه مواد مخدر در سیاست گذاری ها در سطح پایین قرار گرفته است. و فضای سیاسی، اقتصادی و امنیتی طوری شکل خواهند گرفت که احتمالاً موجب تشویق تولید و تجارت مواد مخدر گردد. در این تحقیق روی بلند رفتن یا کاهش یافتن مقدار مواد مخدر در جریان آن سه سال تمرکز نشده است. در عوض بیشتر روی اساسات سیاسی، اقتصادی و شرایط امنیتی و تغییراتی که روی کشت کوکنار تاثیر گذاشته اند، پرداخته شده است.

این گزارش روی شش مطالعه موضوعی که مطالب اساسی آن را تشکیل می دهند، متمرکز است (به ماخذ کتاب مراجعه فرمایید) اما در پهلوی این ها از مواد دیگر و مرتبط نیز استفاده شده است. با در نظر داشت مغلط بودن و پیچیده گی در تلفیق یافته های سه سال تحقیق که دربرگیرنده تقریباً ۲,۰۰۰ مصاحبه در چهار ولایت در محیط های بسیار متفاوت، ناچاراً بعضی از جزئیات مربوط به این تحقیق که برای درک و شناخت از روند تصمیم گیری خانواده ها، مهم بوده، از دست رفته باشند. بدین ملحوظ خواننده گان ترغیب می شوند که در صورت نیاز به آن شش مطالعه موضوعی مراجعه کنند.

۸ فهرست کتاب در قسمت های اخیر این نشریه را برای دریافت لست نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد اقتصاد تریاک، ملاحظه فرمائید.

۲. روش تحقیق، و هشدارها

۲.۱ روش تحقیق

تحلیل و تجزیه این گزارش بر اساس کارهای ساحوی بوده که طی چند دوره در چهار ولایت **بدخشان، بلخ، هلمند و ننگرهار** بین اپریل ۲۰۱۱ میلادی، و نوامبر ۲۰۱۳ میلادی، صورت گرفته است. این مدت، چهار سال زراعتی را در بر می گیرد. کارمندان ساحوی این تحقیق اساساً از ساحات روستایی در زمان برداشت محصول و در جائیکه ممکن بوده در فصل کشت و کار از آن مناطق دیدن کرده اند. تحلیل اطلاعات مربوط به ولایت **ننگرهار و هلمند** نیز از اطلاعاتی که قبلاً در آن دو ولایت از ابتدای سال ۲۰۰۲ میلادی صورت گرفته، نیز استفاده می کند. با این که تمرکز این تحلیل روی سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی می باشد، اما برای این منظور از تجارب تاریخی و کارهای ساحوی که توسط محققان اصلی برای پروژه های مربوطه دیگر صورت گرفته، استفاده شده است.

در این تحقیق از روش های مختلط کمی و کیفی استفاده شده است. اطلاعات کمی در باره خانواده ها در زمینه های زیر جمع آوری شده است: مقدار مالکیت زمین، مقدار زمین تحت کشت، مقدار زمین که به کشت‌مندی یا به اجاره داده شده، ساحاتی که در هر فصل زمستان یا تابستان کشت شده است، محصولات زراعتی، محصولاتی که فروخته شده، قیمت محصولات، مقدار مصارف گندم خانواده ها و خود کفایی آنان، مالکیت، تعداد و نوعیت مالدار و مواشی، و تعداد فروش این مواشی، خریداری و فروش دارایی های خانواده ها، ترکیب خانواده ها، مقدار قروض و آمد آنان. اطلاعات کمی به سطح خانواده ها شامل این مواد بوده اند: نوعیت آبیاری، مشکلات دسترسی به زمین، انواع مشاغل غیر زراعتی، مهاجرت به هدف معیشت، مشکلات و موانع برای بازاریابی محصولات زراعتی به شمول کوکنار، کمک های دریافت شده از طرف موسسات تمویل کننده و یا ادارات دولتی، نظریات مردم راجع به حکومت و درک آنان از وضعیت زراعت، ویژه گی های برنامه های محلی مبارزه علیه مواد مخدر، و تغییرات در مورد پایداری اقتصاد خانواده ها.

اکثراً انتخاب ساحات برای این تحقیق از طریق نقشه برداری فضایی و جغرافیایی که توسط شرکت (Aicis, Ltd.) تهیه شده، صورت گرفته است. در این نقشه برداری، ساحاتی که در گذشته نیز از جمله ساحات عمده کشت کوکنار بوده، شناسایی شده اند. و تا جایی که امکان داشته، مناطق بر اساس تفاوت های عمده و مبنی بر بلندترین و پایین ترین پویایی برای کشت کوکنار، و نیز بر اساس دهقانان خرد و کلان، انتخاب شده اند. موسسه تحقیق و انکشاف پایدار که یک سازمان افغانی و غیر دولتی است و ۲۵ سال سابقه تحقیق و انکشاف در ساحات روستایی دارد، کار ساحوی این تحقیق را انجام داده است. به جزء موارد استثنایی که در زیر ذکر شده اند، از این ساحات در جریان تحقیق طی سال های این تحقیق به طور پیهم بازدید شده است. بعضی ساحات در **ننگرهار** از سال ۲۰۰۵ میلادی به این سو، بطور منظم بازدید شده است. روی مناطقی که بنابر تغییرات اجتماعی و اقتصادی به مرور زمان اهمیت بیشتر پیدا کردند مانند ساحه دشت در شمال کانال بغرا در **هلمند** توجه خاص صورت گرفته است. از چنین مناطقی، خانواده های زیادی برای مصاحبه و اشتراک در این تحقیق، انتخاب شده اند.

سعی شده تا کارهای ساحوی این تحقیق، نزدیک به زمان جمع آوری حاصلات صورت گیرد. این که اطلاعات دقیق و درست از اشتراک کننده گان به دست آید تا آن چه که از مقدار محصولات شان به خاطر دارند، به اختیار این تحقیق قرار دهند. تا این که پاسخ ها از زوایای متعدد مورد بررسی قرار گیرد. در **ننگرهار و هلمند**، منابع تمویل دیگر این زمینه را مساعد ساخت تا کار ساحوی در زمان کشت و کار نیز صورت گیرد. در بعضی موارد، مشکلات لوجستیکی، تفاوت های سالانه در چرخش کشت و کار و مسایل امنیتی روی زمان تحقیق تاثیر گذاشته است.

چون که تیم های این تحقیق از طریق تماس ها و روابط محلی، مخصوصاً در ساحات نا امن کار کرده اند، جای تعجب نیست که اوضاع بد امنیتی به شمول حضور تیم های محو کشت کوکنار در محل سبب شده که تعدیلاتی هم در زمان و هم در طرز انجام کار ساحوی این تحقیق، به وجود آید. در مواردی هم لازم بود که به منظور حفظ و مصونیت جان کارکنان تحقیق، از ساحات دیگر برای این تحقیق استفاده شود. این که تیم های تحقیق تلاش کرده اند که در هر سال به عین ساحه سفر کنند، اما نگرانی های امنیتی برای اعضای تیم های تحقیق و پاسخ دهنده گان تحقیق، اجازه سفرهای مداوم و بازدید از عین خانواده ها را نداده است. این کار برای جلوگیری از متهم شدن کارکنان تحقیق به ارتباط با نیروهای محو کشت کوکنار، صورت گرفته است.^۹

به زودترین موقع ممکن، جلساتی برای کسب اطلاعات از جریان بازدید کارمندان ساحوی در مراکز ولایات جلال آباد، مزار شریف، فیض آباد و یا لشکرگاه و یا هم در کابل دایر شده است. این جلسات برای کسب اطلاعات روزانه دایر شده و یا پس از ختم کار ساحوی در یکی از آن ولایات.

از ستراتیژی های مختلف برای دسته بندی و جمع آوری پاسخ ها درست و بدون تبعیض و نیز برای جلوگیری از بروز شک در انجام این تحقیق که روی کیفیت پاسخ ها تاثیر می گذاشت و کارمندان تحقیق را به خطر مواجه می ساخت، استفاده شده است. مصاحبه ها به طور غیر رسمی و در جایی که ممکن بوده بالای زمین های دهقانان صورت گرفته تا این که از ایجاد بحث های عمومی در باره آن مصاحبه ها جلوگیری شود. چنین بحث های می تواند سبب ایجاد هراس و تبعیض اجتماعی شود که اکثر نظر سنجی های که در افغانستان انجام شده را متاثر ساخته است. در

۹ همچنین، در ساحات روستایی افغانستان موضوع تحقیق به درستی درک نمی شود و عموماً به کارهای پولیس و یا نهاد های امنیتی ربط داده می شود. عموماً به زبان دری و پشتو از کلمه (تحقیق) برای (بازجویی) استفاده می شود.

جریان مصاحبه ها، هیچ یادداشتی صورت نگرفته است. در عوض، کارمندان ساحوی تحقیق دقیقا پس از ختم مصاحبه، فورم های را که در اختیار داشتند، تکمیل و خانه پُری کرده اند. مصاحبه ها عموما انفرادی بوده اند و از مصاحبه های گروهی خود داری شده است. این کار قسما به خاطر موجودیت ساختارهای اجتماعی که مانع حضور جوانان و مردم از طبقات پایین اجتماعی می شوند، و هم چنین به خاطر کاهش خطرات احتمالی که در ساحات **هلمند و ننگرهار** وجود داشته، صورت گرفته است.

در جریان مصاحبه ها از دهقانان به طور مستقیم راجع به مطالب حساس از قبیل ابعاد مختلف اقتصاد تریاک، فساد اداری در ادارات حکومتی، یا حمایت مردم محل از عوامل ضد دولت سوال نشده است. در عوض، معلومات مرتبط به این بخش ها بطور طبیعی از جریان مصاحبه ها به دست آمده است. آنان کشت کوکنار را به راحتی به عنوان یکی از فعالیت های خانواده ها به خاطر تامین معیشت زنده گی آنان تلقی کرده اند. آن را چیزی "بد" ندانسته که از یادآوری آن خود داری کنند یا در آن رابطه دروغ بگویند. این کار برای جلوگیری از خطا (Bias) در پاسخ های آنان، کمک کرده است. گزاره گویی در مورد میزان کشت کوکنار به منظور "مذاکره" کردن برای حصول کمک های امدادی و یا کتمان، یا دست کم گرفتن کشت کوکنار برای جلوگیری از تخریب کشتزار های شان و دیگر پیامد های منفی توسط مسولان حکومتی، سبب ایجاد چنین خطا ها شده می توانند. موضوعات مصاحبه بر اساس تجربه شخصی پاسخ دهنده گان محدود بوده و از آنان درخواست نشده که با حدس و گمان معلوماتی را ارایه نمایند که فراتر از ساحات جغرافیایی شان یا آگاهی آنان بوده باشد.

علاوه بر این ها، با دوکانداران، کارگران در ساحات تحقیق و در مراکز ولسوالی ها و ولایات با مسولان دولت، کارمندان امداد، مسولان ادارات سازمان ملل و موسسات غیر دولتی صورت گرفته است. مصاحبه با خانواده ها توسط تیم های موسسه تحقیق و انکشاف پایدار انجام یافته است. در حالی که محققان خارجی نیز از ساحات روستایی تا حدی که اوضاع امنیتی و انجام تحقیق خوب به آنان اجازه داده است سفر کرده و با دهقانان، مسولان حکومت، کارمندان امداد رسانی، دهقانانی که در شهر ها به خاطر مصاحبه آمده بودند، مصاحبه کرده اند.

با گذشت سه سال، دسترسی به ساحات کاری این تحقیق بخصوص در **هلمند و ننگرهار** مشکل تر شده است. حتی برای کارمندان ساحوی افغان که در گذشته در آن مناطق مصاحبه و تحقیق کرده اند، و در آن مناطق بودباش نداشته اند، نیز ممکن نبوده که از آن مناطق بازدید کنند.

در این تحقیق از اطلاعات دومی نیز استفاده شده است که شامل تحقیق های قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، گزارش های موسسات غیر دولتی و نهاد های دولتی و گزارش های آماری می شوند. با ختم کار های ساحوی، از معلومات فوق به منظور سنجش آمد از کشاورزی و دیگر محاسبات استفاده شده و از اطلاعات به دست آمده از ساحه، نقشه های هوایی و جغرافیایی که برای شناسایی مناطق در این تحقیق استفاده شده اند، نیز مورد بررسی قرار گرفته اند.

این که در جریان این تحقیق یک روش واحد استفاده شده است، اما بادر نظر داشت تفاوت ها در ولایات و ساحات تحقیق، لازم دیده شده که گاهی در روش تحقیق تفاوت های آورده شود. زمانی که کار ساحوی نیاز به انجام مصاحبه های بیشتر داشته، این کار صورت گرفته است. معلومات زیادتر در خصوص این تفاوت ها در شیوه تحقیق، در بخش روش تحقیق هر یک از مطالعات موضوعی شش گانه وجود دارند. تقریبا یک روش متفاوت تر در کار ساحوی این تحقیق در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ میلادی، در ولایات **بلخ و بدخشان** مورد استفاده قرار گرفته است.

۲.۲ هشدارها:

با این که روش تحقیق که در بالا به آن اشاره شد در مدت زمان طولانی مورد آزمایش بوده است، اما لازم است که در مورد هر نوع تحقیق در افغانستان، بخصوص تحقیق در مورد مطالب و موضوعات حساس که در ساحات و محیط های بسیار نا امن انجام می شود، بعضی موارد را به عنوان هشدار در نظر داشت:

- در این تحقیق از روش های غیر مستقیم به موضوعات حساس، به منظور استخراج پاسخ های صریح و بی پرده طراحی شده بود ولی بازدید کارمندان ساحوی که در اکثر موارد افراد بیرون از آن منطقه بودند با این که باعث شک و تردید پاسخ دهنده گان نشده باشد، اما ممکن است سبب برانگیختن کنجکاوای آن ها شده باشد. به این اساس احتمالا پاسخ دهنده گان متوجه پاسخ های که ارایه می کردند، بوده باشند. بنا پاسخ های خود را مبنی بر اجندای خود مثلا به منظور کسب کمک های توسعه ای بیشتر و یا این که مطمئن شوند که کشتزار های شان محو و نابود نشود ارایه کرده باشند. و این موضوع احتمالا در مصاحبه های که در اماکن نسبتا عمومی دایر شد، بیشتر صادق است.
- به خاطر اوضاع امنیتی و مصئونیت جان کارکنان ساحوی تحقیق، شرایط برای بازدید از مناطق ناامن همیشه برای شان مساعد نبوده است. و غالبا این مناطق، ساحاتی بوده که در آن کوکنار بطور پایدار کشت شده است.
- یافته های این تحقیق بطور کامل نمی تواند نمایندگی از شرایط تمام ساحات افغانستان کند. در حالی که چهار ولایت و ساحات کار ساحوی در آن ولایات، تفاوت های زیادی دارند و به نتیجه رسیدن عمومی تر را در مورد دیگر ساحات افغانستان نیز مساعد می سازد، اما چنان برداشت ها از تحلیل و تجزیه، و یافته های این تحقیق باید با دقت بیشتر صورت گیرد.

- با این که استفاده از تخنیک و مصاحبه های غیر رسمی مزایای مختلفی دارد، اما این نوع مصاحبه این نقیصه را نیز دارد که در آن تنها به آن چه که کارمندان ساحوی از جریان مصاحبه های شان به خاطر داشته اند، اتکاء شده است. مخصوصا اتکاء به خاطرات و این که پاسخ دهنده گان از گذشته چه به یاد داشته اند، بخصوص در مورد کیفیت زنده گی از قبیل این که "قیمت ها پایین بوده، مردم خوشحال بودند و زنده گی خوب بود." می تواند گمراه کننده باشد.
 - در مواردی که از پاسخ دهنده گان در باره نظرات و برداشت آنان پرسیده شده، آن ها تلاش کرده اند که پاسخ های خود را سنجیده یا دیزاین شده ارائه کنند. این که تشویق شدند و از آن فرصت برای اظهار شکایات شان، استفاده کرده اند. به خاطر کاهش شک و تردید و به خاطر تامین مصئونیت در بعضی مناطق هلمند و ننگرهار، کارمندان ساحوی به منظور بازدید از مناطق خود انتخاب شده اند. با اینکه این شیوه مشکلاتی خود را داشته اما می تواند تحت شرایط موجود امنیتی، این تنها شیوه مساعد و ممکن بوده است.
 - محاسبه آمد و مفاد، متکی بر اساس محصولات و معلومات که خانواده ها ارائه داشته اند، صورت گرفته است. با این که این معلومات تا جایی که ممکن بوده از زوایای مختلف دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفته اما دهقانان احتمالا در این باره، معلومات بیشتر و یا کمتر ارائه کرده باشند یا به علت این که به یاد نیآورده اند و یا این که قصدا خواسته اند خود را به کدام شکل خاص دیگر، خودرابه گونه دیگر نشان دهند.
 - روش تحقیق یعنی صحبت با دهقانان بالای کشتزار های شان این امکان را که با زنان مصاحبه صورت گیرد، از دست داده است. و از نظر فرهنگی نیز این اجازه وجود نداشته که از دهقانان در مورد زنان خانواده های شان سوال شود. بنابراین، این تحقیق معلومات کامل در مورد مجموع داشته ها از نظر نیروی بشری خانواده ها را در بر نمی گیرد و به این اساس، معلومات کامل در باره شیوه و داشته های معیشتی خانواده ها مانند (لبنیات و مالداری) در دسترس نبوده است.
- با وجود این هشدار ها، تحقیق کننده گان اطمینان دارند که این روش تحقیق، که اکثرا در افغانستان طی ۱۵ سال گذشته تطبیق شده است، تا حدی زیاد درست بوده و بیشترین دقت در تحلیل و تجزیه اقتصاد تریاک در این کشور انجام یافته، را نشان می دهد.

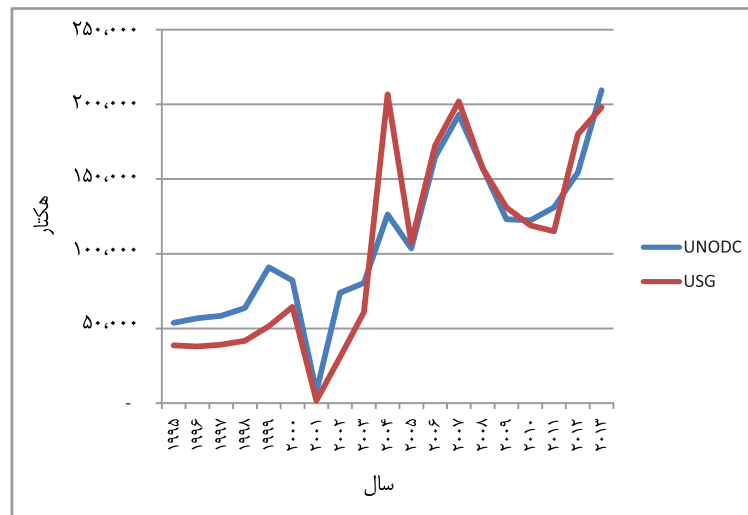
۳. کوکنار در افغانستان

۳.۱ تاریخچه کشت و تولید کوکنار در افغانستان

در حالی که در طول قرن ها اراضی محدود از کوکنار در افغانستان کشت شده است، این کشت و کار تنها در میان گروه های محلی در شمال مورد استفاده قرار می گرفت. افزایش کشت کوکنار، همراه با دیگر فعالیت های غیر مشروع، به صورت جدی در دوران جهاد^{۱۰} آغاز یافت و بنابر عدم حضور دولت، رابطه پیچیده و درهم تنیده بین قاچاق مواد مخدر و گروه های مسلح مجاهدین، شرایط گسترش چنین فعالیت ها را فراهم ساخت.

با گذشت زمان، یک سلسله از عوامل باعث انحراف انگیزه در حمایت از عدم تولید مواد مخدر و دیگر فعالیت های اقتصادی غیر مشروع، شده است.^{۱۱} به محض افزایش کشت کوکنار و گسترش آن در مناطق دور افتاده، سبب ادغام با اقتصاد روستایی گسترده شد، که به خصوص در ایجاد تقاضا کار (دروکردن و قطع کردن) کوکنار و تشویق در افزایش کشتمنها تاثیر داشته است. ایجاد ثروت نیز سبب تمرکز زدایی قدرت سیاسی و اقتصادی از کابل شده است که این پروسه تمرکز زدایی، از گذشته به دلیل ضعف دولت و مسلح شدن فرماندهان محلی به میان آمده است. تعدادی از مناطق با در نظر داشت کاهش و افزایش سطح کشت و در واکنش به اوضاع سیاسی و امنیتی محلی، تولید کننده گان برجسته کوکنار بوده اند. که این مناطق کلیدی شامل **بدخشان، هلمند، ننگرهار** و اخیراً، فراه و قندهار بوده است. از دهه ۱۹۸۰ میلادی و به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به این سو، خط سیر کلی کشت کوکنار به استثنای ممنوعیت کوتاه مدت آن که در دوره طالبان در بین سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ اتفاق افتاد، به طور پیوسته رو به افزایش بوده است. (شکل ۱ را ملاحظه نمایید).

شکل ۱: کشت کوکنار، در سطح ملی، ۱۹۹۵-۲۰۱۳ (هکتار)



منبع: دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد و سروی جیولوجی امریکا

جالب این جاست که تجارت مواد مخدر پس از به قدرت رسیدن طالبان در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۶ در نتیجه بهبود امنیت و از بین رفتن حق العبور، افزایش یافت. که آغاز آن از زمان دولت مجاهدین بود.^{۱۲} کشت کوکنار بعد از سال ۲۰۰۱ به اوج خود رسید که کشت آن در مناطق جدید آغاز و در بازسازی بعضی مناطق ممد قرار گرفت. بعد از سال ۲۰۰۷ مجموع اراضی کشت شده برای چندین سال کاهش یافت و در درجه اول این کاهش در **هلمند و ننگرهار** و سپس در سایر ولایات که انعکاس دهنده درصد بالاتر اما کمیت مطلق کمتر، قبل از سرگیری صعود تازایی آن در سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۱، صورت گرفت.

در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ رکود بیشترین اراضی کشت کوکنار که به ۲۰۹,۰۰۰ هکتار زمین می رسید، ثبت شد که این رقم حتی بالاتر از رقم سال ۲۰۰۷ میلادی، است. (ارقام دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد) و البته، تحت عناوین در سطح ملی، تغییرات سالانه این ارقام در تمام سطوح که شامل: خانواده های انفرادی، روستاها،^{۱۳} منطقه، حوزه ها و ولایات می باشند، وجود دارد. چوکات ۱ تاریخچه مختصر کشت کوکنار را در چهار ولایت که مورد مطالعه قرار گرفته اند، نشان می دهد.

۱۰ دوره جنگ که بین سال های ۱۹۷۹-۱۹۹۲ علیه اشغال شوروی و نظام مربوط به آن، صورت گرفت.

۱۱ بایرد. "مواد مخدر و انکشاف آن".

۱۲ دیوید منسفیلد، "خلاصه گزارش ۷: وضع مالیات در هلمند و قندهار مرکزی" مارچ ۲۰۱۳.

۱۳ منطقه اشاره به یک ناحیه یا ساحه است، که به طور غیر رسمی بر اساس روابط اجتماعی تاریخی، نه بر اساس مرزهای اداری، تعریف شده است.

چوکات ۱: تاریخچه مختصر کشت کونکار در چهار ولایت

بدخشان: ولایت بدخشان از لحاظ تاریخی مصرف کننده مواد مخدر بوده که مواد مخدر به شکل محلی تولید شده و از مناطق لمی در ارتفاع بلند حاصل می شود. در این ولایت تولید کونکار و تجارت آن در زمان جهاد سرعت یافت و از این مدرک برای حمایت مالی جنگی استفاده و هر یکی از فرماندهان تمویل می شد. نگرهبانی ضعیف سرحدات میان افغانستان با تاجیکستان و پاکستان سبب تسهیل قاچاق مواد مخدر شده است. در طول رژیم طالبان با وجودی که کشت مواد مخدر طی سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ ممنوع شده بود اما از این که بدخشان تنها ولایتی بود که تحت سلطه رژیم طالبان قرار نداشت افزایش تولید مواد مخدر در آن ادامه یافت. بدخشان در سال ۲۰۰۳ نسبت به هر ولایت دیگر به استثنای هلمند اراضی وسیعی را کونکار کشت کرد، این کشت در سال ۲۰۰۴ به اوج خود رسید و با این توضیح که در سطح ولایت و ولسوالی ها متفاوت بوده است؛ در سال ۲۰۰۸ بدخشان تقریباً عاری از کشت کونکار شد اما از آن به بعد تولید کونکار به طور مداوم در این ولایت افزایش یافته است.

بلخ: پس از یک سابقه کشت محدود کونکار که عمدتاً از این کشت برای استفاده محلی در میان ترکمن ها استفاده می شد، کشت کونکار با نگاه به سوی بازار در حدود سال ۱۹۹۴ در تعدادی از روستاهای عمدتاً پشتون نشین در غرب مزار شریف، گسترش یافت. کشت کونکار در طول رژیم طالبان و بعد از سقوط آن در سال ۲۰۰۱ به استثنای ممنوعیت کوتاه مدت آن در بین سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ میلادی به گسترش خود ادامه داد تا زمانی که والی عطا محمد نور کشت آن را در این ولایت متوقف ساخت. زمانی که حدود ۴۱۰ هکتار اراضی کشت کونکار در ولسوالی چمتال پیدا شد، ولایت بلخ از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۳ "عاری از کشت کونکار" تشخیص داده شده بود.

هلمند: در سال های ۱۹۹۰ هلمند به عنوان مرکز اصلی کشت کونکار در افغانستان بشمار می رفت، زمانی که تولید آن بیشتر از هر ولایت دیگر بود. پس از سال ۲۰۰۱ اراضی کشت شده کونکار به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد و در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ هنگامی که قیمت گندم بالا بود، کاهش یافت که این همزمان با آغاز طرح زون های غذایی و افزایش حضور نیروی های بین المللی در این ولایت بود. کشت کونکار در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ افزایش و در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ دوباره کاهش یافت. در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کشت کونکار بیش از یک سوم افزایش یافت و بیشتر این افزایش در منطقه دشت واقع شمال کانال بغرا بود.

ننگرهار: ولایت ننگرهار از لحاظ تاریخی تولید کننده مواد مخدر بوده است که در این ولایت سطح کشت کونکار در طول سالهای ۱۹۹۰ حفظ شد. به استثنای منع قسمی آن در سال ۱۹۹۵ توسط والی حاجی قدیر و منع آن توسط طالبان در سال ۲۰۰۰، کشت کونکار تدریجی افزایش یافته تا آن که در سال ۲۰۰۴ به اوج خود رسید و در سال بعد آن توسط والی حاجی دین محمد به صورت کامل منع گردید. در سال ۲۰۰۸ در اثر تلاش های والی گل آغا شیرزی با پشتیبانی مالی، لوجستکی و نظامی ارتش ایالات متحده به عنوان ولایت عاری از کونکار شناخته شد. بعد از سه سال تولید اندک کونکار در ساحات غیر قابل دسترس در این ولایت، کشت کونکار در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ دوباره گسترش یافت و هنوز هم تا حد زیادی در ولسوالی های کوهستانی که دارای ظرفیت کمتر واقع در جنوب این ولایت اند، کونکار کشت می شود. در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳، کشت کونکار پنج برابر افزایش یافت، این افزایش بیشتر در مناطق پایین و قابل دسترس واقع قلات سپین غر صورت گرفته است.

۱ تعیین و تشخیص "عاری از کشت کونکار" بر اساس سروی کشت کونکار سالانه دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد صورت می گیرد. یک ولایت "عاری از کشت کونکار" تعیین می گردد که اراضی کشت شده آن از ۱۰۰ هکتار زیاده تر نباشد.

۳.۲ مبارزه علیه مواد مخدر در افغانستان از سال ۲۰۰۱ به این سو:

در بخش زراعت، شعار های مبارزه علیه مواد مخدر از سال ۲۰۰۱ به این سو همواره پایدار بوده است. در حالی که شرح این موضوع به اندازه کافی، سبب پیچیده گی این مسئله شده، بنابراین چند نکته مهم آن تذکر داده می شود. از زمان ارتقا دولت از یک اداره در سال ۲۰۰۴، در دولت افغانستان وزارت مبارزه علیه مواد مخدر تعیین شد تا یک نقش هماهنگ کننده را به جای نقش اجرایی حداقل با ۱۸ وزارتخانه و نهاد دیگر داشته باشد دولت افغانستان از سال ۲۰۰۴ تصمیم گرفت که نهاد مبارزه با مواد مخدر را از یک نهاد به یک وزارت خانه ارتقا دهد و به عنوان اجرا کننده سیاست های مبارزه با مواد مخدر با ۱۸ وزارت و نهاد وارد تعامل شود. که شامل وزارت های ذیل می باشد: وزارت های زراعت، آبیاری و مالداری، داخله، احیا و انکشاف دهات، صحت عامه، معارف، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، امور زنان، سرحدات، اقوام و قبایل، حج و اوقاف، ریاست امنیت ملی، و هم چنین در دیپارتمنت ها و ادارات ولایتی این وزارت خانه ها.

بریتانیا از سال ۲۰۰۲-۲۰۰۶ در مدیریت رهبری مبارزه علیه مواد مخدر قرار داشت، طوریکه دسته های مختلف از نهاد های ذیل که شامل وزارت خارجه و سازمان مشترک منافع، واحد بین الوزارتی مبارزه علیه مواد مخدر افغانستان، واحد جرایم سنگین سازمان یافته، وزارت دفاع، دیپارتمنت توسعه بین المللی و تیم بازسازی ولایتی هلمند و اخیراً نظر به اهمیت آن ولایت در تلاش مبارزه علیه مواد مخدر، در این زمینه به صورت شایسته از این کشور نمایندگی، کرده اند. ایالات متحده توسط نهاد های ذیل که شامل سازمان مبارزه علیه مواد مخدر، وزارت عدلیه، وزارت دفاع، اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا، اداره مبارزه علیه مواد مخدر ایالات متحده و نهاد تنفیذ قانون به طور شایسته نمایندگی شده است. سازمان ملل متحد توسط این نهاد ها که شامل دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد با هماهنگی با هیأت معاونت سازمان ملل برای افغانستان - دفتر یوناما، نمایندگی شده است. چوکات ۲ لیست خلاصه شده از پیشرفت ها و طرح های مهم در مبارزه علیه مواد مخدر را نشان می دهد.

در بسیاری از موارد نهاد ها و دست اندر کاران افغان و بین المللی، دیدگاه های مختلف را که متمرکز بر مأموریت اصلی شان (جرم و جنایت، توسعه زراعتی، و غیره)، و دستور های سازمانی می باشند، حفظ کرده اند.^{۱۴} چنین علاقمندی های ناشی از برنامه و موقف سازمان مبنی بر برنامه و یا سازمان غالباً سبب رقابت های غیر موثر شده، و از ایجاد موقف واحد در زمینه جلوگیری کرده است.^{۱۵} به عنوان مثال، در بعضی موارد رابطه

۱۴ در مورد مشکلاتی که سازمان های واحد بتوانند مشوق های داخلی خود را، به هدف حمایت از اهداف مشترک، سرکوب کنند به این گزارش مراجعه نمایید: "بازنگری مجدد از نشست عقاب: تصمیم گیری در پروژه نوسازی سد/بند کجکی" از نوحه ارجومند. گزارش موضوعی شبکه تحلیگران افغانستان ۲۰۱۳/۰۱. شبکه تحلیگران افغانستان. جنوری سال ۲۰۱۳ میلادی. همچنین به این گزارش مراجعه کنید: "سازمان های منلق: یک گزارش مهم" از چارلس پیرو. نیویارک، مطبعه راندوم هاوس، (۱۹۸۶).

۱۵ بایرد، "مواد مخدر و توسعه آن در افغانستان" همچنین، دیوید بولی - تیلور، "قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته در افغانستان"، ژورنال روسی RUSI، ۱۵۸۶، ۶-۱۷، ۲۰۱۳.

میان مبارزه علیه مواد مخدر و مبارزه علیه تروریسم یا مبارزه علیه شورشگری (COIN)، سبب ایجاد انعطاف در کشت کوکنار شده است یا توسط مناطق و ساحاتی مقصد تخریب بوده اند و یا هم توسط "متحدان"^{۱۶} بیشترین بحث روی وزن یا اهمیت نسبی رویکرد های بازدارنده، اساسا تخریب کشتزار ها، در برابر رویکرد های مشوق گر صورت گرفته است با اینکه گاه گاهی درخواست برای مجوز و یا قانونی ساختن تولید کوکنار برای استفاده در مارکیت ادویه جات طبی وجود داشته است.^{۱۷} بخش عمده ای از بحث در مورد اهمیت نسبی رویکردهای عمدتا اجباری ریشه کن انتظار کاهش را در پی داشت. با صدای گاه به گاه ("گواهینامه") از روش های انگیزه گرا با تمایل به قانونی ساختن کشت کوکنار برای بازار دارویی مطرح شده است. با اینکه قرار دادن فعالیت های مبارزه علیه مواد مخدر در مسیر اصلی آن به عنوان یک اصل عمومی مورد استفاده بوده است و به شدت در ادبیات استراتژی ملی کنترل مواد مخدر دولت افغانستان داخل شده است، اما در عمل این به طور کامل تطبیق نشده است.^{۱۸}

۱۶ جیسون Straziuso، "طالبان دنبال دریایی، کوکنار را محافظت می کند." آسوشیتد پرس. مه ۲۰۰۸. همچنین، Matthieu Aikins، "مرد ما در قندهار." اتلنتیک. نوامبر ۲۰۱۱

۱۷ در مورد نقد روی این پیشنهادات برای تولید مشروع خشخاش به این گزارش مراجعه نمایید: "ارزیابی پالیسی سمت عرضه و عملکرد ها: انکشاف بدیل و تخریب کشتزار ها" گزارش ای تحت کار که برای اولین جلسه کمیسیون جهانی سیاست گذاری های ادویه تدویر یافته بود. جنوا، ۲۴-۲۵ جنوری ۲۰۱۱.

۱۸ وارد مسیر اصلی ساختن یا (mainstreaming) اساسا به معنی شامل ساختن مسایل مربوط به مواد مخدر در تمام پالیسی ها و برنامه های اقتصادی است تا اینکه هر نوع تاثیر آن بالای اقتصاد مواد مخدر شناسای شود و تا از پیامد های منفی و ناخواسته آن به پایین ترین سطح و پیامدهای مثبت آن به بلند ترین میزان برسد. در مورد چالش های که در این زمینه (mainstreaming) وجود دارد به این گزارش مراجعه نماید: "مسامحه و تعادل: مبارزه علیه مواد مخدر در دوره انتقال" (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۳ میلادی). از دیوید منسفیلد و پاول فیشتین.

چوکات ۲: پیشرفت ها و طرح های عمده در مبارزه علیه مواد مخدر

- اواخر ۱۹۸۰-۱۹۹۰**
- جایگزینی محصولات و برنامه های بدیل توسعه ای برای جلوگیری از خطرات مجاهدین در رشد و قاچاق مواد مخدر، معرفی شد. ممنوعیت کشت کونکار در سال ۱۹۹۴ در **ننگرهار** توسط حاجی قدیر، و در سال ۱۹۹۷ در سراسر کشور توسط ملا عمر تحمیل شد.
 - ۲۰۰۰ - منع تحمیل شده کشت کونکار در سطح ملی توسط طالبان، هر چند تجارت آن ممنوع نشده بود.
 - ۲۰۰۱ - موافقتنامه بن اول (دسمبر) اعلام می کند که اداره موقت افغانستان "باید با جامعه بین المللی در مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و جرایم سازمان یافته همکاری نماید."
 - ۲۰۰۲ - بریتانیا در مدیریت رهبری مبارزه علیه مواد مخدر قرار داشت و بعداً به عنوان "کشور شریک" (تا سال ۲۰۰۶، زمانی که مسولیت به دولت افغانستان منتقل شد) شناخته می شد.
 - رییس جمهور کرزی حکمی را مبنی بر ممنوعیت کشت، تولید، تجارت و استفاده کونکار صادر کرد (جنوری)، و بعداً در همان سال احکام دوم و سوم را مبنی بر محو کشت کونکار و اجرای ممنوعیت آن صادر کرد.
 - برنامه های اجرا شده محو کشت کونکار در اثر تلاش های مشترک بریتانیا-افغانستان در ساحات مختلف کشور اجرا شد، اما به طور گسترده ای به عنوان یک شکست پنداشته می شود.
 - ریاست مبارزه علیه مواد مخدر توسط رییس جمهور کرزی تحت نظارت شورای امنیت ملی افغانستان در ماه اکتوبر ایجاد شد.
 - ۲۰۰۳ - حاجی قدیر والی ولایت **ننگرهار** کشت کونکار را در آن ولایت منع قرار داد.
 - نخستین ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر برای سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۸ در ماه می صادر شد، که شامل پنج عنصر می شود که هم عرضه و هم تقاضا را تحت پوشش خود قرار می دهد، این پنج عنصر عبارتند از: ارائه معیشت بدیل، تنقیذ قانون، قانون کنترل مواد مخدر، نهاد سازی و وقایه و جلوگیری، معلومات حیاتی ارائه شده توسط دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد.
 - نخستین قانون مبارزه علیه مواد مخدر در اواخر سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید.
 - ۲۰۰۴ - مواد مخدر در قانون اساسی در ماه جنوری مطرح شد، و به عنوان تهدیدی برای کشور و جهان شناخته شد.
 - نیروی مرکزی محو کونکار توسط دولت افغانستان با آموزش و حمایت آمریکا و قرار دادی های آن هادار که ماه می تشکیل شد با مخالفت های خشونت آمیز اجرا می شود به طور مثال، قندهار.
 - ریاست مبارزه علیه مواد مخدر به وزارت مبارزه علیه مواد مخدر ارتقا یافت. که ظاهراً جدی بودن تهدید کونکار را نشان می دهد. وزارت مبارزه علیه مواد مخدر به عنوان ارگان هماهنگ کننده نه اجرایی تشکیل شد.
 - "پلان افغانستان" توسط ایالات متحده با پنج رکن محو اساسی کونکار در ماه نومبر اعلام شد. مقامات ایالات متحده تا حد زیادی در مورد رویکرد "نرم" اروپا شک و تردید دارند.
 - اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده آمریکا برنامه "معیشت بدیل" را در سه منطقه، با تمرکز بیشتر بالای بدخشان، هلمند، قندهار، لغمان و **ننگرهار**، آغاز کرد.
 - ۲۰۰۵ - قانون مبارزه علیه مواد مخدر در اواخر ۲۰۰۵ تجدید شد.
 - ۲۰۰۶ - ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر با چهار اولویت و هشت رکن در ماه جنوری تجدید شد. معلومات حیاتی ارائه شده توسط بریتانیا.
 - مبارزه علیه مواد مخدر به عنوان ستراتیژی میان برد در ستراتیژی انکشاف ملی موقت افغانستان شامل شد که در ماه جنوری در کنفرانس لندن برگزار شد.
 - ۲۰۰۷ - ستراتیژی جدید مبارزه علیه مواد مخدر ایالات متحده که تاکید بیشتر آن بر افزایش محو کشت کونکار و ممنوعیت آن می باشد در ماه اگست اعلام شد. آقای وود سفیر سابق در کلمبیا که مشهور به "Chemical Bill" است، سفیر در افغانستان گماشته شد.
 - اداره برنامه ریزی مرکزی محو کشت کونکار در وزارت امور داخله افغانستان با حمایت بریتانیا تشکیل شد، تا در مورد موجودیت معیشت پیش از نابودی کشت کونکار اطمینان داده شود.
 - طرح اجراکننده خوب را به منظور پاداش به ولایاتی که لقب "عاری از کشت کونکار" را به دست آورده اند، داده شود.
 - حکم منع کشت کونکار در **بلخ**، **هلمند** و **ننگرهار** داده شد.
 - ۲۰۰۸ - طرح منطقه غذایی (Food Zone) هلمند توسط گلاب منگل والی هلمند با پشتیبانی مالی و فنی اداره انکشاف بین المللی بریتانیا و اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده آمریکا راه اندازی شد.
 - ۲۰۱۰ - ستراتیژی جدید ایالات متحده در عرصه مبارزه علیه مواد مخدر از محو کشت کونکار صرف نظر کرده و در عوض پیرامون فراهم آوری فرصت های اقتصادی تأکید می ورزد.
 - نیروی محو کونکار عملیات خود را متوقف ساخت.
 - ۲۰۱۲ - ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر با تاخیر در سال ۲۰۱۰ با پنج هدف و چهار ستراتیژی تجدید شد.
 - طرح زون غذایی هلمند ختم می شود.
 - ۲۰۱۳ - طرح زون غذایی قندهار بر اساس مدل هلمند راه اندازی شد. دیگر زون های غذایی برای فراه، ارزگان و **بدخشان** ارائه شده شد.

۴. موضوعات / یافته های مهم: پویایی کشت کوکنار و معیشت روستایی

ارائه بخش عظیم از تخصیص در تغییرات در سطوح و موقعیت کشت کوکنار اغلب مشکل به نظر می رسد. بیشترین بحث های سیاسی همه گانی به اهمیت رهبری قاطع والیان برای موفقیت تأکید کرده است، که در برخی از موارد عدم درک چنین رهبری یکی از عوامل در حذف والیان از کرسی های شان بوده است. در موارد دیگر، این بحث های همه گانی روی طرح برنامه های مشخص به عنوان مثال: زون غذایی هلمند، معیشت های بدیل تأکید کرده است. به طور مثال، کاهش در کشت کوکنار در ولایت های شمالی و شرقی در سال ۲۰۰۸ به فشار والیان، شورا و بزرگان ولایات مربوطه در زمان کشت کوکنار نسبت داده می شود، با وجود کاهش بیش از ۲۰ درصد در قیمت اسمی نه حقیقی کشت کوکنار، و تغییر در شرایط داد و ستد تجارت بین گندم و تریاک (دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، ۲۰۰۸) و نیز وعده کمک های زراعتی حایز اهمیت می باشد.

موسسات نیز در کاهش تأمین کمک های توسعه ای و در برخی از موارد در نهاد های خودی، نقش ایفا کرده اند. حتی در سالی که کشت کوکنار در سطح ملی ثابت باقی ماند، دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد مدعی نقش کمک های توسعه ای در این رابطه شد. نمود و بیان کرد: "تأمین کمک های زراعتی در روستاها، کشت محصولات مشروع را تشویق می کند. برای اولین بار در این سال، ما ارتباط بین تأمین کمک های زراعتی و کاهش در کشت کوکنار را دیدیم."^{۱۹}

در برخی موارد، تمویل کننده گان از تأثیر معیشت بدیل و دیگر برنامه های خود که در تغییر دادن جهت دهقانان از کشت کوکنار اعتبار کسب کرده اند طوریکه در **بدخشان** یکی از دهقانان چنین گفته است: "دهقانان کوکنار کمتر را کشت می کردند زیرا دلیل معقول اقتصادی که به اساس آن دهقانان بتوانند سایر محصولات زراعتی را کشت و بدست آورند وجود داشت. و بنابراین، آنها داوطلبانه از کشت کوکنار دست کشیدند زیرا برنامه توسعه زراعت واقع در شمال توانست برنامه توسعه وسیع و دومدار را عملی سازند که به اساس آن رشد اقتصادی و فعالیت های تجاری ترغیب و تشویق گردید."^{۲۰}

با توجه به برنامه های کوتاه مدت، این پرسش ها باقی می ماند: آیا پالیسی ها و برنامه های مبارزه علیه مواد مخدر همراه با کاهش همراه بوده و یا خیر؟ آیا مکان هایی وجود دارند که استفاده از این پالیسی (یا آنچه که پالیسی گفته می شود) در واقع اوضاع را بدتر کرده باشد؟ تا چه حد برنامه های وسیع توسعه ای مانند معیشت بدیل توانسته است در مبارزه علیه مواد مخدر مؤثر واقع شود؟ و آیا مکان های وجود دارند که در آن برنامه های وسیع توسعه ای (غیر مبارزه علیه مواد مخدر) اوضاع را بدتر ساخته باشد؟^{۲۱}

در مطالعه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در زمینه ی دریافت پاسخ در مورد این پرسش که "چرا کشاورزان کوکنار کشت می کنند؟" جستجو نشده است. جواب این سوال چند بعدی بوده و وابسته به مکان، زمان و گروه می شود. علاوه بر این، سروی های در زمینه انجام یافته است برای پرسش مذکور یک تعداد پاسخ های را ارائه کرده است که عمدتاً از ماهیت برتر کوکنار در امرار معیشت حکایت دارد. ولیکن،^{۲۲} در عوض تحقیق هذا پیرامون دلایل و علت های تغییر معیشت به منظور تعیین وابستگی خانواده ها و مناطق و نیز تلاش های منع کشت کوکنار جستجو و تفحص صورت گرفته است.

بخش های آتی موضوعات کلی و کلیدی که از اثر مطالعات بررسی موردی در جریان سه سال گذشته حاصل شده است را مورد غور و بررسی قرار میدهد. این مباحثات در چهار بخش که شامل موضوعات کلیدی که دارای مشترکات می باشند تقسیم شده است که عبارت اند از: ضرورت تمایز بین ساحات جغرافیایی و خانواده ها، موضوع کلی اقتصادی، سیاسی و حکومتداری، و شرایط حاکم هنگامیکه انتقال صورت می گیرد، و عناصر و نتایج استفاده از رویکرد های بازدارنده.

در میان تمام موضوعات متذکره، تمرکز اصلی بالای خانواده ها و تصمیم گیری آنها میزول شده است. تمام مبالغ یا به پول افغانی یا به دالر امریکایی مشخص می شود. در صورت ضرورت، این مبالغ به روپیه پاکستانی تبدیل می گردد که عمدتاً در ولایات هلمند و ننگرهار بنا بر وابسته بودن اقتصادی محلی آنجا با مراکز اقتصادی کوئته و پشاور مورد استفاده قرار می گیرد.

۱۹ وزارت مبارزه علیه مواد مخدر و دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد. "سروی تریاک در افغانستان ۲۰۱۰: خلاصه ای یافته ها" (کابل: ۲۰۱۰). نقل قول شده در: آدم بین "بازگشت مجدد کوکنار: بازگشت مجدد تریاک در ولایات بلخ و بدخشان در سال ۲۰۱۱". (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱).

۲۰ افغانستان و اداره توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا. "برنامه توسعه بدیل برای مناطق شمال شرقی افغانستان" نقل قول شده در آدم بین. باید توجه داشت که این یک اداره انکشافی است و خواسته های خود را عملی می سازد. با توجه به افزایش چهار برابر در کشت کوکنار در ولسوالی ها مورد توجه در سالی که آن پروژه تکمیل شده بود، مشکل است که این پروگرام را یک برنامه "پایدار" دانست.

۲۱ حتی بعضی ها استدلال می کنند که پالیسی ها مواد مخدر وسیعاً در سطح جهانی ناکام مانده اند. به این گزارش مراجعه کنید: پیر آرنود چاوی. "شناخت طبقه بندی پیامد های ناخواسته ای کاهش محصول مواد مخدر" ژورنال مطالعات مواد مخدر و ادویه جات. جلد ۴۳، شماره ۲. اپریل ۲۰۱۳ میلادی. صفحه ۲۱۶-۲۳۰.

۲۲ ممکن بعضی ها چنین استدلال کنند که بعضی خانواده ها در مناطق روستایی افغانستان چهار پاسخ عمده برای پرسش دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، یعنی اینکه دلایل عمده کشت کوکنار چی بوده است، اساساً هم سان بوده باشد. "قیمت های بلند فروش تریاک"، "گرم آمد زیاد از زمین کم"، "بهبود شرایط زنده گی"، و "فقر (تأمین سرپناه و مواد غذایی اساسی)". وزارت مبارزه علیه مواد مخدر و دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد. "سروی تریاک در افغانستان ۲۰۱۳".

۴.۱ همه مناطق جغرافیایی برابر نیستند: ضرورت تمایز گذاری ساحات و خانواده ها

مناطق مختلف بنا به ویژه گی هایشان تغییر می باشند، بنابراین ضرورت به تمایز گذاری ساحات همیشه در بحث های سیاست گذاری و یا عمل دخیل نمی شود. پالیسی های مانند ممنوعیت گسترده در سطح ولایت گزینه های مختلف را که در دسترس خانواده ها و در مناطق مختلف موجود است، مورد توجه قرار نمی دهند. در شرایط اقتصادی که خانواده ها برای امرار معیشت تصمیم می گیرند، این تصمیم تا حد زیادی در فضای جغرافیایی تغییر است که در ادارات دولتی مانند ولایت و یا حتی ولسوالی ها اتفاق می افتد. حال آنکه یک ولایت ممکن "عاری از کشت کوکنار" باشد یا نباشد، ممکن اوضاع و واکنش ها در آن ولایت م تغییر باشد.

این تنوع توسط عامل طبیعی و ساخته دست بشر ایجاد می شود. تنوعات مهم و کلیدی جغرافیایی عبارتند از آب و زمین های قابل کشت و همچنین نزدیکی به راه ها و مناطق شهری است که دسترسی به بازارهای تولیدی برای محصولات زراعتی و بازار کار برای درآمد های غیر کشاورزی، را فراهم می سازد. همچنین ممکن است اختلافات شدید بین ساحات دولتی و ساحات غیر دولتی موجود باشد: ساحاتی که در آن دولت حضور و دارای نفوذ است و ساحاتی که در آن حضور ندارد به طور مثال **هلمند**، و **ننگرهار** که برای کسانی که در این ساحات زنده گی می کنند، واقعیت کاملا متفاوت است. در سطح خانواده ها، تغییرات در سرمایه فیزیکی وجود دارد که عبارتند از کمیت و کیفیت در زمین های قابل کشت، سهم سرمایه انسانی (تعداد اعضای خانواده و مهارت های شان، به ویژه مردانی که درس کار کردن قرار دارند)، و دسترسی به شبکه های اجتماعی و دیگر انواع سرمایه های اجتماعی. تمام این عوامل به واکنش کشاورزان به قیمت ها، فرصت ها، تهدیدها و عوامل دیگر تاثیر می گذارد.

۴.۱.۱ مناطق جغرافیایی در یک ولایت

مثال ارائه شده در مورد چهار ولایت و شرایط مختلفی که در چارچوب این ولایات حاکم می باشد را ارائه می کند. به طور مثال، در سال های اخیر در ولایت **بلخ**، حضور گسترده دولت در مناطقی که کشت کوکنار در آن محدود شده است، ولسوالی های چار بولک و چمتال می باشد. علاوه بر این، آب کشت کوکنار را در این مناطق تحت تاثیر قرار داده است. طوریکه در قسمت ۴،۳ توضیح شده است، بهبود در اوضاع امنیتی و دسترسی بیشتر به مارکیت در بعضی از ساحات که کوکنار در آن کشت می شود، باعث شده است که بعضی از کشاورزان به کشت محصولات مشروع مانند سبزیجات روی بیاورند. در این مناطق کشاورزان بطور واضح تغییرات مثبت در شرایط اقتصادی را برای بهبود محصولات زراعتی و قیمت های بهتر به این محصولات نسبت داده اند. ساحاتی که در آن کوکنار همچنان کشت می شود غیر قابل دسترس برای دولت بوده و ارتباط خوبی با اقتصاد منطقه ای ندارند.

در **هلمند**، سه حوزه مجزا مرکزی ولایت را می توان تفکیک کرد: دو حوزه ایکه توسط کانال بغرا آبیاری می شود و یک حوزه دیگر در شمال، واقع در دشت است. همانطور که در جدول ۱ خلاصه شده است، هر کدام این حوزه ها دارای شرایط متفاوت بوده که به نوبه خود، واکنش های خانواده ها را در بر دارند. ۳۳ حوزه اول، که در جنوب کانال و نزدیک به دریا واقع است دارای بهترین منابع از جمله زمین های وسیع و آبیاری خوب توسط کانال که سبب چند محصولی و در برخی موارد سه محصول در هر سال می دهد و این حوزه است که در آن بخش قابل توجهی از کشت کوکنار قبلا کشت شده بود. حوزه دوم، همچنین در جنوب کانال اما نه چندان نزدیک به دریا است که آب آن از لشکرگاه و گرشک تامین می شود، این حوزه شامل زمین های با کیفیت پایین تر است.

در حوزه سوم، دشت که واقع در شمال کانال است، مجموعه ای کاملا متفاوت از شرایط و قوانین اعمال می شود. که قبلا این ساحات به دلیل کمبود آب آبیاری تا حد زیادی کشت نشده بود، این که زمین های دولتی توسط نیروهای جهادی دوباره در سال ۲۰۰۲ کشف و ضبط شد. ۳۴ در حدود سال ۲۰۰۴ مسکن گزینی در این حوزه با تشویق داد و ستد زمین افزایش یافت. افزایش مسکن گزینی در این حوزه فوق العاده بوده است؛ در سال ۱۹۹۹ به میزان ۸۳۴ هکتار زمین تحت کشت کوکنار بود، در حالی که در سال ۲۰۰۸ به ۱۵،۷۷۷ هکتار و تا سال ۲۰۱۱ این رقم به ۳۳،۵۰۰ برابر شده بود که بیانگر افزایش ۴۰ برابر در جریان ۱۲ سال است. (شکل ۲ را ملاحظه کنید). بسیاری از کسانی که در سال های بعد از ساحه دشت زمین خریداری کرده اند، کسانی بوده اند که از حوزه کانال محروم شده بودند. همانطور که در بخش ۴،۳ شرح داده شده است، خانواده ها در هر یک از این مناطق بسیار متفاوت **هلمند** مرکزی، که با موقوفات منابع و شرایط خارجی مواجه اند، مسیرهای مختلف در پاسخ به سیاست های دولت را داشته اند. در حالی که بحث فوق و جدول ۱ مناطق کاملا متمایز را توضیح می دهد، ویژگی های این مناطق ممکن است در طول زمان تغییر می کند.

۳۳ برای تفصیلات بیشتر به این گزارش مراجعه شود: دیوید منسفیلد، شرکت السیس (Alcis Ltd)، و موسسه تحقیق و انکشاف پایدار. "مدیریت خطرات فلی و تکراری: توضیح کاهش در تولید تریاک در مناطق مرکزی هلمند بین سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ میلادی." (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱).

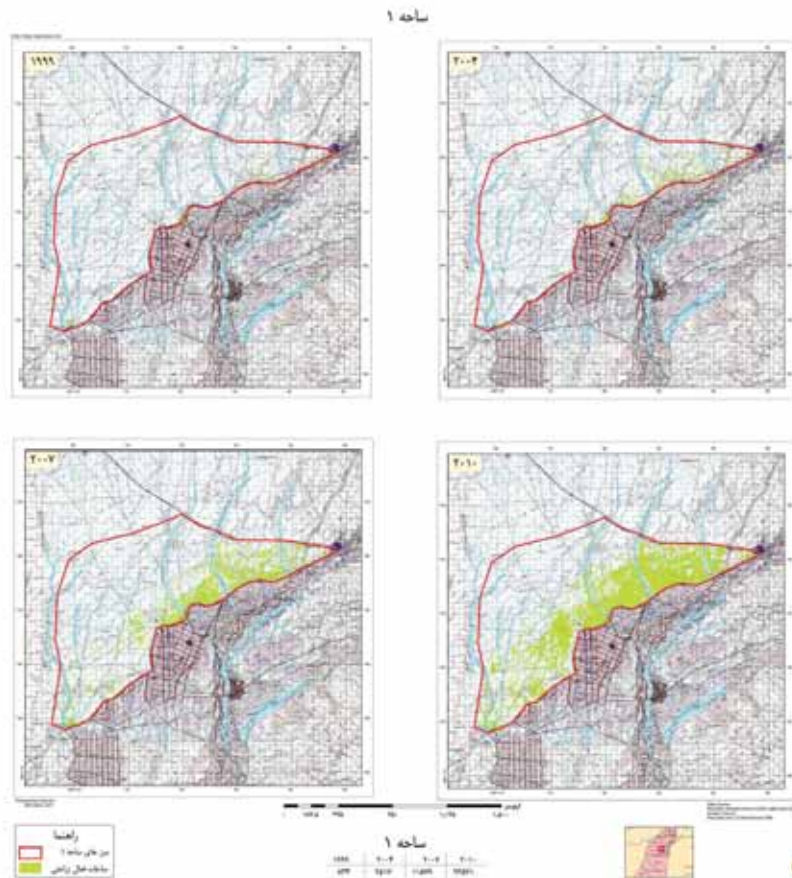
۳۴ بسیاری از قوماندانان ها که در زمان رژیم طالبان (بین سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶) کنار زده شده بودند توانستند که خود را پس از سال ۲۰۰۱ میلادی، دوباره تثبیت کنند. قسما به خاطری که جامعه بین المللی علاقه یا توانایی برای مداخله در آنچه که امور محلی دانسته شده، نداشته اند و اما قسما به خاطر اینکه بسیاری از قوماندانان ها با نیرو های بین المللی ائتلاف کرده و علیه نیرو های طالبان جنگیده اند. به برخی از این قوماندانان ها طوری نگاه می شود که آنان از جایکه در اواسط سال ۱۹۹۰ میلادی، ترک کرده بودند دوباره آغاز کرده اند.

جدول ۱: خلاصه ای از مشخصات زون ها در هلمند مرکزی

تفاوت ها	کانال ۱	کانال ۲	دشت
دسترسی به آب	• نزدیک به دریا، حمایت از طریق کانال	• مناطقی که نزدیک به دریا و یا کانال نیستند، (دشت های سابق) احتیاج به چاه های لوله ای دارند. (که هزینه گزاف دارد).	• نبود دریا یا کانال آبیاری؛ این مناطق وابسته به چاه های عمیق لوله ای (که با هزینه گزاف کار می کنند) ، اند.
ملکیت زمین	• ملکیت زمین از ۶ تا ۱۰ جریب • افراد کمی از کشاورزان و کشتمندان مستاجر از • ممنوعیت کشت کوکنار	• ملکیت زمین از ۶ تا ۱۵ جریب • افراد کمی از کشاورزان و کشتمندان مستاجر از • ممنوعیت کشت کوکنار • کشتمندان فقط ۵/۱ حصه از درآمد محصولات قانونی دریافت می کنند.	• ملکیت زمین از ۵-۳۰ جریب • اسکان محدود تا سال ۲۰۰۲ (۸۳۴ هکتار زمین در سال ۱۹۹۹ و ۳۳۵۰۰ هکتار در سال ۲۰۱۱) • اجاره ارزان زمین ، اما هزینه های بالای تولید • کشتمندان به طور معمول ۴/۱ یا ۵/۱ حصه از محصولات را که در درجه اول مواد مخدر است، دریافت می کنند.
گزینه های محصول	• چند محصولی • تنوع (باغ، سبزی های فروشی)، شامل سرمایه گذاری که تدریجی رشد می کند.	• دو محصوله همراه با کشت گندم، اما یک محصوله با کشت هر یک از این محصولات که در فصل بهار صورت می گیرد؛ مانند پنبه، خربوزه، تربوز. • ادامه اتکاء به محصولات زراعتی کم خطر و کم مفاد (مانند گندم، پنبه، جو، و ماش) - آوردن تنوع محدود، کاهش در اراضی تحت کشت.	• در یک فصل • حاصلات گندم به طور محدود • تحولات کم • بعضی یک نوع کوکنار را کشت - و بعضی گندم را کشت نمی کنند. • زمین های کشت نشده به علت زوال حاصلات کوکنار
کوکنار	• هیچ، قبلا گسترده • محو محدود کوکنار ، کشت نکردن آن به طور اجباری	• مقدار کمی در ترکیب خانواده و یا در مناطقی که چالش امنیتی موجود است مانند شمال شرقی گرشک • محو جدی کشت کوکنار ، اگر چه با فساد و رشوه صورت گیرد. • تأثیر بالای منع کوکنار	• تخریب شدید و بسیار وابسته بعضی تک کشت محصولات زراعتی و بیرون از کانال. • اصلاحات کم به علت امراض، و استفاده از "اسپری"
امنیت	• بهبود از "نا امنی مزمن" پس از سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱	• بهبود سرتاسری از "نا امنی مزمن" پس از سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱	• افزایش نا امنی از سوی نیروهای امنیتی افغان و حملات هلیکوپتر ها در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ • نا امنی به خاطر ساحه کانال، پولیس محلی افغانستان
جاده ها	• نزدیکی به بازارها، جاده آسفالت و هزینه های کم حمل و نقل	• مصارف گزاف محدود به حمل و نقل	• مصارف گزاف محدود به حمل و نقل، فواصل بلند
بازار	• نزدیکی به مراکز ولایات و ولسوالی ها • دسترسی خوب به بازارها	• دسترسی محدود به بازارها به دلیل هزینه های بالای حمل و نقل	• دسترسی محدود به بازارها به دلیل هزینه های بالای حمل و نقل و فواصل
کمک های توسعه ای	• بلی، در سال های اخیر افزایش یافته است	• نخیر؛ غضب شده توسط نخبه گان/بزرگان محل	• نخیر؛ ساحه "ممنوعه" برای دولت • نبود کلینک، تعدادی کمی از مکاتب

تفاوت ها	کانال ۱	کانال ۲	دشت
دیگر فرصت های اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش در درآمد غیر کشاورزی از کار دستمزد روزانه در لشکرگاه و گرشک دستمزد بالاتر با توجه به تقاضا برای نیروی کار برای کشت کوکنار در دیگر مناطق افزایش تجارت داد و ستد با توجه به تقاضا از دشت بهبود خدمات، مشاغل بیشتر حمایتی 	<ul style="list-style-type: none"> مشاغل محدود غیر کشاورزی از مراکز شهری (داد و ستد، پولیس محلی افغانستان) برخی از درآمد های حمل و نقل از وسایل نقلیه (که خرید این وسایل از درآمد حاصلات گذشته مواد مخدر صورت گرفته است) کاهش در تجارت داد و ستد به علت شکست محصولات در دشت 	<ul style="list-style-type: none"> بسیار محدود
وضع اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> وضعیت اقتصادی بهبود یافته است خانواده ها عمدتاً قادر به انطباق با ممنوعیت کوکنار می باشند 	<ul style="list-style-type: none"> وضعیت اقتصادی رو به وخامت رفته است بسیاری از خانواده ها از منع کوکنار آسیب دیده اند فروش بد مواشی، کاهش مواد غذایی 	<ul style="list-style-type: none"> وضعیت اقتصادی به علت حاصلات کم زراعتی پس از انجام درست آن در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ رو به وخامت رفته است فروش بد مواشی
ارتباط با دولت / عناصر ضد دولت	<ul style="list-style-type: none"> انتقادی کم تر از دولت، حتی اگر مثبت باشد ثبت نام در نیروهای امنیت ملی افغانستان و دیگر وظایف دولتی نفوذ محدود طالبان 	<ul style="list-style-type: none"> با وجود این که منع کشت کوکنار که در حال حاضر صورت می گیرد از گذشته دارای هیبت کمتر می باشد و لیکن، مردم آنرا ناموجه و دارای انگیزه فساد دانسته و آن را ناکامی دولت می پندارند. نفوذ بیشتری پولیس محلی افغانستان حضور محلی طالبان و حسرت گذشته برای طالبان و پرداخت یک خورد در هر جریب زمین در جای های که کشت کوکنار صورت می گیرد. 	<ul style="list-style-type: none"> حمایت خصمانه از طالبان - پرداخت برای یک گرام تریاک در هر جریب کشت شده بسیاری ها به زور و فشار از ساحات کانال بیرون شده اند - به کمپاین به عنوان حمله می دیدند بدون ملک ها، طوریکه بدون دولت تا با آن ارتباط گرفته شود
جمعیت / مسکن	<ul style="list-style-type: none"> فرصت کمتر برای اجاره زمین از زمان ممنوعیت کشت کوکنار 	<ul style="list-style-type: none"> فرصت کمتر برای اجاره زمین از زمان ممنوعیت کشت کوکنار 	<ul style="list-style-type: none"> خانواده ها با افراد بیشتر افزایش نفوس در جریان ۱۰ سال زمین فقیر از منطقه کانال از سال ۲۰۰۹ به عنوان اجاره یا کرایه به دلیل ممنوعیت

شکل ۲: گسترش کشتزارهای کوکنار در شمال کانال بغرا، ۱۹۹۹-۲۰۱۰



مثال ارائه شده در مورد **ننگرهار** شرایط مختلفی را که در چارچوب یک ولایت حاکم است، نشان می دهد و چگونگی تحت تاثیر قرار گرفتن کشت کوکنار از اثر آن شرایط را تحت غور و بررسی قرار می دهد. از آنجا که ولایت ننگرهار در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ به عنوان ولایت "عاری از کشت کوکنار" شناخته شد، اما از آن به بعد محصولات به شکل تدریجی و به سرعت توسعه یافت. با این حال، واکنش علیه منع وسیع کشت کوکنار در سطح ولایت، و کشت آن در دره های حاصل خیز، و دارای موقعیت خوب و ساحات کوهستانی، متفاوت است.^{۲۵} از لحاظ تاریخی، دولت در مناطق سابق حضور فعال داشته، که مناطق ما قبل انرا مدیریت می کرده است. مناطق سابق عمدتاً ولسوالی های کامه و سرخورد دارای مزایای بسیاری اند که عبارتند از: منابع وسیع تر، نزدیکی به جاده/حمل و نقل برای دسترسی به بازارهای تولید و کار، زمین و منابع آب نسبتاً فراوان که سبب دو یا سه دوره محصول در هر سال می شود. از سوی دیگر، مناطق کوهستانی که کمتر حاصل خیز و در دسترس قرار دارند، در جنوب این ولایت واقع شده اند، که عموماً شامل ولسوالی های آپچین و خوگیانی است، که این مناطق تعدادی از مزایای که در فوق ذکر شده است را ارائه یا فراهم می سازند.

اراضی کوچک که به دور از هر گونه تقاضا مؤثر بازارها واقع شده اند، خاک بی کیفیت که فرصت های زراعتی را محدود می سازد، کمبود کارهای غیرکشاورزی سبب محدودیت فرصت های معیشتی شده و خانواده ها با اعضای زیادتر سبب افزایش مصرف ضروریات مورد نیاز می شوند. تنوع در تولید سبزیجات ارزش بالاتری برای مارکیت می تواند داشته باشد که در هر ۶۴۰ جریب زمین ۸۲۰ دلار امریکایی درآمد آن است، منابع کوچک و خانواده ها که اعضای بیشتر دارند درآمد هر نفر به طور متوسط کمتر از ۱ دلار در روز است. همچنین، بر خلاف مناطق که دارای موقعیت خوب اند در این ساحات، ناامنی سبب محدود شدن کمک های توسعه ای شده است. تنها توسعه فعالیت های ساخت و ساز جاده ها، سبب ناخوشایندی شده چون اجازه دسترسی نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای امنیت ملی افغانستان را به این مناطق می دهد، به طور بالقوه سبب انقیاد بیشتر و کاملتری برای ممنوعیت کشت کوکنار می گردد.

در نتیجه، در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ در نقاط دور افتاده ولسوالی های آپچین و خوگیانی، تا ۹۰ درصد زمین های تحت کشت کوکنار تخمین زده شده است، در حالی که در مناطق پایین تراز ولسوالی آپچین که در مجاورت با زیرساخت های امنیتی دولت قرار دارند، کمتر از ۴۰ درصد زمین، کوکنار کشت شده است. همانطور که در بخش ۴،۳ بحث شد، این تفاوت های فیزیکی-جغرافیایی، موقوفات منابع طبیعی، جایگزین اقتصادی و بود یا نبود دولت، ایجاد نفوذ قویتر در سطح کشت کوکنار در ولایت مذکور کرده است.

۲۵ منسفیلد. "تمام شرط بندی ها منع اند!"

۲۶ یک جریب معادل یک پنجم حصه یک هکتار می باشد.

۴.۱.۲ خانواده

در یک منطقه جغرافیایی، سرمایه خانواده مانند زمین (کمیت و کیفیت)، آب، منابع مالی، سرمایه انسانی (از جمله آموزش و پرورش / مهارت ها و تعداد مردان که در سن کار قرار دارند) سبب ایجاد و تعیین فرصت ها که هر عضو از خانواده ها می توانند از آن بهره مند شوند نوعیت اتخاذ تصمیمات تعیین می کند. در متن زیر واکنش های گوناگون که خانواده ها نظر به شرایط خاص حاکم در مناطق مربوطه شان داشته بازتاب یافته است. این موضوع بیشتر در بخش ۴،۳ مورد بررسی قرار داده شده است.

در مناطق روستایی افغانستان، مهم ترین دارایی، زمین های زراعتی است. همانطور که در بخش ۴،۳ در زیر اشاره شده است، عدم تمایز سیاست خانواده ها در ولایت **هلمند** سبب پیامد های ناخواسته از جمله کاهش دسترسی به زمین، بیجا شدن بخش های از مردم و افزایش میزان کشت کوکنار، شد. سرکوب محصولات که ضرورت به کارگران زیاد دارد (کوکنار) به منظور کشت محصولات که به کارگر کمتر نیاز دارد (گندم) باعث زائد و زیادی شدن کارگران نزد مالکین زمین و کشتمندان گردیده است که در این حالات از کارگران خانواده های خویش استفاده به عمل می آورند. افراد که زمین ندارند یا که صاحب زمین ناچیزی اند به ساحات شمالی کانال که در آنجا کشت و کشت تریاک به شکل وسیع رایج است، مهاجرت کرده تا بتوانند جبران هزینه های بلند برای استقرار زنده گی کنند. کشت یک محصوله در میان خانواده های که صاحب زمین های کوچک (پنج جریب یا کمتر) اند، رایج است. بسیاری از این خانواده ها گندم کشت نمی کنند؛ در عوض گندم مورد نیاز خود را با درآمد پول نقد که از فروش کوکنار بدست آمده است، خریداری می کنند افرادی که در ساحه کانال باقی ماندند و در محصولات سهیم بودند، مجبور شدن که با محصولات کمتر و نامطلوب وارد معامله گردند و این سبب بدتر شدن حالات شان از قبل گردید.^{۲۷}

کمک ها در بخش زراعت فقط برای کسانی که مالک زمین بودند، تامین شده است. در حالیکه در نگاه اول این یک سیاست منطقی به نظر می رسد اما اوضاع را با در نظر نگرفتن اینکه کشاورزان از چه راه های دیگر به زمین دسترسی پیدا می کنند، خرابتر می سازد. بنابراین کشاورزان که زمین نداشته اند و یا مقدار کم زمین داشته اند به مقایسه زمین داران در موقف خوب برای مذاکره (برای کسب کمک های زراعتی)، قرار داشته اند. به این اساس آنان باید با قبول خطرات اضافی دیگر، روی سهم کمتر از محصولات زراعتی با مالکین زمین به توافق می رسیدند. به همین سان، برخی از کشاورزان در ولایات **بلخ** و **بدخشان** گزارش داده اند که انتخاب محصول زراعتی برای کشت، به آنان محدود بوده است. با اینکه آنان ترجیح میدادند که یک محصول دلخواه خود را کشت کنند اما به خاطر نداشتن وسایل از جمله زمین تا بتوانند با مالکین زمین مذاکره کنند، به کار دلخواه شان پرداخته نمی توانستند.

حتی در منطقه دشت در ولایت **هلمند**، خانواده ها به دو سال متوالی کاهش کشت کوکنار، در سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ به روش های مختلف واکنش نشان دادند، که حداقل تا یک اندازه بخشی از زمین های سرمایه ای آنها است. در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ در حالی که شواهد از کاهش یک محصوله وجود داشت، به نظر می رسد که خانواده های که مالک زمین های بیشتر (بیشتر از ۱۰ جریب) اند، بعضی از اراضی خویش را به کشت گندم اختصاص داده اند، شاید به دلیل ترس از تولیدات کم تر باک همانند سال قبل باشد. (به یک بیماری یا مرض که از اثر سم پاشی توسط امریکا بوجود آمده است، نسبت داده شده است.) با این حال خانواده ها با زمین کمتر، به کشت یک محصوله یعنی کوکنار ادامه می دهند.

در واقع نشانه های وجود دارد کسانیکه زمین را برای کشتمندی اجاره کرده بودند مقدار کشت کوکنار را افزایش داده بودند تا اینکه بتوانند قرض ها و ضرر های را که متقبل شده بودند، بازپرداخت کنند. به میزان "دو برابر" ضرر های سال قبل، کشت کوکنار را افزایش داده اند. مخصوصاً این مسئله در مورد کسانی که در این اواخر در ساحه دشت مهاجر شده بودند، واقعیت دارد. آن طوریکه در بخش ۴،۲، روی اوضاع سیاسی و حکومتداری توضیح شده، برخی شواهد در ولایت **بدخشان** وجود دارند که خانواده ها به همین گونه در برابر ضرر از تریاک (یا به خاطر تخریب کشتزار ها و یا هم به خاطر علت های طبیعی دیگر مانند زمستان بسیار سخت)، عکس العمل نشان داده و کشت کوکنار را بلند برده اند. با اینکه در آن مناطق پاسخ خانواده ها با مقدار زمین های مختلف را نمی توان تفکیک کرد.

به طور مشابه، در ولایت **ننگرهار**، خانواده ها که در بخش هایی از ولسوالی خویگانی دست به کشت کوکنار نمی زنند و یا تجربه نابودی آنها دارند، به طور کلی به کسانی که در بخش های دیگر ولسوالی زنده گی دارند، در وضع نسبی بد تری بسر می برند. برای خانواده های که مرد در سن کار قرار داشته باشد، ندارند، اثرات ناگوار محسوس است، چون گزینه های بیشتر برای امرار معیشت محدود شده است.

دومین مهمترین منبع آمد برای خانواده ها کارگری هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی به حساب می آید. با اینکه در افغانستان میزان بی کاری و قابلیت تولید پایین محصولات سبب ایجاد فرصت های کاری کمتر شده است، خانواده های که دارای اعضای بیشتر اند، از (امتیاز به) کار گیری کارگران که در کار های زراعتی که کارگر زیادی لازم دارد، مستفید شدند. علاوه بر، افراد دارای مهارت ها سبب ایجاد فرصت های وسیع کاری خارج از کشاورزی شده اند. در برخی از موارد، تعداد اعضای خانواده ها در مقایسه با زمین باید کافی و بسنده باشد اما در بعضی از موارد، قضایای حقوقی و سایر ضروریات باعث اتلاف وقت آنان شده، طوریکه آنها به کشت سایر محصولات زراعتی روی آوردند. به طور مثال، یک خانواده در ولایت **بلخ** که در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به کشت ترکاری مصروف بود، یک بر چهار حصه از درآمد آنها به دلیل منازعه حقوقی با همسایه که تمام اراضی شان باید گندم کشت شود، کاهش یافت. "اگر من گندم کشت کنم، به زمان زیادی ضرورت نیست که من هم زمان زیادی برای این موضوع ندارم. گندم کشت کردم به دلیل آنکه سایر محصولات نیاز به زمان و توجه بیشتر دارند."^{۲۸}

۲۷ منسفیلد، "از بد، بدتر ش کردند".

۲۸ مصاحبه با یک کشاورز، ولسوالی بلخ، می ۲۰۱۳، مراجعه شود به "زمینه های گسترش کشت کوکنار" پاول فیشستین.

از طرف دیگر، برخی از خانواده‌ها خوش شناس قادر به تنظیم کارهای خارج کشاورزی بوده‌اند تا بتوانند از این طریق فعالیت‌های زراعتی خود را انجام دهند. به طور مثال، یک خانواده در ولایت **پدخشان** صاحب دو فرزند بود که در مکتب محلی به حیث معلم استخدام و علاوه بر آن نصف روز را در مزرعه کار می‌کردند: "به خاطری که دو نفر کار می‌کنند و دارای معاش‌اند، وضعیت زنده‌گی بهتر می‌شود. هرگاه زمین خویش را به کشت‌مندی می‌دادیم، ۳۹۵۰ درصد درآمد از آن حاصل می‌کردیم." در تعدادی از موارد، مکاتب که در مجاورت به قریه قرار دارند سبب ایجاد کار برای شاگردان در مزارع شده تا از این طریق ضروریات لازم برای امرار معیشت را رفع و سرمایه‌گذاری در تحصیل خویش برای آینده بهتر کنند. طوریکه در بخش ۴،۳، توضیح داده شده است، در بعضی از حالات، این پرسش که آیا خانواده‌ها می‌توانند کارگرهای خویش را در زمین‌های درو و قطع کوکنار بسیج کنند، در حصول مصارف تولیدات تفاوت را می‌تواند به میان آورد؟.

از تعدادی کشاورزان در **پدخشان** گزارش شده است که فرزندان خود را به کار بر روی اراضی گماشته و هم به مدرسه می‌فرستادند که این خود یک سرمایه‌گذاری ارزشمند محسوب می‌شود. یکی از معدود کشاورزان که کشت کوکنار را در بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کاهش داد، این کار را به خاطر پسرش که مجبور به ترک تحصیل نشود، انجام داد. خانواده‌ها که مالک زمین‌های کافی‌اند، سبب می‌شود که گندم مخارج زنده‌گی شان را تامین کند، که یک منبع پول نقد در درآمد غیر کشاورزی بوده که سبب کاهش یا حذف کشت کوکنار و تریاک می‌شود.

برای برخی از خانواده‌ها، سرمایه‌گذاری در مواشی، زمین، آموزش و پرورش و دوکان‌ها می‌تواند فرصت‌های غیر کشاورزی و خارج از کشاورزی را فراهم سازد. خاصاً، خرید وسایل نقلیه (موتورهای مسافری، موتور سائیکل‌های زنجی،^۲ موتورهای باربری، تراکتور)، سبب امرار معیشت برای خانواده‌ها شده است. این سرمایه‌گذاری‌ها سبب شده است که خانواده‌های که یکی از اعضای فامیل خود را به عنوان راننده استخدام کنند. گذشته از کاهش هزینه‌ها، در مناطق روستایی افغانستان استخدام راننده و یک وسیله نقلیه را به امانت به او سپردن، هزینه‌های مالی و نظارتی قابل توجهی را در بر دارد. جالب اینجاست که در برخی موارد این سرمایه‌گذاری‌ها از درآمد‌های کشت کوکنار بوده است.

اگرچه به این تحقیق اجازه دست‌یابی به زنان را داده نشده است، چوکات ۳ به صورت عموم بیانگر نقش زنان و دختران در تولید کوکنار می‌باشد.

چوکات ۳: نقش زنان در کشت کوکنار

زنان و دختران در کشت کوکنار به دو طریق سهیم‌اند:

اول، توسط کاشتن، درو کردن، رقیق کردن و حاصل گرفتن از محصولات در زمین‌های خانواده‌گی یا زمین‌های همسایه که در آن مردان به عنوان کارگر کار نکرده باشند، و دوم، با آماده کردن غذا برای کارگران که استخدام شده‌اند که بر حسب توافق دو یا سه وعده نان در روز به عنوان حقوق شان تهیه می‌شود.

نوعیت درگیری در این فعالیت‌ها با توجه به عواملی چون تعداد اعضای خانواده، مهارت‌های زنان، نیازهای مراقبت از کودکان، موقعیت زمین از خانه، مفکوره‌های فرهنگی خانواده (به عنوان مثال: حجاب)، نیاز به مواد غذایی برای کارگران استخدام شده، و ضرورت اقتصادی خانواده‌ها، متفاوت است. به طور کلی، خانواده‌های فقیر بیشتر از بسیج زنان استفاده می‌کنند.

در برخی مناطق، زنان و دختران در جامعه/همسایه‌گی بسیج می‌شوند تا که در اراضی محلی کار کنند. در مناطق ناامن و در بخش‌هایی از جنوب و شرق کشور که به لحاظ اجتماعی محافظه‌کار تراند، به طور شدید، محدودیت‌های بسیج و کار کردن برای زنان وجود دارد. کار زنان (و کودکان) هزینه کمتری را در بر دارد، که دستمزد‌های متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال، در چمتال در بهار سال ۲۰۱۳، برای زنان در حدود ۴۰ درصد دستمزد مردان که غیر از کوکنار، دیگر محصولات زراعتی را کشت می‌کرده‌اند، پرداخت شده است.

تحقیقات قبلی نشان داده است که علاوه بر وظایف فوق، زنان بیشتر در کسبیدن دانه‌ها از کپسول و پاک کردن آنها و در پروسه‌های تولیدی مانند تولید روغن و صابون نقش فعال و مهم دارند. اطلاعات کمی از نقش زنان در تولید و تجارت تریاک، و نقشی که آنان می‌توانند به عنوان عوامل تغییر در خانواده‌ها ایفا کنند، در دسترس است. اما به نظر می‌رسد که زنان عموماً در الگو و شیوه کشت و کار از قدرت تصمیم‌گیری کمتری برخوردار هستند.^۲

۲ دیوید منسفیلد، "نقش زنان در کشت کوکنار در افغانستان". مطالعه استراتژیک شماره ۶ دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، جون ۲۰۰۰ میلادی.

۴.۲ شرایط بزرگتر اقتصادی، سیاسی و حکومتداری

۴.۲.۱ واقعیت‌های اقتصادی

برنامه مبارزه علیه مواد مخدر شرایط بزرگتر اقتصادی و واقعیت‌های اقتصادی را که افراد خانواده‌ها با آن مواجه‌اند، همیشه در نظر نگرفته است. این شرایط هم روی کوکنار تاثیر گذار بوده و هم از آن متاثر شده است. اما آن طوری که در بخش ۴،۳ به تفصیل بیان شده است، این مسئله بدان مفهوم نیست که کشت کوکنار توسط یک خانواده خاص و در یک منطقه خاص عملی موجه می‌باشد.

۲۹ مصاحبه با یک کشاورز، ولسوالی خاش، می ۲۰۱۳، عین مرجع.

۳۰ نوعی از موتور سائیکل ارزان قیمت بارکش که برای حمل و نقل انسانها و اشیا استفاده می‌شود.

در اغلب مواقع جدا ساختن مسائلی که محض اقتصادی اند از مسائلی سیاسی کاری دشواری است. انگیزه های اقتصادی برای کشت کوکنار به خوبی مستند سازی شده اند با اینکه این کار به شکل بسیار ساده و مبتنی بر مقایسه نفع ناخالص کشت کوکنار با دیگر محصولات صورت گرفته است. به تنهایی بر اساس این نفع ناخالص، کوکنار به مقایسه هر یک از بدیل های زراعتی دیگر، پر منفعت تر تلقی شده است اما نیاز است که یک تعداد زیادی از عوامل دیگری را که روی تصمیم گیری خانواده ها برای کشت کوکنار اثر می گذارد، نیز مورد توجه قرار داد. هر یک از محصولات دیگر که نفع ناخالص زیادتر داشته باشد ممکن مصارف کشت و کار آن نیز بلند باشد و مدت زمان برداشت آن محصول به مقایسه کوکنار که فصل محصول آن کوتاه تر است، طولانی باشد. به این خاطر است که کشاورزان زمین های خود را به کشت کوکنار اختصاص داده و از کشت دیگر محصولات ابا می ورزند. علاوه بر این، کشاورزان تمایل دارند که در قالب یک سیستم زراعتی فکر و عمل کنند. به این مفهوم که، علاقه دارند که با در نظر داشت فصل کشت و کار و چگونه گی وضع خاک زمین های شان، مطلوب ترین محصولات را برای کشت و کار انتخاب کنند. به عنوان مثال، بیرون ساختن علف های هرزه و نازک کردن زمین، کشت مجدد آن زمین را برای محصولات دیگر مساعد می سازد. مخصوصاً اینکار در ولایت هلمند بنا بر سطح آب و ویژه گی های خاک آنجا صورت می گیرد. به همین گونه استفاده از کود کیمیاوی در کشت کوکنار، به نفع هر نوع کشت و کار در فصل بعدی می باشد.

برعلاوه، بدون دسترسی به مارکیت فروش امتعه و به قیمت مناسب، این کشاورزان حتی با کشت محصولاتی که از نظر اقتصادی و زراعتی توانایی کسب درآمد بیشتر دارند، نخواهند توانست از آن نفع ببرند. توانایی اعضای مرد خانواده ها برای دسترسی به فرصت های شغل خارج از کشاورزی - چی بنا بر نزدیکی به مارکیت کار و یا از طریق وضعیت داخلی خانواده ها که برای اعضای مرد خانواده اجازه میدهد که برای جستجوی کار به بیرون از محل خود سفر کنند - نیز روی تصمیم خانواده ها و تعداد کارکنان مرد آنان تاثیر گذار می باشد. به گونه مثال، مقدار محدود نیروی کار در خانواده همراه با بلند بودن دستمزد ها در منطقه در پهلوی عوامل دیگر که استخدام کارگران یا مشکل ساخته و یا هم پُر مصرف می سازد ممکن هزینه یا مصارف فرصت کشت کوکنار را افزایش دهد و خانواده ها را به این وادار سازد که برای معیشت دست به اشتغال در دیگر سکتور ها بزنند. در نهایت، داشته ها و منابع خانواده ها و محیط بیرونی ممکن زمینه تمایل آنان را به مالداری افزایش دهد.

علاوه از نفع قسمتاً بیشتر شیره کوکنار، در پهلوی منفعت های دیگر که از کاه آن برای تامين سوخت برای گرم ساختن خانه ها و یا آشپزی استفاده می شود، کشت کوکنار ویژه گی های دیگری دارد که جلب توجه می نماید: مقاومت آن بالا بوده، به آسانی ذخیره می شود، ارزش خود را حفظ می کند و دارای مارکیت خوب است. حتی گذشته از آن، کوکنار نقش مهمی در دسترسی و تصرف زمین و روابط اجتماعی دارد که غالباً نادیده گرفته شده است. طوریکه در قسمت بالا روی زون های غذایی هلمند و بخش های دیگر بحث شد، در بعضی موارد توانایی و علاقه برای کشت کوکنار نقش تعیین کننده در قسمت دسترسی آن خانواده های که به کسب زمین علاقه داشته اند همراه با توانایی آنان برای دسترسی به قرضه که غالباً برای خانواده های فقیر تر در این کشت و کار بسیار مهم می باشد، نقش تعیین کننده داشته است.^{۳۱}

برای بسیاری از خانواده ها مخصوصاً در ساعاتی که مردم به منابع عایداتی جایگزین دسترسی ندارند، کوکنار نقش مهمی در قسمت تسویه حساب قرضه ها، تولید پول نقد و بطور بالقوه برای جلوگیری از فقر ایفا می کند. به گونه نمونه در بسیاری از مناطق **بدخشان**، کوکنار تنها محصول بالقوه قابل فروش می باشد. تعداد زیادی از خانواده های که برای این تحقیق در ولسوالی های خاش و جرم در جریان سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ سروی و مصاحبه شدند به صراحت گفته اند که به منظور تسویه حساب قرضه های قبلی شان اقدام به کشت کوکنار کرده اند. اکثر خانواده ها به خاطر ساختمان یا بازسازی خانه، خریداری مواشی، تامین مخارج خانواده ها و تامین مالی مراسم عروسی و یا تشییع جنازه اعضای خانواده های شان، قرضه می گیرند. و برای بعضی دیگر از خانواده ها، شوک های اقتصادی از قبیل مریضی، و یا سایر حالات اضطراری مانند آفات طبیعی مانند سیلاب ها، از دلایلی بوده که آنان اقدام به گرفتن قرضه کرده اند.

به عنوان مثال، پاسخ دهنده گان در ولایت **بدخشان** اظهار داشته اند که آنان به خاطر یک زمستان طولانی و سخت سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی که در آن ۱۰ و ۱۵ درصد از مواشی خود را مردم جرم و خاش به ترتیب از دست داده بودند، اقدام به گرفتن قرضه کرده بودند. در آن زمستان، قیمت یک بوجی (۵۰ کیلوگرام) کاه که برای تغذیه مواشی استفاده می شود از ۲۰۰-۳۰۰ افغانی به ۱،۳۰۰-۱،۷۰۰ افغانی افزایش یافت. این در حالی است که در یک سال عادی و نارمل خانواده ها عموماً با کشت علوفه برای مواشی شان در فصل خزان از خرید علوفه با آن قیمت های پایین نیز خود داری می کنند. در خزان سال ۲۰۱۱ میلادی برف زود هنگام باعث پوشیدن ساحات علفچر این مناطق شده بود. در فصل بهار سال بعد، از جمع ۱۴ خانواده، تنها ۱۰ تن آنان که قرضه گرفته بودند اظهار داشتند که نیاز داشتند که علوفه خریداری کنند. تمام خانواده های که کوکنار کشت کرده بودند و قرضه گرفته بودند بطور واضح گفتند که نیاز داشتند که آن قرضه ها را از طریق عایدات پولی که از کشت کوکنار به دست می آورند، تسویه کنند.^{۳۲} در آمد سرانه و روزانه این ۱۴ خانواده ۸۴ سنت امریکایی (کمتر از یک دالر) بوده و با این درآمد، بلند رفتن قیمت های علوفه در سطح یک فاجعه برای آنان بوده که نمی توانستند آنرا تحمل کنند.

۳۱ کمبود آگاهی و درک از این روابط سبب می شود که بعضی از اصلاحات ارضی (مانند فسخ قرضه ها و ایجاد سقف برای مالکیت زمین) که توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان روی دست گرفته شده بود، در به خاطر آورد. در آن اصلاحات، میزانی که مردم از طریق روابط اجتماعی تا چي حد به یک دیگر وابسته اند، مد نظر گرفته نشده بود، بدون در نظر داشت اینکه تا چه حد آن روابط اجتماعی نابرابر و سود جویانه بوده اند.

۳۲ بر اساس ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۲۰۰۸، ولایت بدخشان افغانستان یکی از ولایاتی است که در آن مصونیت غذایی بسیار پایین بوده (در میان ۳۴ ولایت، دومین خرابترین از نظر مصونیت غذایی) و دو-سوم حصه از نفوس این ولایت به کمبود مصرف کالری مواجه اند و زمینداری در این ولایت نیز از میزان اوسط در سطح ملی پایین تر می باشد. به این گزارش مراجعه شود: "افغانستان: معلومات مختصر ولایتی"، بانک جهانی و جمهوری اسلامی افغانستان. شاخص ها از سطح ولایات برای گزارش ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی، تا کنون نشر نشده اند. اما منطقه شمالشرقی افغانستان که در برگیرنده ولایات بدخشان، تخار، بغلان و قندوز می شود تخمین می شود که به مقایسه هشت منطقه دیگر افغانستان از نظر مصونیت غذایی در سطح پایین باشد. و ولایت بدخشان در بین آن چهار ولایت آن منطقه از نظر تاریخی نیز پایین ترین سطح مصونیت اقتصادی را داشته است.

معمولاً از کشاورزان این جملات شنیده میشود: "من قرض دار هستم و به این خاطر کوکنار تنها راه رهایی از این قرضه می تواند باشد."^{۳۳} یک نفر دهقان دیگر که ۲۰،۰۰۰ افغانی (معادل ۳۶۴۴ دلار امریکایی) وسایل خانه و کشاورزی خریداری کرده بود و قرض دار بود، و در ۲ جریب از جمع ۶ جریب زمینی که به کشتمندی گرفته بود، کوکنار کشت کرده بود گفت که: "هیچ فرصتی برای کار در کشتزار وجود نداشته. سال قبل [کوکنار] کشت نکرده بودم، به این دلیل امسال قرضدار می باشم. در غیر این صورت هیچ چیزی از زراعت و کشاورزی به دست نمی آید"^{۳۴}. حد اقل در یک مورد یک نفر دهقان در ولسوالی خاش مقدار زمینی را که به کشتمندی گرفته بود یک بخش آن را کوکنار کشت کرده بود به این امید که کل زمین خود را از دست ندهد.

در جدول ۲، درآمد ناخالص از اشکال مختلف و متناوب کشت و کار در ساحات کاری ولایات **بدخشان** و **ننگرهار** را نشان میدهد. منطقه ای که تنها یک فصل کوتاه کشت داشته است، درآمد های کمتر و انتخاب های که اساساً برای محصولات کم ارزش محدود می باشند، کچالو و کوکنار تنها منابع ممکنه برای کسب درآمد نقدی می باشند. حتی با نیمی از مقدار زمینی که کوکنار در آن کشت شده باشد، خانواده ها در افزودن به درآمد شان به مشکل مواجه می باشند. حتی شرایط برای کسانی که در این دو ولایت کشتمندی می کنند، کمتر امیدوار کننده می باشد. به همین سان، طوریکه در بالا ذکر شد و در زیر نیز به تفصیل بیان می شود، بسیاری از خانواده ها با مقدار کم زمین در دشت **هلمند** که در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی مقداری از زمین های شان را به کشت کوکنار اختصاص داده بودند، به خاطر شیوع امراض زراعتی و آمدن زود هنگام فصل سرما، قسمت زیادی از محصولات شان را از دست داده بودند.^{۳۵} بعداً از قضا این مسئله ممکن باعث افزایش کشت کوکنار شده باشد. برای اینکار خانواده ها یا مقدار زمینی را که در آن کوکنار کشت کرده اند افزایش داده اند و یا اینکه مقدار زمین بیشتر خود را برای کشتمندی گرو داده اند که بتوانند مقدار قرضه های خود را تسویه حساب کنند. اما با اینکه در بالا تذکر یافت، کشت تک محصولی کوکنار در ساحه دشت در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کمتر بوده است. این واقعیت ممکن به دلیل هراس از یک فصل دیگر شکست در کشت کوکنار بوده باشد. دستکم این امر در میان زمین داران بزرگ چنین بوده گزارش شده است.

۳۳ مصاحبه به یک دهقان، ولسوالی خاش، ماه می ۲۰۱۳ میلادی. ذکر شده در، فیشتین. "زمینه های گسترش کشت کوکنار".

۳۴ مصاحبه به یک دهقان، ولسوالی خاش، ماه می ۲۰۱۳ میلادی. همان.

۳۵ با اینکه شایعات بازار و تیوری توطیه آنرا به پاشیدن اسپری و دیگر مداخلات توسط ایالات متحده، نسبت داده بودند.

جدول ۲: عواید ناخالص از شیوه های متناوب کشت و کار؛ نگرهار و بدخشان

نگرهار

محصول زراعتی	انتخاب اول		انتخاب دوم		انتخاب سوم		انتخاب چهارم	
	جریب	دار امریکایی	جریب	دار امریکایی	جریب	دار امریکایی	جریب	دار امریکایی
گندم	۵۷۶۰۰	۵۲۴	۳۲	۵۲۴	۱	۱۸۰۰۰	۱۶۴	۱۶۴
جواری	۳۷۲۴۰	۳۳۰	۲۲	۳۳۰	۲۲	۲۵۷۰۰	۲۳۴	۲۳۴
چرس	۳۲		۱	۱۵۳۶	۱	۱۶۹۰۰۰	۱۵۳۶	۱
کوکنار					۲۲	۴۰۲۸۰۰	۲۶۸۰	۳۲
مجموع؛ مالکیت زمین	۹۵۰۴۰	۸۶۴	۶۴	۲۵۲۳۴۰	۶۴	۶۱۷۵۴۰	۵۶۱۴	۶۴
مالکیت زمین فی نفر/فی روز	۲۶	۰.۲۳		۶۸		۱.۵۱	۱.۵۱	۲۱۰
مجموع؛ زمین کشتندگی	۴۷۵۲۰	۳۳۳		۱۲۶۱۷۰		۱.۱۳۷	۲۸۰۷	۳۹۱.۷۷۰
کشتندگی فی نفر/فی روز	۱۳	۰.۱۱۲		۳۴		۰.۳۱	۰.۷۵	۱۰.۵

بدخشان

محصول زراعتی	انتخاب اول		انتخاب دوم		انتخاب سوم		انتخاب چهارم	
	جریب	دار امریکایی	جریب	دار امریکایی	جریب	دار امریکایی	جریب	دار امریکایی
گندم	۴	۵۱۸	۴۶	۲۸۴۸۹	۳۶	۲۳۲۹۶	۲۶	۱۶۰۱۰۳
کچالو	۱	۶۷۷	۱	۳۷۲۴۰	۱	۳۷۲۴۰	۱	۳۷۲۴۰
شکل	-	-	۱۶	۶۲۰۰	۱۶	۶۲۰۰	۱۱۳	۶۲۰۰
کوکنار	-	-	-	-	۱	۳۴۶۹۹	۲	۶۹۱۲۵۹
مجموع؛ مالکیت زمین	۵۶	۱۰۱۹۵	۶۳	۷۱۶۲۹	۷۲	۱۰۰۳۶۵	۷۲	۱۲۸۸۰۱
مالکیت زمین فی نفر/فی روز	۲۰	۰.۳۶		۲۳		۳۱	۰.۵۶	۳۹
مجموع؛ زمین کشتندگی	۳۷۸۶۴	۵۹۸		۳۵۹۶۴		۵۰۱۸۳	۹۱۲	۶۴۴۰۱
کشتندگی فی نفر/فی روز	۱۰	۰.۱۸		۱۱		۱۵	۰.۲۸	۲۰

یادداشت ها و فرضیه ها: بزرگی خانواده ها: نگرهار ۱۰۳ و بدخشان ۹۰؛ فیصدی کشتندگی: ۵۰ فیصد. نرخ تبادل اسمار: ۵۵ افغانی؛ با ۱۱۰ روپیه پاکستانی معادل ۱ دلار امریکایی. قیمت محصولات زراعتی از سال ۲۰۱۱-۲۰۱۳. حشیش متوسطا متبوع کوفته شده از: "از بد بترش ساختن" از منسپیل. (نگرهار) و اطلاعات کاری ساحوی ماه می ۲۰۱۳ میلادی، (بدخشان).

۴.۲.۲ ضریب های محلی: تاثیرات کوکنار

با اینکه بر اساس سنجش های که شده ۱۰ درصد از نفوس افغانستان به گونه مستقیم در کشت کوکنار دخیل اند، اما به شکل واضح این سنجش نسبت به مناطق مختلف فرق می کند. افزون بر آن، در حالیکه ارزش مواد مخدر در کشتزار های افغانستان در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی ۷۰۰ میلیون دالر امریکایی سنجش شده بود، یعنی معادل ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور، مجموعاً ارزش کلی اقتصاد تریاک افغانستان ۳،۱ میلیارد دالر امریکایی یعنی ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی، تخمین می شود.^{۳۶}

حتی این رقم مجموع تاثیر ضریب را بالای اقتصاد مد نظر نمی گیرد به شمول خدمات و کالا های که توسط درآمد به دست آمده از فعالیت های وابسته به کشت کوکنار و اقتصاد تریاک، تامین می شود را مد نظر نمی گیرد.^{۳۷} (بطور مثال، چنین فرض شده است که کوکنار نقش مهمی در انباشت سرمایه در مزار شریف و جلال آباد داشته است با اینکه این مسئله بیشتر یک حکایت و یا خبر سرچوک می تواند باشد). همچنین این ارقام، تاثیرات پراکنده ای اقتصاد تریاک را در مناطق خاص که کوکنار و مواد مخدر یک فعالیت عمده در آن ساحات محسوب می شود، را در نظر نمی گیرد. در زمان های که کوکنار به مقدار زیاد کشت می شود، کوکنار یک ضریب بسیار مهم برای اقتصاد محلی افغانستان تلقی می شود. اما این موضوع در زمان کاهش کشت کوکنار طوریکه در زیر بحث شده، درست می باشد. در سطح محلی تمام این چهار ولایت نشان داده است که مواد مخدر یک ضریب اقتصادی مهم بوده است و در بعضی موارد نیز نشان داده شده است که بیرون کردن مواد مخدر از اقتصاد کشور پیامد های بزرگ اقتصادی خواهد داشت.

پاسخ دهنده گان از ولایت **ننگرهار** هنوز هم سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی به نام "سال های کوکنار" یاد می کنند که در آن زمان اقتصاد تمام کشور بیشتر به خاطر کشت و تجارت مواد مخدر، توسعه یافته بود. بر علاوه افزایش تقاضا برای کارگری با دستمزد های خوب، مزایای دسته دومی در اقتصاد، عبارت بودند از بلند رفتن تقاضا برای کالا ها و خدماتی از قبیل شستن موتر و موترسایکل و غذا خوردن در رستوران ها بوده است.

ممنوعیت کشت کوکنار با آغاز فصل کشت و کار در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی، با رکود اقتصاد محلی همراه بوده، مخصوصاً در مناطق جنوبی که کمتر تحت دسترسی بوده و از نظر داشته ها و منابع اقتصادی فقیر بوده اند و در آن جا خانواده ها کمتر قادر بوده اند که از طریق تنوع در محصولات خود، بتوانند به تقاضای مارکیت و فعالیت های دیگر اقتصادی، پاسخ دهند. مناطقی در نزدیکی شهر جلال آباد که از نظر منابع در موقعیت بهتری بوده اند به نظر می رسد که با مصارف نظامی و ملکی نیرو های خارجی در آن جا، و نیز با رشد نسبی اقتصاد کلی این مناطق، نسبتاً در وضع خوبی بوده اند. این وضعیت سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ میلادی بوده است. در آن سال، مردم حتی در شهر جلال آباد به گونه گسترده از ممنوعیت کشت کوکنار متاثر شده بودند.^{۳۸} همچنین، جالب است که رکود اقتصادی در پاکستان و رکود فرصت های اقتصادی در آنجا سبب شده که فعالیت های اقتصادی در **ننگرهار** افزایش یابد. تفاوت تاثیرات اقتصادی از یک منطقه نسبت به منطقه دیگر با تفصیلات بیشتر در بخش ۴،۳، توضیح شده است.

با این حال با شکسته شدن ممنوعیت کشت کوکنار که در بخش قبلی توضیح شد و از طرف دیگر بهبود شرایط اقتصادی و زراعتی برای کشت کوکنار با بلند رفتن قیمت ها، **ننگرهار** "جنت کوکنار" واقعی در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی بوده است. شاخص های مثبت که توسط خانواده ها در برخی از مناطق در بهار سال ۲۰۱۳ میلادی بر شمرده شده بودند عبارت از افزایش درآمد قابل تصرف و مصرف، بهبود در کمیت و کیفیت مواد غذایی مصرف شده، توانایی برای سفر به پاکستان برای تداوی به وسیله داکتر های شخصی، دسترسی بزرگتر برای قرضه (به شمول پیش پرداخت ها برای مواد مخدر که به نام پیش پرداخت یا سلم یاد می شود)^{۳۹} و زیرساخت های زراعتی (مثلاً چاه ها، مالداری، پانل های آفتابی، حمل و نقل، و تحصیلات خصوصی می باشند) را در برمی گیرند. حتی سلمانی ها در ولسوالی خوگیانی در مورد افزایش درآمدها و درآمد شان در موقع عروسی ها گزارش داده اند که این در واقع تاثیر مثبتی است که بطور واضح مرتبط به کشت کوکنار دانسته شده است.^{۴۰}

همچنین پاسخ دهنده گان بنا بر اینکه کشت کوکنار بر مبنای کار استوار است مثلاً (نیشتر زدن یا پاک کاری گیاه، علف های هرزه) از افزایش روز مزدی خبر داده اند. در جریان فصل کشت و کار سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی، در برابر هر روز کار برای پاک کاری علف های هرزه از کشتزار های کوکنار معادل ۵،۱۰ دالر امریکایی و در جریان اواخر فصل زمستان، و برای محصول برداری ۸،۱۶ دالر امریکایی برای هر روز همراه با سه وقت نان که معادل ۲،۵۵ دالر امریکایی سنجش شده، پرداخت می شده است. توقع می رفت که این ارقام بلند برود طوریکه دیگر ولسوالی اقدام به کشت کرده و در بازار مارکیت رقابت را آغاز کردند.^{۴۱} (بطور مقایسوی، شعبه نقشه برداری و تحلیل آسیب پذیری/برنامه غذایی سازمان ملل)، گزارش داده است که دستمزد های روزانه برای کارگر غیر ماهر در شهر جلال آباد، در عین زمان، بین ۴،۵۵ دالرتا ۴،۷۳ دالر امریکایی بوده است. حتی در

۳۶ بر اساس گفته وزارت مبارزه علیه مواد مخدر و دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳ میلادی این رقم بطور چشمگیر از ارقام سال ۲۰۰۴ میلادی یعنی (۶۱ درصد از تولید ناخالص داخلی) کمتر می باشد که در واقع منعکس کننده رشد و توسعه سکتور های دیگر اقتصادی در این کشور می باشد.

۳۷ کرسووفر وارد و دیگران، ۲۰۰۸. در سال ۲۰۰۴ میلادی، تاثیر این ضریب اقتصاد تریاک بالای ۲ محاسبه و سنجش شده بود. به گزارش از بایرد و وارد، ۲۰۰۴ م مراجعه فرمایید.

۳۸ از دیوید منسفیلد، "فقر و یا منفور؟ ممنوعیت تریاک در فصل کشت و کار در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ میلادی در ننگرهار و تاثیرات آن بالای ستراتیژی معیشت روستایی". پروژه ای برای معیشت های بدیل در مناطق شرقی افغانستان، از GTZ-GIZ، جلال آباد، جون ۲۰۰۵ میلادی.

۳۹ در قالب این میکانیزم ها کشاورزان در برابر محصولات و برداشت که در یک سال پیش بینی می نمایند قرضه می گیرند، و از قیمت های کنونی مواد مخدر برای تعیین ارزش آن محصولات شان استفاده می کنند.

۴۰ بطور سنتی کشاورزان در زنده گی روزمره افغانستان نقش های متعددی داشته اند از جمله، آوازخوان و موسیقی نواز، کاریگر، آشپز، داکتر دندان، تامین کننده خدمات ابتدایی صحتی و ختنه کردن اطفال. قبل از عروسی ها، داماد همراه با تیم اش برای آرایش صورت و موه های شان نزد سلمان مراجعه می نمایند. در زمان فشار های اقتصادی، عروسی ها یا به تعویق می افتند و یا اینکه از بزرگی برنامه های عروسی کاسته می شود؛ در عوض زمانیکه مردم درآمد بیشتر دارند جای تعجب نیست که آنان احساس سخاوتمندی بیشتر می کنند.

۴۱ در ولایت ننگرهار، دستمزد ها اساساً بر اساس رویه پاکستانی که بعداً به دالر امریکایی بر اساس نرخ ارز همان وقت تبدیل می شدند، مورد استفاده بوده است. رویه پاکستان بطور دوامدار ارزش خود را در برابر دالر امریکایی از دست داده است، که در ماه نوامبر ۲۰۱۳ میلادی این رقم به ۱۰۸ رویه معادل یک دالر بوده است. پس از آن، رویه قسماً توانسته ارزش خود را کسب نماید.

<http://www.oanda.com/currency/historical-rates>

ولایت بلخ در بهار سال ۲۰۱۳ میلادی، دستمزد روزانه برای کشت و کار مواد مخدر بنابر مشکلات بیشتر برای کشت و کار و افزایش مفاد این محصول، (۴۰۰ تا ۵۰۰ افغانی همراه با غذا) نسبت به دستمزد برای کار زراعتی (یعنی ۳۰۰ افغانی بدون غذا) بیشتر بوده است.

در ولایت **بدخشان** حتی آنانیکه به گونه مستقیم در کوکنار دست نداشته اند راجع به اثرات منفی و توری سال های که در آن کشت کوکنار کمتر بوده نسبت به سال های زیاد تر کوکنار کشت شده بوده گزارش داده اند. بر اساس گفته های یک عضو شورای محلی "پنج سال قبل تجارت مواد مخدر بود. کوکنار کشت و تجارت میشد. حتی اطفال هم در این کار مصروف بودند. هر کس خود کفا بود. مردم مشغول بودند. اما چون دولت و جامعه بین المللی مخالف آن بودند ما به آنان وعده دادیم اما در عوض چیزی به دست نیاوردیم." ^{۴۲} به همین سان، بر اساس گفته های یک دهقان در ولسوالی جرم، "در حال حاضر، کار من به درستی خوب پیش نمی رود. در گذشته، در زمان کوکنار، من پنج تا شش مواشی را ذبح می کردم. چونکه همه گوشت می خوردند. حتی آنان برای کارگران خود گوشت می دادند. کارگران دیگر برای خرید گوشت نمی آیند چونکه پول ندارند. کوکنار مانند یک کارخانه برای فقرا و همه مردم بود." ^{۴۳}

تأثیرات خارج از ساحات نزدیک توسط کارگران روزمزد در فیض آباد در سال ۲۰۱۲ میلادی، گزارش شده است. آنان از ناحیه یک زمستان طولانی و شدید و کاهش مواد مخدر، رنج برده اند. یکی از کارگرها چنین اظهار کرده که: "وضع اقتصادی مردم بدتر است. ساختمان ها نیمه کاره باقی مانده است. مردم سرمایه ندارند که ساختمان ها را تکمیل کنند. در گذشته زمانیکه آنان کوکنار کشت کردند، مردم در فیض آباد می آمدند و زمین خریداری میکردند و مارکیت و اپارتمان می ساختند. اکنون تریاک منع شده است و مردم پول ندارند. این کار نا تمام مانده است." ^{۴۴}

مدیر یکی از رستوران ها در ولسوالی جرم چنین اظهار کرده است:

پس از برداشت محصولات گندم و کوکنار فروشات ام تا مدت هشت تا نه ماه بسیار خوب است و هر شب مهمانی دارم. در آن روز ها، فروشات ۱۰،۰۰۰ تا ۱۵،۰۰۰ افغانی بلند می رود. در آن زمان، کسانی که از مناطق دور دست برای فروش محصولات خود می آمدند عموماً شب را اینجا می ماندند. من بیشتر کار و بار می کنم و درآمد بهتر کسب پیدا می کنم. من امید دارم که کوکنار در این سال خوب خواهد باشد و پس از برداشت محصولات مردم برای خرید به بازار خواهند بیایند. در کنار مردمی که برای خرید می آیند، جوانان نیز در بازار جمع می شوند و خود نمایی می کنند. آنان از فروش تریاک پول به دست می آورند و جلوه نمایی می کنند." ^{۴۵}

شواهد به دست آمده از ولایت **هلمند** هم اثرات چند برابر مثبت و منفی را در زمان گسترش و یا سرکوب کشت کوکنار نشان میدهد. از دیدگاه مثبت، کارهای ساحوی که در فصل کشت و کار ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی انجام یافت، نشان میدهد که بیانگر گسترش زراعت و کشت شدید کوکنار در ساحات دشت در شمال کاتال بغرا تأثیر چند برابر روی ساحات دیگر داشته است. ^{۴۶} کشت گسترده کوکنار در دشت فرصت های شغلی را حتی برای کسانی که در اطراف کانال زنده گی می کردند فراهم ساخته بود. طوریکه مردم این منطقه در زمان حاصل برداری کوکنار برای کار در دشت می رفتند؛ در زمان فصل حاصل برداری، به خاطر افزایش تقاضا برای کار کارگر دستمزد روزانه در ساحات شهری لشکرگاه و گرشک دوبرابر افزایش میافتد. دوکانداران گفته اند که صنعت حفر چاه درآمد جدید را در آن ساحه برای مردم ایجاد کرده است و بازار اضافی دیگر برای بهبود و افزایش مولدیت زراعت مانند علف کش ها، جنراتور و برق آفتابی ایجاد کرده که اینها همه به خاطر گسترش کشت کوکنار در ساحه دشت بوده است. تکنولوژی جدید با خود مهارت ها و دانش فنی جدید را همراه داشته است. طوریکه با پخش تکنولوژی زراعتی از طریق برنامه های ترویج در همین ساحات در سال های قبل از جنگ داشته است.

تعداد روزهای بازار نیز افزایش یافت و معامله گران در لشکرگاه و گرشک از بلند رفتن سطح تقاضا بنابر افزایش نفوس شهری و نیز بلند رفتن تجارت در دشت گفته اند. با وجودیکه بعضی از این دست آورد ها اساساً به علت افزایش نفوس می باشد، اما تقاضا برای گوشت و دیگر امتعه های گران قیمت نشان دهنده افزایش درآمد مردم می باشد؛ از این هم مهمتر، طوریکه در بالا ذکر شد، این تقاضا ها نشان میدهد که خانواده های که جدیداً در ساحه دشت مستقر شده اند بدون درآمد از کشت کوکنار نمی توانستند در آنجا زنده گی کنند. این ادعا ها توسط اظهارات دوکانداران نیز تأیید شده طوریکه گفته اند که مشتریان اصلی برای گوشت و سبزیجات کشاورزانی بودند که کوکنار کشت می کرده اند. کارگران در ولایت **هلمند** نیز گفته اند که در سال ۲۰۱۲ میلادی نظر به سال قبل فرصت های کاری بیشتر بوده است که باعث جلب توجه کارگران از ولایات قندوز، کمر و دیگر نقاط افغانستان شده است.

و در جهت منفی پس از کاهش چشمگیر محصولات کوکنار در دشت در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی خانواده ها در مورد پایین آمدن کمیت و کیفیت مواد غذایی شان، فشار زیاد در مورد فروش مواشی خود و این نیاز که باید قرضه بگیرند، حکایت کرده اند. ^{۴۷} با تلاش خانواده ها برای جبران مصارف تولید، گزارش شده است که اقلام سرمایه وی مانند موترسایکل، موتر و یا لاری کمتر شده است که این به نوبه خود نشان میدهد کسانی که در فروش این کالاها فعالیت می میکنند (به شمول کارگران) و خدمات مربوط به جانبی در قسمت این کالا ها، درآمد آنان نیز کاهش می یابد. برعلاوه، طوریکه رونق و گسترش کوکنار در دشت برای آنانی که در محول کانال زنده گی می کردند را مساعد ساخته است،

۴۲ مصاحبه با عضو شورای محلی، ولسوالی جرم ۲۰۱۱، نقل قول شده در "ضربت به عقب مواد مخدر". از آدم پین.

۴۳ مصاحبه با یک قصاب، ولسوالی جرم، ماه می ۲۰۱۲ میلادی. نقل قول شده در "اندکی عاری از کوکنار". از پاول فیشتین.

۴۴ مصاحبه با یک نفر کارگر، فیض آباد، می ۲۰۱۲ میلادی، نقل قول شده در "اندکی عاری از کوکنار". از پاول فیشتین.

۴۵ مصاحبه با مدیر یک رستوران/هوتل، ولسوالی جرم، می ۲۰۱۳ میلادی، نقل قول شده در، "زمینه های گسترش کشت کوکنار". از پاول فیشتین.

۴۶ منسفیلد، "تمام شرط بندی ها منع اند".

۴۷ منسفیلد، "از بد، بدتر ش کردند".

کاهش در محصولات کوکنار در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی اقتصاد خانواده ها را در آن مناطق آسیب رسانده است. این برگشت یا به خاطر از دست دادن عوایدی که در گذشته از افزایش کشت کوکنار در دشت به دست آمده است و یا به خاطر کاهش تقاضا برای کارگر و بنا کاهش دستمزد ها (تقریبا به اندازه یک سوم حصه) به مقایسه عین زمان در سال قبل، بوده است.

با یک حساب ساده و بسیط، اگر هر هکتار کوکنار بتواند ۲۰۰ روز کار تنها برای برداشت محصولات ایجاد کند، و در صورتیکه ۸۰ درصد از ۴۰،۰۰۰ هکتار زمین در دشت کوکنار کشت شده باشد، این باعث ایجاد ۶،۴ میلیون روز کار خواهد شد. بدون جایگزینکه بتواند این منبع تقاضا برای کار را جبران کند، حتی کاهش نسبتا کم در این ارقام می تواند کسانی را که برای امرار معیشت به کار متکی استند بطور شدید متاثر سازد. کاهش در درآمدهای خاطر محصولات ناچیز و ادامه ممنوعیت در جنوب کانال توانسته از طریق کاهش تقاضا برای کالا های مصرفی مانند موترسایکل و وسایط، اقتصاد کلی منطقه را تحت تاثیر قرار دهد. این وضعیت برای برخی از (دهقانان) طوری وخیم بوده که آنان در هنگام شب فرار کرده تا از پرداخت دستمزد کارگرانی که برای آنان کار کرده اند و به خاطر بدهکاری آنان از دوکانداران که برای خرید، وسایل زراعتی از آنان قرض دار بوده اند خود را نجات دهند. فروشنده گان دیزل نیز به خاطر عدم دریافت صورت حساب های شان از مشتریان خود، ضرر کرده اند. که در نتیجه، در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی، بسیاری از این فروشنده گان تنها در برابر پول نقد خرید و فروش می کردند.

در ماحول و محدوده ای کانال دره شکستاندن کشت کوکنار در فصل ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی، بنا بر سه عامل ذیل نتوانست اقتصاد کلی را به تزلزل در آورد. اول، سرکوب کشت کوکنار عمومی نبود و تنها بعضی از گروه های خاص را در بر می گرفت. دوم، محدودیت بالای کشت کوکنار تنها در جریان یک مدت زمان تطبیق می شد، نه اینکه بطور فوری در یک زمان خاص انجام می یافت. و سوم، همانند ساحات **ننگرهار**، جامعه بین المللی مقادیر زیاد پول را از طریق مصارف شان در منطقه تزریق کردند به شمول کمک های توسعه ای و پرداخت ها برای پولیس محلی افغانستان.

۴. ۲. ۳. اوضاع سیاسی و حکومتداری

بطور گسترده مشاهده شده است که کوکنار در ساحاتی که دولت دسترسی محدودتر دارد عموما این ساحات در منازعه بوده و بنا نا امن می باشند، یا نماینده گان دولت در آن مناطق ضعیف اند و یا علاقه ای برای جلوگیری از کشت کوکنار ندارند، کشت می شود. اوضاع سیاسی حتی در داخل یک ولایت نیز بسیار زیاد متفاوت است. که قسما ارتباط می گیرد به قدرت و کیفیت ارتباط با مرکز یعنی کابل. در ولایت های **بلخ**، **ننگرهار** و **هلمند** تنها در ساحاتی که بسیار نا امن بوده، کشت کوکنار گسترده تر بوده است و حتی پس از اجرای اولین ممنوعیت کشت کوکنار دوباره این کشت در آن ساحات از سر گرفته شده است. در حالیکه والی عطا بطور وسیع توانسته این ممنوعیت را در ولایت **بلخ** حفظ کند، اما والیان ولایات **هلمند** و **ننگرهار** این کار اقدام را کرده نتوانسته اند. حفظ و یا فرسایش برنامه ممنوعیت کشت در ولایات در بخش ۴،۴ به تفصیل بحث شده است. در این میان، ولایت **بدخشان** در کتگوری "بدون انگیزه" برای محو کشت کوکنار شامل می شود. نسبتا با تهدید ها کمی از ناحیه شورشی ها، تهدید اساسی برای امنیت محل زمانی به وجود آمده که دولت مرکزی و یا مسولان ولایتی تلاش کرده اند که کشت کوکنار را محدود بسازند و یا کشتزار های مردم را تخریب کنند.

هلمند یک نمونه از مثال تاسف آوری است که در آن اوضاع سیاسی و حکومتداری این ماحول و فضا را هم برای نا امنی و هم برای کشت کوکنار مساعد ساخته است. جغرافیای قبیلوی و سیاسی این ولایت پیچیده است، که قسما ارتباط می گیرد به پالیسی های دولت در حل و فصل مشکلات ارضی در این منطقه در سال های ۱۹۵۰ میلادی، که هدف آنان تضعیف بعضی از اقوام بومی این مناطق و جابجا کردن اقوام دیگر بوده است. جابجای ها و حرکت ها در زمان جهاد و پس از آن تنها به این چند پارچه گی های قومی در این منطقه افزوده است. آن گروه های که خود را در سال های پس از ۲۰۰۱ میلادی در موقعیت بهتری یافتند از منابع مالی دولت و دیگر اهرم های اداری، و نیرو های نظامی بین المللی و منابع امدادی از طریق قرار داد با تیم های بازسازی ولایتی به نفع و موقف خود شان بهره جستند: حل و فصل حساب ها، تحکیم موقعیت و موقف خود، و به حاشیه زدن رقیبان شان از جمله این مزیت ها بوده اند.^{۴۸} طبعاً اینکار زمینه تولید مواد مخدر و شبکه های قاچاق را فراهم کرد که می توانست در زیر برابر چشم پولیس، نیرو های نظامی بین المللی و دیگر مسولان فعالیت کنند.

مانند دیگر مناطق افغانستان، زمین نیز یک منبع اصلی درآمد و حمایت در هلمند بوده است. جهادی ها و دیگر قدرتمندان با غضب زمین در شهر ها و مناطق روستایی، که شامل دشت هلمند نیز می شود، تقریبا هر قانون، طرز العمل و عنعناتی را به تمسخر گرفته اند.^{۴۹} این احساس از بی عدالتی، مصئونیت از مجازات و معافیت برای گروه های عمده، و در بعضی موارد تهدید های جانی و تحقیر، زمینه را برای دخول طالبان در این زمینه مساعد ساخته و آنان توانسته اند محیطی را مساعد برای کشت کوکنار در ساحاتی که تحت نفوذ شان بوده مساعد سازند. در ولایت هلمند و دیگر ساحات، اینکار یا نقش را که نیرو های پولیس محلی افغانستان ایفا کرده اند، طوریکه در چوکات ۴ توضیح شده است، تقویت یافته است.

۴۸ "غالب آمدن به دل ها تسخیر دل ها؟ ارزیابی ارتباط بین امداد و امنیت در ولایت هلمند افغانستان" استارت گوردان (مدفورد، ماساچوست: مرکز بین المللی فینشترین در پوهنتون تفتس، ۲۰۰۱).

۴۹ پس از فرمان چند بعدی رئیس جمهور کرزی در جولای ۲۰۱۲ میلادی برای رسیده گی به فساد و ناکارایی دولت، یک کمیسیون پارلمان گزارش داد که بیشتر از ۵۰،۰۰۰ هکتار زمین به ارزش ۷ میلیارد دالر امریکایی بطور غیر قانونی از آغاز سال ۲۰۰۱ میلادی اساسا در ولایات کابل، بلخ، هلمند و هرات غضب شده اند. به این گزارش رادیو آزادی مراجعه فرمایید: "در مورد غضب زمین، افغان ها می گویند که نام ها را افشا سازید، اما نام های درست را." ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۳ میلادی. <http://www.rferl.org/content/afghan-land-grabs/25146040.html>

چوکات ۴: پولیس محلی افغانستان و مبارزه علیه مواد مخدر

در بسیاری از مناطق، پولیس محلی افغانستان عامل مهم برای تغییر اوضاع سیاسی بوده است به شمول تاثیرگذاری در ممنوعیت کشت کوکنار. در هر جایکه از پولیس محلی افغانستان به مقصد وظایف مربوط به مبارزه علیه مواد مخدر استفاده شده است این نیرو با نظر به عوامل مختلف از قبیل ترکیب آن از افراد و گروه های ناهمآهنگ و رقیب (که بعضی ها دشمنی های جدی تاریخی دارند) نقش مبهم و گنگ داشته است.

در سال های اول ممنوعیت کشت کوکنار در ولایت **هلمند**، پولیس محلی افغانستان هم در کشت کوکنار و هم در سرکوب آن سهیم بوده است. طوری آنان معرفی شده اند که کشاورزان را می توانند، و در بعضی موارد از مردم "تکس/مالیات" طالبان رامی ستانند تقاضا می نمایند و یا این که دارایی های مردم را غارت می کنند. در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی، این اتهامات نیز وجود داشته که پولیس محلی افغانستان از کارگرانی که از دیگر مناطق افغانستان برای کار در کشتزار های کوکنار در آن ولایت می آمدند و "دستگیر" میشدند، پول تقاضا می کردند.

در یکی از ساحات شمال کانال بغرا آنان یک تعداد زیاد از جنراتور را در جریان کارزار تیل بغاتی تخریب کشتزار ها ضبط و توقیف کرده بودند که بعدا آن ها را برای مردم محل به فروش رسانده بودند. در ولسوالی چمتال ولایت بلخ، گزارش های وجود داشت که بعضی از آنها با کشت کوکنار ارتباط داشتند و یا حد اقل از کشت کوکنار در آن مناطق سود به دست می آوردند. با اینکه گفته شده بود که اینها از افراد والی عطا بوده اند و بنا حسابه به ساختار های قدرت در ولایت آنان نیز به این طور دیده میشدند که "یک چشم به دولت و یک چشم به مردم" داشته اند.

در ولایات **هلمند** و **بلخ**، همانند دیگر مناطق در افغانستان، قوماندان های پولیس محلی افغانستان از قدرت خود برای منافع شخصی شان سئو استفاده کرده اند که این شامل استفاده از اقدامات تنبیهی برای رقیبان شان نیز می باشد. ارتباط نزدیک پولیس محلی افغانستان با مردم این واقعیت را تقویت می کند که با وجود یونیفورم و وضع رسمی شان، بلاخره آنان در خدمت مردمان قدرتمند اند نه اینکه در خدمت دولت باشند. این قسما به خاطر روابط تاریخی است اما این را نیز نشان میدهد که در دولتی با نهاد های ضعیف و اتکاء به روابط شخصی، مردم محل همیشه به افراد و رهبران قدرتمند متکی استند و برای عرضه خدمات و یا آوردن دیگر امتیازات برای مناطق شان. با اینکه در بعضی موارد و اوقات اجندای آنان با دولت و نیروی نظامی بین المللی هم ردیف بوده است، این همدریف بودن، متداوم نبوده است.^۳ نتیجه این مشارکت پولیس محلی افغانستان در امر مبارزه علیه مواد مخدر قابل پیش بینی نبوده است و حتی در مواردی هم آتش افزا بوده است خصوصا در مواردی که اعضای پولیس محلی افغانستان از همان منطقه که کشتزار ها مثلا تخریب میشده نبوده اند. مخصوصا در ولایت هلمند در جائیکه عموما ناقلین زنده گی می کردند.^۴ نه تنها از آنان به خاطر اینکه از آن منطقه نبوده اند بلکه به خاطر اینکه از موقعیت پایین اجتماعی بوده اند، منتفر بودند.

با اینکه در بسیاری از موارد، تخریب کشتزار های کوکنار (یا عموما در امر مبارزه علیه مواد مخدر) به عنوان یک ابزار برای کسب منفعت های شخصی مورد استفاده قرار می گیرد، در بعضی موارد کشت کوکنار نیز به عنوان یک ابزار برای حفظ روابط جهت حمایت و کمک، برای پولیس محلی افغانستان تبدیل شده است. به عنوان نمونه در ولایت **هلمند**، تعدادی از فرماندهان پولیس محلی افغانستان، نقش فعال و تهاجمی را برای ممنوعیت کشت کوکنار در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی ایفا کردند تا اینکه از یک طرف ضد طالبانی بودن خود را نشان دهند و از طرف دیگر تا به نفع آسانی که در مقامات بالا بوده اند کاری کرده باشند، تا در نتیجه آنان بتوانند درآمد، روابط و موقف خود را از ناحیه شمولیت شان در پولیس محلی افغانستان حفظ کرده باشند. اگر چه این نوع رویکرد فعال (به اثر نظارت بهتر) به مقایسه سال های قبل توانست وضعیت را بهبود بخشد، اما جنبه منفی این رویکرد برای این بود که اعضای پولیس محلی افغانستان کمتر آماده گرفتن رشوت بودند، ولی در موارد دیگر گفته شده که قوماندان های پولیس محلی افغانستان خود کوکنار کشت کرده اند و یا حد اقل مردم را از طریق تامین "حمایت" از آنان و یا شکار نمودن، آنان را در کشت کوکنار تشویق و ترغیب کرده بودند. در حقیقت، با این تعداد دست اندر کاران ناهمآهنگ که به مهارت کارآفرینی دسترسی داشته و در هلمند فعالیت می کردند، حتی قوماندان های پولیس محلی افغانستان نمی توانستند که تضمین کنند که نیرو های ولایتی و دیگر نیرو های قویتر محصولات را تخریب نخواهند کرد. این نا مشخص بودن بیشتر از پیش فضای پر از هرج و مرج را چند پارچه ساخت. که با تقاضا های پایان ناپذیر و بالقوه برای پرداخت به مسولین، حتی به اقدامات بسیار شدید دست زدن که خود محصولات شان را تخریب نموده اند.^۵

۳ وفاداری ها و رفتار های سوال بر انگیز از زمان استفاده از نیرو های غیر منظم که در حدود سال ۲۰۰۸ میلادی، تقویت یافت، یک نگرانی بوده است. رسما دولت افغانستان تشکیل پولیس محلی افغانستان را در سال ۲۰۱۰ میلادی تصویب کرد. گزارش های که در این سال ها نشر شده اند آن نگرانی ها را تصدیق می می کند. به این گزارش مراجعه کنید: "لنجا آترا ملیشه نکوتید: معافیت، ملیشه ها و پولیس محلی افغانستان"، دیده بان حقوق بشر، سپتمبر ۲۰۱۱ میلادی. و یا این گزارش را ملاحظه نمایید: "افغانستان: چالش ملیشه های "خوب" و ملیشه های "بد" از پیترسن اسکات، ۱۱ جنوری ۲۰۱۳ میلادی.

<http://www.csmonitor.com/World/Asia-South-Central/2013/0111/Afghanistan-The-challenge-of-good-vs-bad-militias>

چند پارچه شدن پولیس محلی افغانستان/ یا ملیشه ها و دیگر نیرو های غیر منظم یکی از کابوس ها است که افغان ها از دهه ۱۹۹۰ میلادی به یاد می آورند.

۴ این اصطلاح تا حدودی موهن برای (معرف) مهاجران از کلمه دری (عربی) برای مشتق "انتقال" کسانی که توسط دولت در ۱۹۶۰ منتقل شده بود و ۷۰٪ وضعیت همان کسانی که برای نسل بر روی زمین هلمند زندگی می کردند ندارد (وهیج ارتباطی با نسلی که در زمین هلمند پرورش یافته بودند ندارد).

۵ "توضیح نامه ۶ هلمند مرکزی در فصل کشت سال ۲۰۱۲/۲۰۱۳ میلادی" مارچ ۲۰۱۳ میلادی از دیوید منسفیلد.

در ولایت **بلخ**، عموما ساحاتی که اکثرا پشتون نشین بوده کوکنار کشت گردیده است. این مناطق در سمت غرب شهر مزار شریف بوده که از نظر تاریخی پشتون ها در این مناطق به مارکیت تریاک از طریق معامله گران و تاجر های که از سمت جنوب برای تجارت می آمدند، دسترسی داشته اند. از سال ۲۰۰۱ میلادی به این طرف، در این مناطق یک نوع احساس ناخوشنودی بر اساس قومی در این مناطق وجود داشته است بر اساس تصور تبعیض از طرف اداره ولایت. با اینکه والی عطا پشتون ها را نیز در حکومت جای داده است (فرمانده امنیه ولایت، رییس های ادارات، ولسوال ها و قوماندان های امنیه ولسوالی ها^۶) و با دختر یک تن از افراد سرشناس پشتون ازدواج کرده است. در برخی از مناطق پشتون نشین این احساس زنده گی در یک جزیره وجود داشته است که زمینه بعضی از ناآرامی را نیز مساعد ساخته است. ریشه های این دینامیسم بر می گردد به سال های ۱۸۰۰ میلادی هنگامیکه پشتون ها به زور در مناطق شمال کشور جایگزین شدند و زمین های زراعتی قوی تر و با آب بهتر به آنان اختصاص داده شده بود^۷ در این اواخر نیز یعنی در زمان مجاهدین و طالبان و پس از آن نیز چنین شده است. تغییرات در کنترل مزار شریف غالبا با جنایاتی که در لایه های قومی عموما صورت گرفته، انجام یافته است. در چاربولک و چمتال این حس نارضایتی توسط پاسخ دهنده گان به این تحقیق گفته شده و سرکوب و تخریب کشت کوکنار را در آن مناطق به تبعیض علیه خود نسبت می دادند.

۵۰ با وجودیکه از نظر فنی این تعیینات از کابل صورت می گیرد اما والی ها در پیشهاد و یا تایید این پست ها غالبا نقش مهم دارند. مخصوصا در خصوص والیان پر قدرت. بعضی از این تعیینات بر اساس روابط با جهادی های پشتون ها می باشد که پس از سقوط طالبان والی اعطا از آنان حمایت کرد. به این مراجعه نمایید: "جنگ سالاران، والیان پرتقدرت"، از مخوپا دایی.

۵۱ تاماس بارفیلد "یک تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان" (مطبعه پوهنتون پرینستون، ۲۰۱۰ میلادی).

در خارج از این مناطق، تصمیم‌گیری عطا برای تطبیق ممنوعیت کشت کوکنار عموماً به علاقه‌اش برای تبدیل شدن به یک چهره سیاسی ملی، نسبت داده می‌شود. با اینکه ممکن است او این کار را به خاطر جلوگیری از جریان و رسیدن منابع مالی تریاک به رقبایان محلی سیاسی خود انجام دهد.^{۵۲} طوریکه در **هلمند**، حفظ این ممنوعیت در آنجا متکی به پولیس محلی افغانستان بوده است. با اینکه هیچ‌کسی در باره کیفیت حکومتداری در ولایت **بلخ**، یا در مورد اینکه تا چه حد مسولان شخصاً از اداره این ولایت پس از سال ۲۰۰۴ میلادی منفعت کسب کرده‌اند، هیچ توهمی ندارند، عطا از همه والیان دیگر، مشهورتر باقی مانده است. این واقعیت که مزار شریف رشد کرده و نسبتاً امن و آرام بوده است، عموماً به تلاش‌های عطا نسبت داده می‌شود.

با تاسف ولایت ننگرهار نمونه‌ای دیگری است که در آن اقتصاد تریاک و محیط سیاسی روی هم اثرات متقابل دارند. ۵۳ ممنوعیت کشت کوکنار از ابتدای سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی شروع شد. برای این کار از طریق چانه‌زنی و معامله‌های که والی شیرزی با گروهی از نخبه‌گان یا بزرگان روستایی انجام داد شروع شد. آنان توافق کرده بودند تا کشت کوکنار در مناطق آنان ممنوع گردد. مسولیت تطبیق این کار به عهده ولسوالی و قوماندان‌های امنیه از طریق اتکاء آنان به شبکه‌های قبیل‌های، واگذار شده بود. بنابر این یک تعداد عوامل شکست این روند با ممنوعیت کشت کوکنار در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ میلادی آغاز گردید. فشارهای روز افزون اقتصادی، و ناخوشنودی که از اثر تخریب و سرکوب کشت کوکنار طی سه سال متوالی، و ضعیف شدن سیاسی تطبیق‌کننده اصلی این روند، والی شیرزی از جمله این عوامل می‌باشند. همه این عوامل زمینه را برای رقبای سیاسی والی شیرزی که پس از تعیین او من‌حیث والی در سال ۲۰۰۴ میلادی، در حاشیه زده شده بودند، فراهم ساخت.^{۵۴}

گسستگی در وضع امنیتی که در جریان سال ۲۰۱۳ میلادی نیز ادامه یافت، قسماً ناشی از تشدید انفاذ ممنوعیت کشت کوکنار بوده و قسماً نیز به خاطر وضع سیاسی بوده که والی خود در آن تعداد زیادی دشمن و رقیب را از طریق مسایلی که به نظر می‌رسد ارتباطی به منازعات زمین ارتباط نداشت، به وجود آورده بود، (چوکات ۵ را ملاحظه نمایید) و با ارتباط آن با نیروهای نظامی بین‌المللی که به خاطر استفاده از عملکردها و قتل افراد ملکی شهرت خوب نداشت، ایجاد کرد.^{۵۵}

۵۲ در مورد این نکته اخیر به این گزارش از منسفیلد رجوع نمایید: "دوستان ما در شمال".

۵۳ "مدیرت خطرات فعلی و تکراری." از دیوید منسفیلد و دیگران.

۵۴ رقبای سیاسی شامل فامیل ارسلا می‌باشند که به خوبی ارتباط دارند. در ضمن رقابت معمول برای قدرت و منابع مالی، این شایعات نیز وجود داشت که حاکی از دلایل خاص این رقابت و تنش‌ها بوده است یکی تقسیم "پرداخت‌های غیر رسمی" که در مرز تورخم جمع‌آوری می‌شود و دیگری هم انحصاری ساختن قرارداد‌های ساختمانی بوده است.

۵۵ شهرت با راندن وسایط نقلیه در ساحات روستایی آنهم با موسیقی بسیار بلند (Gangsta's Paradise)، که از نظر فرهنگی مورد پسند مردم نبوده است، بهبود یافته نمی‌توانست.

چوکات ۵: منازعات ارضی در ننگرهار^۶

آچین یک مثال جدی از مغلق بودن و پیچیده گی جامعه روستایی و پیوند اقتصاد تریاک با حکومتداری و سیاست ارایه میدارد. در فروری سال ۲۰۱۰ میلادی، یک منازعه روی زمین بین قبیله های فرعی شینواری در آچین اتفاق افتاد؛ میان قبیله های سیپی و علی شیر خیل. تنها یک ماه پیش تر از آن هر دو قبیله با امضاء "توافقنامه شینواری" که به همکاری والی شیرزی و نیرو های امریکا به دست آمد طرفین توافق کردند که در بدل کمک های توسعه ای در خصوص مبارزه علیه مواد مخدر و شورش گری همکاری کنند (این توافقنامه در آن زمان به عنوان یک "پیروزی" تعریف گردید با اینکه توسط رییس جمهور کرزی مورد نکوهش قرار گرفته بود). در عرض چند هفته، قبیله سیپی بعضی از زمین های دشت را نزدیک به قریه های علی شیرخیل تصرف کرده بودند. با اینکه انگیزه این کار واضح نبود، اتهاماتی وجود داشت که والی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در این کار مسول بوده است اینکار از طریق ایجاد نیرو های اربکی^۷ که قوم سیپی را اکنون نظر به این مزیت خاص در اختیار داشتند قدرتمند تر کرده بود.

با اینکه ظاهراً منازعه بالای یک تکه ای از بیابان بیش نبود، این منازعه به سرعت گسترش یافت و پای اعضای پارلمان، دیگر اقوام ننگرهار، یکی از مشاوران ارشد رییس جمهور و والی شیرزی را نیز به خود وارد کرد. ایجاد و مسلح ساختن نیروی پولیس محلی که بیشتر از قوم سیپی نمایندگی می کرد این وضعیت را بیشتر وخیم ساخت. درگیری های خشونت آمیز، حملات و "گرفتاری ها" توزیع سلاح در بین مردم، تاسیس محلات بازرسی، همه و همه تأثیرات منفی اقتصادی به جا گذاشت و دوکان ها از ترس آسیب دیدن از منازعه بسته شده بودند. حتی لیسه ای در منطقه کاهی تقسیم شده بود، طوریکه فرزندان یکی از این قبایل در تعمیر اصلی آن مکتب می رفتند و در حالیکه فرزندان قبیله دیگر در بخش دیگری از ولسوالی به مکتب می رفتند.

طوریکه غالباً این قسم بوده است، پای نیرو های بین المللی نیز در این منازعه کشانده شد یا اینکه ممکن این نیرو ها اصلاً از همان ابتدا در عقب اینکار بوده باشند با توجه به اینکه امریکا یکی از این دو طرف را در برابر یک حمله قبلی مسلح ساخته بود. و پس از حادثه ماه اکتوبر ۲۰۱۱ میلادی این ناخوشنودی بیشتر گردید زمانیکه دولت افغانستان از قوای ایساف خواست تا با کمک هوایی به آنان کمک کند و با حملات هلیکوپتر های آنان سبب شد تا ۱۸ نفر از قوم سیپی کشته شده و ۶۰ تن دیگر زخمی شوند.

تلاش های که برای حل و فصل منازعات بین دو قوم شده به شمول تدویر جرگه که در آن ۳۰۰ نفر از بزرگان تمام ننگرهار اشتراک کرده بودند نتیجه بخش نبوده است و هیچ یک از راه حل های پیشنهاد شده را هیچ یک از دو طرف قبول نکرده اند. یکی از راه حل ها توسط هر دو جناح رد گردید؛ یکی از طرفین به خاطری که آنان را در برابر حملات طرف دیگر آسیب پذیر می ساخت و اما این جناح دیگر به خاطر نپذیرفتن جناح اولی از حل معضله و هم به خاطر اینکه فکر می کردند که مسولان ولایت توافقات گذشته را عملی نساخته بودند، به این راه حل توافق نکرده اند. مسولان ولایتی و مرکزی به خاطر ناکام ماندن در حل معضله و اینکه آنان قصد این منازعه را تحریک می کردند، توسط آن مردم مقصر دانسته می شدند. و متناقض به این، دولت را هم متهم می کردند که در این قضیه بیش از حد شامل است و هم به خاطر اینکه به اندازه کافی در این موضوع دخیل نبوده است، در هر دو حالت دولت را مقصر می دانستند. در این روند، نخبه گان و بزرگان روستایی که به طرفداری از والی اقدام می کردند و در تطبیق پالیسی ممنوعیت کشت کوکنار برایش کمک کرده بودند، دیگر اعتبار خود را از دست داده بودند. و با گذشت زمان، تمام جناح ها به شمول دولت امریکا و والی شیرزی خود را از آن توافقنامه و این تقصیم که سلاح توزیع نمایند دور ساختند. در چنین وضعی، گسترش کشت کوکنار در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی به عنوان نافرمانی بزرگان و مردم تلقی شده که در برابر عملکرد والی برای حل و فصل منازعات زمین مردم، اتخاذ شده است.

بحران کنونی و احساس انزجاری را که به اثر آن به میان آورده بود، پیامدی های را روی قدرت اجباری دولت در آن ساحه ببار آورده که در عین زمان اثرات جمعی ممنوعیت کشت کوکنار احساس می گردید. لازم به ذکر نیست که اختلاف رو به رشد میان دولت و آن مردم زمینه ورود عوامل ضد دولت را مساعد ساخت تا در منطقه حضور پیدا کنند و راضی بودند تا کشت کوکنار را "تحمیل نمایند".

۶ منسفیلد. "تمام شرط بندی ها منع اند!".

۷ نیرو های امنیتی قبیله وی که خاص مناطق لوی پکتیا می باشد اما اکنون بطور عموم برای تقریباً هر نوع نیرو های امنیتی غیر منظم محلی خطاب می گردد.

با وجودیکه والی شیرزی بخاطر تطبیق قاطعانه ممنوعیت کشت کوکنار مورد ستایش جامعه جهانی قرار گرفت^{۵۶}، اما ارتباط نزدیک اش با نیرو های نظامی امریکا، اجندا و برنامه سرکوب کشت کوکنار را به عنوان یک برنامه خارجی ها نشان داده، و همین از اعتبارش کاسته است. به ناچار خیر های سر چوک آغاز شد و حکایت های در مورد پرداخت پول یا انحراف پول های که برای کشاورزان اختصاص داده شده بود، دست به دست می شد. مانند **هلمند**، اینکار عطر و طعم قومی و قبیله ای را به خود گرفت چراکه یک یا تعدادی از دسته های رقیب در منازعات روی زمین، توسط نیرو های نظامی امریکا به خاطر مبارزه علیه شورشگری در ولایت **ننگرهار** مسلح شده بودند. این وضعیت یعنی رقابت گروهی در سال ۲۰۱۳ میلادی شدت یافت زمانیکه نیرو های نظامی امریکا آهسته آهسته از مناطق بیرون می شدند و دست اندر کاران محلی، ولایتی و منطقوی برای کنترل مناطق، منابع و نفوس به رقابت آغاز کردند.

توافقات و یا عدم آن توافقات بالای ناپودی کشت کوکنار با در نظر داشت شرایط رقابت گر برای قدرت و کنترل در آن ولایت، صورت می گرفت. در افغانستان، چونکه قدرت همیشه به رقابت مواجه می شود، ائتلاف های سیاسی ذاتاً بی ثبات می باشند. ناخوشنودی با ممنوعیت کشت کوکنار در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی این زمینه را برای نخبه گان سنتی سیاسی مساعد ساخت که خود را این بار محکمتر مطرح سازند (حتی از طریق توسل به حرکت های زیاد تحریک آمیز مانند بستن جاده جلال آباد - کابل) و آنان این قدرت خود را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ میلادی و انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ میلادی این بیشتر تقویت کردند. والی شیرزی و دیگر نخبه های ولایتی که مسول اجرای برنامه ممنوعیت کشت کوکنار بودند و به این دلیل به عنوان نماینده مردم تلقی نمی شدند به نظر می رسد که ضعیف شده بودند. اینکار رقیبان او را تشویق کرد که بطور فزاینده ای عمل کنند و بطور فعالانه از طریق نکوهش او در کابل، تلاش برای حذف او از آن ولایت صورت دهند.^{۵۷}

۵۶ این شخصیت والی شیرزی که "او می تواند" سبب شد نامبرده در سال ۲۰۰۸ میلادی به عنوان "شخص مرد سال" از طریق یک نظر سنجی تلفونی که توسط رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی افغانستان که توسط دولت امریکا تمویل می شود انجام شد، انتخاب شود. این توانمندی والی شیرزی برای جذب منابع مالی برای بازسازی ولایت ننگرهار که در آثار عمومی و قابل مشاهده در شهر جلال آباد، دیده می شود. سبب شد که وی لقب "بلدوز" را بگیرد. در سال ۲۰۰۹ میلادی وی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری منتخب آقای اوباما در امریکا نیز اشتراک کرد.

۵۷ حدس و گمان ها طوری بود که رییس جمهور کرزی علاقه ای برای برگشت شیرزی به ولایت قندهار نداشت چنانکه او احتمالاً با خانواده کرزی رقابت می کرد. در عوض او را در یک ولایت نسبتاً ضعیف یعنی ننگرهار نگهداشته است. این اعتقاد که ثبات ولایت ننگرهار نسبت به امپراطوری کرزی کمتر مهم بوده است، کمتر توانسته برای دولت در داخل ولایت حمایت و پشتیبانی کسب نماید.

در همان سال های اول ممنوعیت کشت کوکنار، والی شیرزی توانست آنرا در ساحات روستایی به خوبی تطبیق کند اما بعدا رفت و آمد وی در ساحات روستایی به موانع مواجه شد که نشان میدهد که قدرت اش در آن ولایت تنزیل یافته بود. شرکت یا مداخله در کار های محلی و منازعات مهم روی زمین موقف والی را بیشتر تضعیف ساخت. از همه مهمتر اینکار سبب شد که این منازعات تا سرحد ولایت و حتی سیاست در سطح ملی برسد و روی فضای بی ثبات موجود که شرایط مساعد برای استفاده از فرصت ها و کشت کوکنار بوده، را مساعد سازد. در واقع، گسترش کشت کوکنار را قسما می توان به عنوان عمل خصمانه در برابر اداره ولایت نگاه کرد. باید خاطر نشان ساخت که ولسوالی های دور افتاده هم از نظر تاریخی در برابر دولت مرکزی مقاومت کرده اند و هم در بین خود منازعات قبیله وی داشته اند که این ولایات را برای رهبری با ثبات سیاسی و حضور دولت در آنجا مساعد نمی سازد. جای تعجب نیست که این ولسوالی ها در بین تعداد کمی از مناطقی بودند که در برابر ممنوعیت کشت کوکنار توسط طالبان در سال ۲۰۰۰ میلادی، نیز مقاومت کرده بودند.

با عقب نشینی دولت، کشت کوکنار نیز افزایش یافت. با اینکه بهبود اوضاع امنیتی می تواند میزان دسترسی به مارکیت را برای محصولات قانونی و مشروع افزایش دهد و در نتیجه بعضی مشوق ها را برای کشاورزان برای انتقال از کشت کوکنار تامین کند، با توجه به دینامیک های اقتصادی و سیاسی به شمول کاهش یافتن قدرت نفوذ جامعه بین المللی مشکل است تا دید کدام نوع توافقات ممکن بتواند هر نوع جوانب را در بر گیرد که به طور روشن باعث منصرف ساختن کشت کوکنار شود.

اگر **ننگرهار و هلمند** از جمله ولایاتی باشند که دینامیک های سیاسی داخلی این ولایات از طریق اقدامات و مداخلات جامعه بین المللی در امور حکومتداری در کنار امر مبارزه علیه مواد مخدر تحت تاثیر قرار گرفته باشد، ولایت **بدخشان** از جمله آن ولایاتی باقی می ماند که وسیعا با چنین اقدامات و طرح های بلند پروازانه ای دست نخورده باقی مانده است. بر اساس گفته های بعضی از تحلیلگران، جرمن ها که مسولیت رهبری تیم بازسازی ولایتی فیض آباد را از اوآن تاسیس آن در سال ۲۰۰۴ میلادی تا زمان مسدود شدن آن در سال ۲۰۱۲ میلادی، به عهده داشتند در جای دادن قدرت مندان محلی بیشتر عمل گرا بوده اند (یا مسیری را که کمترین مقاومت را در بر داشت، انتخاب کرده اند) طوریکه نه توجه ای برای کشت کوکنار کرده اند و نه هم ساختار های محلی قدرت را مورد چالش قرار داده اند.^{۵۸} (برای معلومات بیشتر به چوکات ۶، شکل ۳ و بخش ها ۴،۴،۱ برای تفصیلات بیشتر مراجعه نمایید).

۵۸ به این مراجعه نمایید: "ساختار های محلی قدرت در افغانستان و مداخلات نیرو های بین المللی: مروری بر انکشافات در ولایات قندوز و بدخشان" فیلیپ مونج؛ شبکه تحلیلگران افغانستان، نوامبر ۲۰۱۳ میلادی.

چوکات ۶: مدیریت تخریب کشتزارها در بدخشان

پاسخ کشاورزان در برابر کمپاین محو کشت کوکنار در ساحات ولسوالی های جرم و خاش یعنی افزایش به تعداد خانواد های که کوکنار کشت می کردند و افزایش در ساحات تحت کشت، به نظر می رسد که نمایندگی از توقعات انطباقی میکند. حد اقل در این ساحات، ادعا ها برای تخریب اراضی کوکنار بطور شدیدتر در این ولایت (افزایش ۴۰۰ درصدی و ۵۷ درصدی طی دو سال زراعتی گذشته) با پاسخ های کشاورزان مطابقت نکرده است. و کمپاین ها تخریب کشتزار های کوکنار و آگاهی دهی در این زمینه به نظر می رسد که کمترین تاثیر را روی کشت کوکنار داشته است. با آنچه که عملا اتفاق می افتد و با ارقام رسمی که در زمینه وجود دارند، این را به مشکل می توان مطابقت داد.^۸

تخریب اراضی کوکنار به مقدار اندک و یا قدم به قدم ("کمی از هر کس") به عنوان یک مشکل توسط کشاورزان فکر نمی شد. آنان این پروسه را نیم کله یا ناقص معرفی کردند. طوریکه یکی از کشاورزان گفت "محصولات کوکنار خوب بود. از کشتزار های من خیلی تخریب نشد. من توانستم تا یک درآمد خوب به دست آورم. از من خیلی نگرفتند تا مرا ناراحت کرده باشند."^۹ پاسخ دهنده گان به این اشاره کرده اند که برای تیم های تخریب کشتزارها گفته شده بوده تا از ناراحت ساختن کشاورزان و مردم محل خود داری کنند. مخصوصا زمانیکه بعضی از بزرگان شوراها گفتند که خودشان کوکنار کشت کنند. "من از سران شورا های می شنوم که کوکنار کشت نکنم اما وقتیکه خود آنان کشت می کنند، پس آنان کی استند که برای من بگن که کشت نکنم."

تاثیر خالص تهدید تخریب کشتزارها در ولسوالی های جرم و خاش در پایین ترین سطح بوده است، طوری که کشاورزان با استفاده از حساب ساده ساحات تقریبی تخریب را در پلانگذار های خود مد نظر گرفته بودند. پاسخ معمول در این زمینه این بوده است: "من در گذشته از این کمپاین در هراس بودم اما سال قبل متوجه شدم که آنان در این امر جدی نبوده اند به همین خاطر در این سال کشت کوکنار را افزایش دادم."^{۱۰} یا طوری که یک نفر دهقان دیگر گفته است که: "سال گذشته زیاد کشت نکردم چون که بسیار زمین ندارم و از طرف دیگر دولت نیز تهدید به تخریب کرده بود. اگر من محصولات کوکنار خود را از دست میدادم یک مشکل کلان و بزرگ برایم می بود. وقتی که دیدم دولت تنها یک قسمت کم از اراضی را تخریب می کند تصمیم گرفتم که کشت کنم."^{۱۱} و کسانیکه واسطه^{۱۲} داشته اند احتمالا که کشتزار های آنان اصلا تخریب نشده باشد.

پاسخ دهنده گان گفته اند که در سال ۲۰۰۲ میلادی یک تیم از تخریب کننده گان کشتزار های کوکنار از ولسوالی جرم بیرون رانده شدند. اما به نظر می رسد که کدام مسئله امنیتی در هیچ از دو ولسوالی کدام اتفاق نیافته است. ولی، در سال ۲۰۱۰، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی به اثر نامنی ها در ولسوالی های ارگو و درایم رخ داده که به مرگ و زخمی شدن چند نفر انجامیده است.

۸ یک تحقیق دیگر از گزارش دهی و اضافه گویی در باره تخریب کشتزار های کوکنار، می گوید. بر اساس آنچه که دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد و وزارت مبارزه علیه مواد مخدر گزارش داده اند، ۲۷۹۸ هکتار زمین تخریب شده که این رقم بیشتر از نیم از اراضی که کوکنار در آن کشت شده بوده، می باشد. این رقم با آنچه که از ساحه در مورد خاموشی و هشدار برای جلوگیری از دامن زدن به خشم مردم گفته می شود، گزارش شده در تقابل قرار دارد. به "دوستان ما در شمال" از دیوید منسفیلد مراجعه نمایید.

۹ مصاحبه با یک نفر دهقان، ولسوالی جرم، ماه می ۲۰۱۳ میلادی. نقل قول شده در "زمینه های گسترش کشت کوکنار" از پاول فیشستین.

۱۰ مصاحبه با یک نفر دهقان، ولسوالی جرم، ماه می ۲۰۱۳ عین مرجع.

۱۱ مصاحبه با یک نفر دهقان، ولسوالی جرم، ماه می ۲۰۱۳ میلادی. عین مرجع.

۱۲ مصاحبه با یک نفر دهقان، ولسوالی جرم، ماه می ۲۰۱۳ میلادی. عین مرجع.

شکل ۳: کشتزارها بعد از تخریب در ولسوالی جرم، بدخشان



کشاورزان عوامل مختلف سیاسی را برای کشت و کشت مواد مخدر ابراز داشته اند، اینکه آیا این عوامل واقعا توضیح کننده شرایط است یا اینکه توسط کشاورزان محض به خاطر توجیه رفتار های شان یعنی کشت کوکنار مورد استفاده قرار می گرفت دقیقا معلوم نیست. آنان از وعده های که برای کمک به آنها به خاطر گذار از کشت به کشت محصولات قانونی شده بود، و از آن بهره مند نشده بودند، شکایت داشته اند. پاسخ دهنده گان مخصوصا در ولایت بلخ و بدخشان، از عدم پرداخت پاداش که برای آنان وعده داده شده بود، در برابر ترک و دست برداری از کشت کوکنار در سال ۲۰۰۷ میلادی، شاکی بوده اند. کشاورزان در ولایت ننگرهار کشت کوکنار را هم به خاطر نبود کمک های توسعه ای و نیز به عنوان یک نیاز، برشمرده اند: یعنی نبود بدیل های اقتصادی پایدار. این با موضوع بزرگتر یعنی ایجاد توقعات و انتظارات گزارف که پس از سال ۲۰۰۱ میلادی ایجاد شده، است. از طرف دیگر ناخرسندی نسبت به وعده های داده شده از سوی دست اندرکاران توسعه ای در سطح محل نیز محسوس بوده است.

اینکه آیا این موضوع افزایش کشت کوکنار را توضیح می‌کند یا خیر موضوع دیگری است، اما این ادعا و روایت در مورد یک دولت ضعیف و دست اندرکارانی که به نفع خود می‌اندیشند را تقویت می‌کند؛ اینکه هم جامعه بین‌المللی و هم حکومت ناموتر که متوجه رفاه مردم نیست نتوانسته اند برای مردم اعتماد به وجود بیاورند تأمین نمایند. با توجه به این پنداشت عمومی در مورد ناموتیریت پول‌های امدادی، بدون اینکه امداد بیشتر می‌توانست از نظر مادی تغییراتی را به وجود می‌آورد یا خیر، ناکامی در ارایه خدمات برای مردم روی این درک از دولت تأثیر گذاشته و حتی این احساس مقاومت در برابر آنچه که دولت دیکته می‌کند، را افزوده است.

کشاورزان نیز با شکایت از اینکه بعضی مناطق دیگر مزیت‌های دارد هم از نظر کمک‌های توسعه‌ای و تصور اینکه انعطافی در کشت کوکنار وجود دارد، کشت کوکنار را این گونه توجیه می‌کردند. در ولایت بلخ و تا حدی هم در ولایت در ولایات نظیر آن این نارضایتی‌ها روی توزیع ناعادلانه کمک‌های توسعه‌ای و انعطاف آشکار برای کشت کوکنار در مناطق جنوبی و شرقی کشور متمرکز بوده است. از طرف دیگر، این موضوع با ناخوشنودی عمومی در شمال کشور که نسبتاً آرامتر است مواجه بوده در برابر اینکه نسبت به جنوب و شرق کشور، کمک‌های توسعه‌ای کمتری دریافت کرده است. آن مناطق نه تنها که نامن هستند بلکه در برابر کشت کوکنار نیز معافیت حاصل کرده‌اند.^{۵۹}

کمبود کمک‌های امدادی و عدم پاداش در بدل سرکوب کشت کوکنار و تحمل آشکار در برابر کشت کوکنار در مناطق دیگر از جمله گفته‌های ثابتی بوده که توسط والی بلخ عطا محمد در بیانیه‌های عمومی خود اظهار داشته و این گفته‌ها توسط کشاورزان نیز اظهار شده است. در داخل بلخ، دهقانان در مناطق نامن گفته‌اند که نامنی سبب شده بود تا کمک‌های توسعه‌ای در آن ساحات توزیع نشود. با توجه به اینکه این ساحات اکثراً ساحات پشتون نشین بود، اینکار قسماً رنگ قومی پیدا کرده که بعضی از کشاورزان شکایت کردند که تبعیض قومی سبب شده که در ساحات آنان کمک‌چندانی صورت نگیرد. پاسخ دهنده گان در ولایت ننگرهار گفته‌اند که کم توجه‌ای در شایعات بلند مدت دست داشتن برادر رییس جمهور در اقتصاد تریاک در ولایت قندهار را به عنوان منطقی برای کشت و کار خود می‌پنداشتند: "کرزی خود نیز در این تجارت مواد مخدر دست دارد - دو برادرش در پروسس و تولید هرویین کار می‌می‌کنند. اگر من کشت نکنم آنان از کار بیکار خواهند شد."^{۶۰} حتی در داخل ولایت هلمند، در زون غذایی هلمند مردم از این ناحیه که کشت کوکنار در شمال کانال کماکان ادامه یافته بود، خشمگین بوده‌اند.

با اینکه تمام این شکایات قسماً اساس اخلاقی داشتند اند، اما روشن نیست که آیا این دلایل، یا بهانه و یا هم لفاظی‌های ضد حکومتی بوده‌اند و یا شاید هم مخلوطی از تمام موارد فوق.

۴.۳ جایگاه انتقال اتفاق میافتد

۴.۳.۱ شرایط درست اقتصادی

با وجود افزایش ملی ۷۰ درصدی در تولید کشت کوکنار در سه سال بعد از سال ۲۰۰۹ - ۱۰، در برخی مناطق سه ولایت از چهار ولایت شرایط اقتصادی کشت محصولات قانونی را سهولت بخشیده است. طوریکه در بخش‌های ۴،۱ و ۴،۲ تذکر یافته است. محیط تابع عوامل جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی است. در برخی از مناطق بلخ که قبلاً تحت کشت قرار داشت، پیشرفت‌های اخیر در تأمین امنیت و سرک‌سازی در ادغام بازارهای برخی مناطق سابق که کوکنار کشت می‌شد به بهتر شدن قیمت‌ها برای کشاورزانی که سبزیجاتی مانند زردک، پیاز، بامیه و کدو کشت می‌کنند، منجر شده است. همچنان کشاورزان مشاهده کرده‌اند که استفاده از کودبرای محصولات گیاهی سبب می‌شود که در محصول دهی گندم در همان زمین‌ها افزایش پیدا کند و سبب تشویق کشاورزان می‌شود در بین سال‌های ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۲-۱۳ در چتمال، مناطق بازرسی شده که سبزیجات کشت می‌کنند دو بر سه حصه افزایش یافته است و درآمد حاصله از محصولات برای فروش مانند لوبیا منگ، پنبه، سبزیجات (زمستانی و تابستانی)، خربوزه و تربوز افزایش یافته است. از میان ۱۱ خانواده در ولسوالی‌های چتمال و بلخ که در سال‌های ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۲-۱۳ از تغییر مثبت قابل توجه در وضعیت اقتصادی خود گزارش داده بودند، تمام آنها به استثناء یک خانواده این تغییر را در ازدیاد محصولات و قیمت‌های محصولات برای فروش به ویژه سبزیجات و پنبه نسبت داده‌اند.^{۶۱} برخی از خانواده‌ها بطور کامل متکی به فروش سبزیجات و دیگر محصولات بودند تا اینکه بتوانند گندم را از بازار خریداری کرده به جای اینکه آنرا خود کشت کنند.^{۶۲}

امکان کاهش کشت کوکنار در آغازین سال‌های ممنوعیت کشت مواد مخدر در ولایت بلخ وجود داشت زیرا که تولید کوکنار در مناطق با آبیاری بهتر عملی شد و کشاورزان می‌توانستند به راحتی به کشت محصولات دیگر با ارزش روی بیاورند و به فرصت‌های غیر کشاورزی در مزار شریف دسترسی پیدا کنند.^{۶۳} نظریاتی که توسط یکی از کشاورزان ارائه شد محاسباتی را که خانواده‌ها برای بدست آوردن معیشت از طرق مختلف می‌پیماند، خلاصه می‌سازد:

۵۹ "غالب آمدن به دل‌ها و ذهن‌ها؟ بررسی روابط بین امداد و امنیت در ولایت بلخ افغانستان"، از پاول فیشتین. (مدفورده، ماساچوست، مرکز بین‌المللی فیشتنین در پوهتون تفتس، سال ۲۰۱۰ میلادی).

۶۰ مصاحبه با یک نفر دهقان، ولسوالی خویگانی، اپریل ۲۰۱۱. نقل قول شده در "در بین یک سنگ و یک جای سخت"، صفحه ۱۲. از منسفیلد.

۶۱ در حالیکه مقامات در مزار شریف در رابطه به محصولات/سرمایه‌گذاری جایگزین مانند زعفران و فارم ماهیگیری صحبت نمودند اما به اینها اشاره نمودند.

۶۲ فیشتین. "زمینه‌های گسترش کشت کوکنار".

۶۳ بر اساس ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر، "محو کشت مواد مخدر باید با تلاش‌های جامع فراهم‌سازی ثبات در ترادف باشد و مکان‌های باید مورد هدف محو کوکنار قرار گیرد که در آنجا معیشت روستایی موجود باشد." وزارت مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی افغانستان. "ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر: ستراتیژی پنج‌ساله حل مشکل مواد مخدر غیر قانونی - بروز شده" (کابل: ۲۰۰۶، صفحه ۱۵). ستراتیژی ملی کنترل مواد مخدر بروز شده سال ۲۰۱۲. در مورد مراقبت معیشت از زبان مشابه استفاده نموده است. نیز مراجعه شود: آدم بین. "بازگشت مواد مخدر."

شایعه بود که امسال محو کشت کوکنار عملی شود. برخی از مردم آماده قبول خطر را دارند. طالبان این منطقه را ترک کردند بناءً هیچ کس از من حفاظت نمی کند. هرگاه دیگر محصولات من خوب نتیجه بدهد و کس دیگر آنرا کشت نکرده باشد من می توانم خوب فعالیت کنم و آنها را به قیمت بلند به بازار ببرم. اراضی کشت خربوزه را به اندازه یک جریب زیاد کردم زیرا که قیمت آن بلند بود. هرگاه امسال حشره زرد گیاه موجود نباشد برای من خوب است. مردم خربوزه کشت نمی کنند زیرا که آنها از حشرات هراس دارند. این وضعیت خوب ممکن در حالت خود باقی بماند زیرا که در یک و یا دو سال اخیر درآمد مربوط به زراعت خوب بوده است. در حال حاضر فرزندم نیز کار می کند و به این دلیل وضعیت اقتصادی خانواده نیز بهبود یافته است.^{۶۴}

تنها محدودیت که کشاورزان در ولایت بلخ و برخی در ولایت بدخشان به آن اشاره کردند، همانا نبود سردخانه بود که به آنها اجازه بدهد که محصولات خود را در هنگام برداشت پایینی قیمت حفظ کنند و پس از چند ماه که ارزش شان بالا برود بفروش برسانند.^{۶۵} سهولت های موجوده در بلخ در شرق مزارشریف واقع است و به این ملحوظ برای کشاورزان ولسوالی های غربی غیر قابل دسترس است.

در همین حال، طوریکه در قسمت ۴،۱ ذکر شد، ساحاتی از هلمند مرکزی در بخش تحتانی کانال و نزدیک به شهر می تواند مثال های از ینکه چگونه محیط اقتصادی خوب به کمک امنیت گسترش یافته تنوع معیشت را دور از مواد مخدر فراهم ساخته است. بهبود قابل ملاحظه امنیتی در سال های ۲۰۱۰-۱۱ و ۲۰۱۱-۱۲ که زمانی از بی امنی شدید رنج می برد، در گزارش ها کمتر از مشکلات ترانسپورتی شکایت شده است. این به نوبه خود دسترسی به بازار را سهولت بخشید و قیمت محصولات در بازار و در مزرعه نیز افزایش یافت. کاهش گرفتن رشوه اجباری در پاسگاه های پولیس باعث کاهش مصارف ترانسپورتی و بی ثباتی شده است به این دلیل تقاضای تولیدات مزرعه افزایش یافته است.

تقاضا برای میوه جات و سبزیجات در بازار های شهر لشکر گاه و گرشک باعث ازدیاد تولیدات شده است و کشاورزان به قیمت ها و تقاضاها از طریق تغییر جهت نوعیت محصولات به محصولات قیمت تر جوابگو بوده اند. تقاضا در دیگر نقاط افغانستان به خصوص در هلمند و در فصل (shoulder season) زمانیکه میوه جات و سبزیجات زود تر از دیگر نقاط پخته می شود نیز تا حدی نقش داشته است. کشاورزان از طریق باغداری (زردآلو، بادام، انگور)، کشت پیاز، کچالو و دیگر سبزیجات محصولات خود را تنوع بخشیدند. ازدیاد محصولات گندم نیز در آسایش آنها موثر واقع شده است. سرمایه گذاری کشاورزان در باغ های دیر رشد و دراز مدت نشانه از اعتماد شان است و بر آنها لازم بود که در عین زمان درآمد غیر کشاورزی خود را حفظ کنند.

درآمد غیر کشاورزی مانند دست مزد کار روزانه در لشکرگاه و گرشک به دلیل ازدیاد تقاضای کارگر در بخش کشت مواد مخدر در شمال کانال به نرخ مطلوب مساعد بوده است. فرصت های کار مزدی که حتی کارگران بامهارت و بدون مهارت را از دیگر نقاط افغانستان و پاکستان جلب کرده بود، قسماً توسط تزریق پول های بین المللی و کمک های توسعه ای ایجاد شده که فرصت های حمایتی و اشتغال در سکتور دولتی را فراهم ساخته است.

بهبود امنیت برای این مناطق اجازه داد که کمک های توسعه ای بیشتر را مانند گل خانه های تونلی و پمپ های آبی دریافت کنند. هرچند در سال ۲۰۱۰-۱۱ تنگدستی های اقتصادی در حال رشد بود، در سال بعدی جوامع از خود مقاومت نشان داده و از فرصت های رو به رشد اقتصادی منفعت برده اند. علاوه بر این، بهبود امنیت اجازه داد که سطح تحصیلی و خدمات صحتی نیز ارتقا یابد.

با بهبود وضعیت امنیتی و حضور کم رنگ طالبان، پاسخ دهنده گان تایید کردند که اعضای خانواده شان در صفوف نیرو های امنیتی افغان پیوستند و یا وظایف دیگر دولتی را اختیار کردند و حتی برخی حمایت خود را از حکومت اظهار داشتند: "بخاطر این حکومت تجارت بهبود یافته است. به دلیل کمک های توسعه ای در هلمند پول زیاد تر موجود است و مردم در دکان من به مصرف می رسانند."^{۶۶} در مقایسه با سال قبل، پاسخ دهنده گان در سال ۲۰۱۱-۱۲ از دولت کمتر انتقاد داشتند به ویژه آنانی که از مساعدت های دولتی بهره برده اند و یا آنهایی که معیارهای زنده گی خود را بدون توصل به مواد مخدر حفظ کرده اند. رفتار پاسخ دهنده گان نسبت به دولت و زنده گی شان در لشکرگاه به شکل تقریبی مقایسه شده حال آنکه رفتار آنها به از مساعدت های اقتصادی شهری بی بهره مانده اند کمتر مثبت بوده است.^{۶۷} طوریکه در بخش ۴،۳،۳ توضیح شد، شرایط اشخاصی که خارج از این مناطق اند، متفاوت است.

در ولایت ننگرهار، مناطقی که از اقتصاد شهری خارج بوده اند در رشد میوه جات و سبزیجات در بازار و استفاده از فرصت های کاری در جلال آباد به خوبی عمل کرده اند. مردمی که در مجاورت با مسیر های اصلی تجارتی میان کابل و پشاور قرار دارند با محو مواد مخدر خوبتر توافق کرده اند و حتی با استفاده از فرصت های اقتصادی وضعیت خود را بهبود بخشیدند: تنوع محصولات برای فروش در بازار های جلال آباد و منطقه، تهیه لبنیات ارزشمند تر (ماست، پنیر) و دسترسی به شغل های غیر کشاورزی در جلال آباد و پروژه های ساختمانی خارج از شهر. کشت سه فصل محصولات در سال بالای عین زمین رایج شد. تاجران از مزرعه ها برای خرید محصولات دیدار می کردند و ازدیاد

۶۴ مصاحبه با دهقان، ولسوالی چنمال، می ۲۰۱۳، تذکر یافته در فیشستین، "زمینه های گسترش کشت کوکنار".

۶۵ مشکل عمده که اکثریت شکایت داشتند این بود که تاجران پاکستانی سبزیجاتی مانند کچالو، پیاز و خیار را در هنگام برداشت محصولات و قیمت پایین آن خریداری می کنند و برای نگهداری به پاکستان انتقال می دهند، پس از چند ماه که ارزش آنها بلند می رود واپس به افغانستان آورده و به قیمت بلند تر بفروش می رسانند. از نگاه اقتصادی، به ویژه برای محصولات کم ارزش کمتر قابل لمس است و بیشتر یک افسانه شهری می تواند باشد.

۶۶ مصاحبه با دهقان/دوکاندار، بولان. از دوید منسفیلد، "مختصر مقاله ۵: هلمند مرکزی در سال ۱۲/۲۰۱۱ فصل رشد- بروز شده بهار." جون ۲۰۱۲.

۶۷ منسفیلد، "تمام شرط بندی ها منع اند".

کرایه در (کامه) نشان دهندهٔ ازدیاد تقاضا است. حتی گزارش شده است که انواع مختلف سیر به کراچی صادر می شود. امنیت شرایط آوردن کمک های توسعه ای را مساعد ساخت. حتی در شینوار، یک منطقه که در کشت مواد مخدر معروف بوده است، پس از چندین سال کشت گندم کشاورزان علاقه مند تنوع در محصولات بوده اند. طوریکه یکی از کشاورزان می گوید:

من دهقانی بودم که تنها به کشت مواد مخدر اعتقاد داشتم. در گذشته نیز تجارت مواد مخدر را انجام می دادم. همچنان زمین را برای کشت کوکنار به کرایه میدادم. اما همیشه قرضدار بودم. حالا فکر می کنم که احمق بودم. همیشه باید قرض می پرداختم و زیر فشار می بودم. گاهی پول داشتم و قرض خود را واپس پرداخت می کردم و گاهی نداشتم. اکنون سبزیجات کشت میکنم و خوشحالم.^{۶۸}

در مناطقی که توانایی بهتر آبیاری را در ولایت بلخ دارند، پنبه منحصیث محصول پر منفعت بشمار می رود و به این سبب تا حدی می تواند جایگزین مواد مخدر باشد. در سال ۲۰۱۰-۱۱، به دلیل سیلاب های که در حدود ۳۰ فیصد پنبه پاکستان را در ماه اگست ۲۰۱۰ از بین برد کشاورزان از بلند رفتن ارزش پنبه منفعت برده اند. در سال های ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۲-۱۳، اکثر کشاورزان که مورد پرسش قرار گرفتند بررسی گردیدند (۲۴ از مجموع ۳۰) اراضی را که پنبه کشت می کردند حفظ کردند و یا هم آنها را وسیع تر ساختند، هرچند تعدادی از پایین بودن و بی ثباتی ارزش آن شاکی بودند. (تمام سه خانواده که کوکنار کشت می کردند، اراضی خود را در بین کشت کوکنار و پنبه تقسیم کردند).^{۶۹} نگهداری نسبی پنبه باعث کاهش خطر های مربوط به بازار مانند قیمت پایین و انسداد جاده ها می شود. بطور مثال، یکی از خانواده ها در بلخ اظهار داشت که آنها محصولات خود را از بامیه به پنبه تغییر دادند زیرا اگر مسیر سالنگ بسته شود ارزش بامیه نیز پایین خواهد آمد. حد اقل در ولایت بلخ اتحادیه های که پنبه کشت می کردند بیشتر از مالکین زمین بوده است. به عبارت دیگر، خانواده های که حتی مقدار زمین کمی هم در اختیار داشتند، در اکثریت حالات مایل بودند که پنبه کشت کنند.

در ولایت هلمند، کشاورزان به دلیل بی ثباتی در بازار مایل نیستند که پنبه کشت کنند. در طول تاریخ، پنبه در ولایت هلمند منحصیث محصول مهم برای فروش تلقی می شد اما تجدید این صنعت در اکثریت مناطق پس از ۲۰۰۱ به دلیل نبود منبع خرید متوقف شد.^{۷۰} طوریکه یکی از کشاورزان شکایت کرد: "سال قبل در ماه نوامبر [۲۰۱۰] محصولات پنبه خود را به یکی از شرکت های دولتی در لشکرگاه فروختم و تا به حال [می ۲۰۱۱] پول خود را بدست نیاورده ام. من ۱۲ دالر امریکایی مصرف کردم که از آن شرکت تقاضای پرداخت پول خود را نمایم. آیا این طریق خوب ممانعت از کشت کوکنار می است؟"^{۷۱}

علاوه بر بی ثباتی قیمت، کشت پنبه به دلیل نیاز به کارگر و آب کافی نیز متاثر شده است و هر یک از این دلایل کشاورزان را از گرفتن به خطر کردن زیادتر بی میل ساخته است. هنوز هم کشاورزان در ولایات بلخ و هلمند پنبه را از جمله محصولات مهم برای فروش می پندارند، هرچند این می تواند ارتباط گیرد به سال های ۱۹۷۰ که پنبه حیثیت سلطان محصولات را داشت.

تجارب کشاورزانی که به منظور این تحقیق مصاحبه با آن ها صورت گرفته یافته ها و تحقیق های قبلی واحد ارزیابی و تحقیق افغانستان را تایید می کنند. این یافته ها نشان می دهد که هرچند بطور عموم کوکنار درآمدزایتر پولی دارد، اما برای تعداد زیاد خانواده ها تنها بدست آوردن حد اکثر پول و پاسخ دادن به قیمت های بازار مطرح نیست (چوکات ۷ دیده شود). بلکه خانواده ها ضمانت غذایی را در اولویت قرار داده اند و نیز اطمینان کنند که برای مراقبت های صحی، مواد سوخت، قرض ها و دیگر مصارف پول داشته باشند. در میان پاسخ دهنده گان در این تحقیق، محاسبات بر اساس محیط و منابع بخشیده شده خانواده ها متفاوت بوده است. محاسبات برای آن های که دارای زمین های للمی بوده مشکلتتر بوده است زیرا که درآمدها زیادتر متغیر بوده و احتمال ناکامی محصولات در سال زیاد تر است. خانواده ها در مناطق نا امن (جائیکه از محو کوکنار در امان بودند) در زمانیکه قیمت کوکنار زیاد بود ۱۰۰ فیصد اراضی خود را برای کشت کوکنار تخصیص نداده اند که خود نشان دهندهٔ این است که به حد اکثر رساندن منفعت تنها هدف شان نبوده است. در عین حال، در اراضی پر حاصل هلمند جائیکه خانواده ها درآمد خود را از طریق تنوع محصولاتی حفظ کرده اند، اکثریت اشخاصی که دارای مقدار کافی زمین هم بودند هنوز گندم و جواری به هدف جلوگیری از نا امنی غذایی کشت می کردند که با پایین آمدن قیمت در سبزیجات و یا ناکامی در حاصلات بوجود می آمد.

۶۸ مصاحبه با دهقان، ولسوالی شینوار، اپریل ۲۰۱۱، تذکر یافته در منسفیلد، "در بین یک سنگ و یک جای سخت".

۶۹ فیشتین. "زمینه های گسترش کشت کوکنار".

۷۰ از سال ۲۰۰۱ بدینسو، پیشنهادات برای تجدید حیات صنعت پنبه از طریق ایجاد بازار برای خرید پنبه، کمک های تخنیک در بخش مدیریت و بازاریابی پنبه پاک در لشکرگاه، تجدید حیات ماشین پنبه پاک بوسه، و تامین اعتبار برای کشاورزان ارائه شد. این پیشنهادات اصولاً محبوب پنداشته می شد اما توسط تمویل کننده گان رد شد. به راجیو چندراس ایکاران مراجعه شود، امریکای کوچک: جنگ در داخل جنگ در افغانستان. خانه ی تصادفی، نیویورک، ۲۰۱۲، و همچنان ریچارد بی. اسکات، "پی گیری هلمند XXXX: فصل برداشت محصولات کوکنار دوباره در اینجاست: پروژه ناکام بعدی مبارزه با مواد مخدر ما چی خواهد بود؟" می ۲۰۱۴، و "پی گیری هلمند XXXX: حمایت اسمال از پنبه در هلمند مرکزی؟" دسمبر ۲۰۱۰.

۷۱ مصاحبه با دهقان، نادی علی، می ۲۰۱۱، تذکر یافته در منسفیلد، "در بین یک سنگ و یک جای سخت". صفحه ۳۳.

چوکات ۷: انتخاب قیمت مناسب

نقش قیمت در تصمیم دهقانان در کشت کوکنار موضوع قابل بحث بوده است. هر چند خانواده ها انگیزه های مختلف می توانند داشته باشند، مانند تغییر در قیمت زیرا خانواده ها در محیطی زنده گی می کنند که عوامل امنیتی و اجتماعی ممکن بالای کاهش و یا تشدید قیمت ها تاثیر داشته باشد.

در سطح ملی، ممکن رابطه خوش آیند تر میان قیمت و اراضی کشت شده مطرح باشد اما قیمت در سطح ملی و یا منطقوی چیزی قابل ایجاد است زیرا که تفاوت در قیمت در منطقه و ساحه کشت شده قابل ملاحظه است. بطور مثال، بر اساس معلومات راجع به قیمت دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد در ماه اپریل ۲۰۱۳، زمانیکه اوسط قیمت تریاک خشک برای بازرگانان ۱۶۸ دالر امریکایی در یک کیلو گرام در سطح ملی بوده است، قیمت آن در ناحیه های شمال شرقی ۱۰۹ دالر امریکایی و ۲۰۹ دالر امریکایی در غرب بوده است، تفاوت تقریباً ۱۰۰ درصد قابل مشاهده است. علاوه بر آن، قیمت بصورت همیشه گی متفاوت نیست و می تواند مسیره های متفاوتی را بپیماید.

صرف نظر از کیفیت اطلاعات و چالش اصولی شدن، معلومات موثق قیمت های اشیای غیر قانونی که به کیفیت های متفاوت تجارت می شود، قیمت ها در سطح محل بر اساس شرایط و حوادث خواص مشخص می شود. بطور مثال در هنگام کار ساحوی در سال ۲۰۱۳ در ولایت بدخشان، کشاورزان در جرم و خاش شکایت می کردند که قیمت مواد مخدر پایین بوده است زیرا که جلاب^۳ در قریه ها و شهر ها نیامده است آن هم به دلیل وضعیت امنیتی و به شکل خاص به دلیل ترس از پولیس ملی که اجناس را ضبط کند. این حالت می تواند در سطح محل به شکل دایمی و یا موقت باشد. در هلمند، قیمت در کانال که تحت کنترل حکومت بود به مراتب پایین تر از دشت تحت کنترل طالبان است. به این دلیل، تحلیل قیمت اوسط قیمت در سطح ملی باید با دقت کامل انجام یابد.

هرگاه تمام شرایط مساوی باشد، قیمت زیادت می تواند در کشت مواد مخدر مشوق خوب باشد اما در افغانستان تمام شرایط به سختی می تواند برابر قرار گیرند: کیفیت مواد مخدر، قیمت گندم، مصارف کارگر، تاخیر در کشت به دلیل مشکلات اقلیمی و امنیت غذایی همیشه در تغییر است. می توان گفت که جایکه بازار خوب فعالیت می کند، تاثیر قیمت ها بیشتر است اما در جایکه انتخاب دیگر وجود نداشته باشد، کشاورزان کمتر به قیمت ها می توانند واکنش نشان دهند. بطور مثال، در بیشتر زمان تحقیق، قیمت نسبی مواد مخدر در مقایسه به گندم در ناحیه شمال شرقی در حال کاهش بود، هرچند کشت مواد مخدر به سرعت در حال افزایش بود.

۱۳ به شخص دلال و یا میانجی نسبت داده شده که غالباً بطور منفی استفاده می شود.

۴.۳.۲ درآمد غیر کشاورزی و بیرون از کشاورزی

یکی از عواملی که می تواند باعث انصراف از کشت کوکنار شود همانا فراهم آوری فرصت حصول درآمد غیر کشاورزی و خارج از کشاورزی می است.^{۳۲} علی رغم اتکای عمومی به زراعت، برای اکثریت خانواده های روستایی افغانستان با در نظر داشت مالکیت اراضی کوچک به تناسب تعداد اعضای خانواده (در سطح ملی، کمتر نیمی از خانواده مالک بیشتر از چهار جریب زمین زراعتی می باشند) و حاصلخیزی اندک زراعت، اشتغال بیرون از کشاورزی یک امر حیاتی بشمار می رود. در مطابقت به ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری، در حالیکه بیشتر از نیم خانواده های روستایی در عرصه ی زراعت فعالیت دارند، در حدود نیم (۴۹ درصد) از آن خانواده ها درآمدخارج از کشاورزی و سایر فعالیت ها را منحصت منبع اصلی درآمدخویش گزارش داده اند.^{۳۳}

اقتصاد شهری در حالت رشد ولایت بلخ به ویژه در سکتور ساختمانی قطب اقتصادی مزار توانسته است تا اندازه ی تاثیرات برنامه سرکوب کشت کوکنار را کاهش دهد و بعضی از خانواده ها را از کوکنار دور سازد. ترجیح به کار های ساختمانی که در واقع کمتر طاقت فرسا بوده و دارای مزد بیشتر در مقایسه به کار های زراعتی می باشد ممکن باعث کمبود کارگر در بخش های روستایی که اندک از شهر مزار فاصله دارد شده باشد.^{۳۴} مزار مقصد کارگران سایر شهر های کشور بشمول جلال آباد بوده است. در همین حال، اشتغال در جلال آباد برای خانواده های مناطق همجوار **ننگرهار** از اهمیت خاص برخوردار بوده است.

مهاجرت برای کار یک سنت قدیمی در ولایت بدخشان به حساب می آید. علی رغم اینکه اتکای زیاد به درآمد خارج از کشاورزی در آن ولایت وجود دارد ولی یک تعداد اندک خانواده ها در تلاش اند تا از کشت کوکنار دوری کنند. پاسخ دهندگان این تحقیق ابراز داشتند که کشت کوکنار یک راه جلوگیری از رفتن به سایر شهر ها برای یافتن کار می باشد. در سال ۲۰۱۱-۱۲، نیمی از خانواده های سروی شده بیشتر از نصف درآمد خویش را از منابع خارج از کشاورزی بدست می آوردند در حالیکه یک سوم آنها بیشتر از دو سوم درآمد خویش را از این منابع حاصل می کردند. در سال ۲۰۱۲-۱۳، که یک سال خوب زراعتی بوده است، بیشتر از یک سوم پاسخ دهندگان بیشتر از ربع درآمد خویش را از منابع غیر کشاورزی بدست آوردند در حالیکه بیشتر از یک ربع آن بیشتر از یکی بر نیم درآمد خویش را از آن فعالیت ها حاصل داشتند. منابع عمومی غیر کشاورزی شامل اشتغال در معدن سنگ لاجورد و سایر معادن، ثبت نام در نیرو های امنیتی افغانستان و نیز کار منحصت راننده می می شود. یک دهقان در

۳۲ بطور عموم، "درآمد غیر کشاورزی" به درآمد اطلاق می گردد که یک خانواده خارج از اراضی کشاورزی خویش بدست می آورند در حالیکه "درآمد خارج از کشاورزی" به درآمد گفته می شود که از طریق فعالیت های غیر کشاورزی حاصل گردیده باشد.

۳۳ "حالت فقر در افغانستان: پروفایل به اساس ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷/۸". وزارت اقتصاد و بانک جهانی، پالیسی اقتصادی و سکتور فقر، ۲۰۱۰.

۳۴ در سال ۲۰۰۹-۱۰، مالکین زمین از کمبود کارگر در شولگره شکایت نمودند در حالیکه تاثیرات نسبی تقاضای شهر ها به کارگر یا مهاجرت به شهر ها در زمینه مبرهن نمی باشد. تحقیق فیشستین پیروزی به قب ها و فکر ها "را ملاحظه نمایید. پارادوکس شکایات همزمان مبنی بر نبود کار و کارگر ممکن ناشی از عوامل مانند فصلی بودن فعالیت های زراعتی و اندک بودن مزد زراعت باشد.

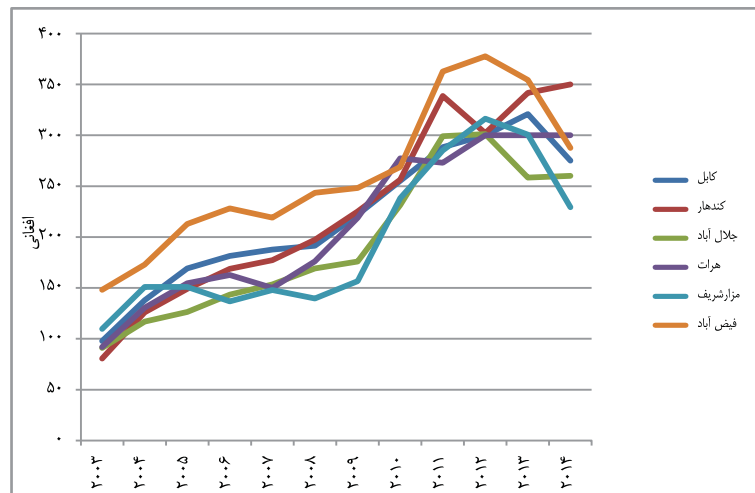
زمینه چنین توضیح داد در صورتیکه وی کوکنار بیشتر کشت کند باید فعالیت های تجاری سیار خویش را ترک بگوید: "امسال من کمتر کوکنار کشت کردم. برای اینکار زمان کافی ندارم و پسر من باید وقت آموزش و درس خونندان خویش را برای این کار صرف کند و این باعث اخراج وی از مکتب می شود. دیگران کوکنار را برای پول کشت می کنند و لیکن برای من این کار خوب نبوده است."^{۷۵} قابل یاد آوری است که از جمله ی ۲۰ تن کشاورز صرفا سه تن شان میزان کشت کوکنار را در سال های ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۲-۱۳ کاهش داده اند.

در ولایت های **ننگرهار** و **بدخشان**، مهاجرت های فصلی معمول است. یک تعداد از کارگران ولایت **بدخشان** گزارش دادند که در فصل زمستان در کابل یا جلال آباد کار می کنند و در تابستان به خانه های خویش بر می گردند در حالیکه کارگران ولایت **ننگرهار** ابراز داشتند که در فصل تابستان در کابل کار کرده و زمستان را در جلال آباد سپری می کنند. در ولایت **هلمند**، تقاضای که برای استخدام کارگر در لشکرگاه و گرشک به وجود آمده، منبع مهم اشتغال برای کسانی که به آن دسترسی داشته اند، به حساب می آید.

ولیکن در سطح ملی، اکثریت فرصت های غیر کشاورزی از اثر کمک های هنگفت بین المللی ایجاد شده است. اما میزان تداوم این حالت یکی از مهم ترین سوالات بعد از روند انتقال سال ۲۰۱۴ به حساب می آید بخصوص در شرایط نا مطمئن سیاسی و امنیتی که منجر به رکود شرایط سرمایه گذاری شده است. تاثیرات موضوع متذکره از قبل در چهار ولایت رونما شده است. در ولایت های **بلخ** و **بدخشان**، کارگران گزارش دادند که کار و نیز دستمزد در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با ۲۰۱۲ کاهش یافته است. طوریکه در شکل ۴ به مشاهده میرسد، نرخ دستمزد کارگران غیر حرفوی در شهر های بزرگ به استثنای قندهار که تغییر نکرده است، و در شهر های کابل، فیض آباد، مزار و جلال آباد، نرخ دستمزد کاهش یافته است. در ولایت **ننگرهار**، بنابر رکود اقتصادی در شهر جلال آباد، ثبت نام در صفوف نیرو های امنیتی افغانستان به یک گزینه ی عام تبدیل شده است.^{۷۶}

پاسخ دهندگان تمام چهار ولایت مثال های از سرمایه گذاری های که از درآمد حاصله از کوکنار جمع آوری کرده بودند را ارائه داشتند که در بعضی از حالات توانسته اند که پروسه ی انتقال از کوکنار را تسهیل کند که ممکن از طریق فشار یا به اراده خویش صورت گرفته باشد. معمول ترین سرمایه گذاری در زمینه ی وسایط حمل و نقل بوده است (موتور های مسافر بری، زنج، موتور های بابربری) تا از تجارت و یا حمل و نقل اجناس و اشخاص درآمد حاصل شود. پاسخ دهندگان در ولایت های **بلخ** و **هلمند** ابراز داشتند که آنها از درآمد حاصله از کوکنار تراکتور خریداری کنند تا بطور ساعت وار آنها را به کرایه دهند. سایر انواع سرمایه گذاری که در ولایت **هلمند** گزارش داده شده است شامل عمران و آبادانی اراضی (بخصوص در دشت ها که شرایط اراضی ناهموار و نامساعد دارند و بنابراین ضرورت به سرمایه گذاری دارد تا زمین آماده ی کشت گردد)، چاه های لوله ی، جنراتور ها، واتر پمپ ها، دکان ها، و آسیاب گندم سیار می باشد. در ولایت **ننگرهار**، علاوه بر سرمایه گذاری در بخش های حمل و نقل و معیشت، خانواده ها ابراز داشتند که در بخش منابع بشری سرمایه گذاری کردند و از آموزش اطفال و پرداخت مزد به مراکز آموزشی زبان انگلیسی و آموزش های حرفوی جهت ارتقای ظرفیت آنها در یاد آوری کردند.

شکل ۴: دستمزد کارگران غیر ماهر در ولایت های بزرگ، ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴



منبع: شعبه نقشه برداری و تحلیل آسیب پذیری / برنامه غذایی سازمان ملل؛ پول افغانی. اوسط سالیانه. نرخ دستمزد در ماه های اپریل و جولای با در نظر داشت شرایط همان سال افزایش می یابد. در سال ۲۰۱۴ میلادی، این حالت صرف از جنوری الی جولای مشاهده شده است.

۷۵ مصاحبه با یک تن دهقان، ولسوالی جرم، ماه می ۲۰۱۳.

۷۶ منسفیلد؛ "از بد بدترش کردند". بیشتر از یک بر سه حصه ی شاملان اردوی ملی افغانستان از ولایت ننگرهار می باشد. تحقیق رای ریویرا تحت نام " اردوی افغانستان از منطقه که ترس بدان مسلط می باشد کمتر سرباز جلب می نماید،"، نیویورک تایمز، ۶ سپتمبر ۲۰۱۱. در جریان فعالیت ها در ساحه، هنگامیکه چهار تن از مردم محل که در نیروی های امنیتی افغانستان که در سایر شهر ها به قتل رسیده بودند به منزل منتقل گردیده بودند پرسیده شد، پاسخ دهندگان ابراز داشتند که صرفا بنابر ممنوعیت کشت کوکنار، آن ها به صفوف نیروی های امنیتی شامل شده و در نهایت به قتل رسیدند.

۴.۳.۳. شرایط نا مساعد

بخش های گذشته شرایطی را که به اساس آن خانواده ها از ترکیب استفاده از تنوع محصولات دارای ارزش بلند و دسترسی به درآمد بیرون از کشاورزی به منظور انتقال از کوکنار استفاده کرده اند نشان می دهد. به عبارت دیگر، در صورت اینکه شرایط نا مساعد باشد، خانواده ها نمیتوانند پروسه ی انتقال را به طور متداوم عملی سازند. در ولایت **بدخشان**، اقتصاد که اساسا از منابع خارجی تمویل می شود متکی به مهاجرت های خارج از کشور و قاچاق مواد مخدر و اسلحه است که این حالت از نبود بنیاد صنعتی، بازار هایی مساعد، اراضی خوب کافی و شرایط درست و متناسب زراعتی به وجود می آید. خانواده های ولایت متذکره همواره از نبود راه های بدیل اقتصادی چه در سکتور زراعت یا در سایر سکتور ها شکایت کردند^{۷۷}. این ولایت دارای منابع هنگفت معدنی بخصوص معدن لاجورد می باشد. به استثنای معدن لاجورد که در ولسوالی کران و منجان موقعیت دارد و به مهاجرین و ساکنین ساحات اطراف ولسوالی مذکور اشتغال ایجاد می کند، استفاده رسمی از این منابع بنا بر نبود نهاد های دارای ظرفیت و نیز فساد اداری و زیربنا های ضعیف محدود بوده است.

اکثریت پاسخ دهندگان در **بدخشان** ابراز داشتند که اعمار و ساختمان چندین سرک در ولایت شرایط حمل و نقل را بخصوص بین فیض آباد و تالقان، ولایت تخار در غرب بهبود بخشیده است. و اما اکثریت دهقانان سروی شده فاصله بین قریه تا بازار را و شرایط سخت انتقال محصولات به بازار را یک مانع جدی بیان کردند. بر خلاف سرزمین هموار ولایت های **بلخ** و **هلمند** که در آنجا زرنج یک وسیله ی استندرد حمل و نقل مورد استفاده قرار می گیرد، در مناطق کوهستانی جرم و خاش یگانه راه بدیل حمل و نقل گزاف همانا مرکب می باشد که وقت گیر بوده و در جریان انتقال محصولات آسیب دیده و نیز دسترسی به بازار که یک شخص می تواند داشته باشد نیز محدود می گردد. (پاسخ دهندگان ابراز داشتند که شرایط خراب سرک ها برای حمل و نقل باعث افزایش مصارف خانواده ها و نیز دوبرابر شدن مصارف حمل و نقل بین فیض آباد و خاش می گردد). بطور مقایسوی، در ولایت **بلخ** دهقانان محصولات خویش را در یکی از چندین بازار (بشمول مزار) با در نظر داشت قیمت معمول انتقال می دهند.

در همین حال ولایت **هلمند** نیز در وضعیت مشابه قرار دارد. یک ولایت مرز ایست که دارای مسیر های رسمی برای ایجاد و فراهم آوری شرایط تجاری مانند **بلخ** و **ننگرهار** نیست و دارای ساحات اصلی شهری نمی باشد. و لیکن شرایط اقتصادی در ولایت مذکور با در نظر داشت موقعیت متفاوت می باشد. طوریکه در فوق تذکر یافت و در جدول ۱ به مشاهده رسید، بعضی از بخش های مرکزی ولایت که تحت کانال بغرا و در مجاورت بازار های شهر لشکرگاه و گرشک قرار دارد دارای موقعیت بهتر بوده و از سرمایه ها و منابع می باشد. در این ساحات تنوع محصولات دارای ارزش بلند و فرصت های درآمد غیر کشاورزی به مشاهده رسیده است.

ولیکن سایر بخش های مرکزی **هلمند** (بدون در نظر گرفتن سایر بخش های ولایت) از شرایط نا مساعد اقتصادی و امنیتی رنج می برد^{۷۸}. در حالیکه این بخش ها از امنیت خوب که ناشی از حضور بیشتر نیروی های امنیت ملی افغانستان و آیساف سود می برند، ولیکن یک تعداد اندک از خانواده ها توانسته اند تا از فواید اقتصادی استفاده ی بهینه نمایند. اکثریت ساحات از بازار شهری فرآورده های لشکرگاه و گرشک، قندهار، کابل و کویته که منابع سهل تر و ارزانتر به حساب می آیند فاصله دارند که یگانه استثنا فصل تجارت می باشد که محصولات ولایت هلمند که اکثرا شامل خربوزه و تربوز می شود قبل از محصولات سایر بخش های کشور پخته می شود. با کم بودن تقاضای بازار به میوه ها و سبزیجات، تنوع در زمینه اندک بوده است و این امر باعث تداوم وابستگی به محصولات دارای خطر اندک و ارزش کمتر شده است.

محصول گندم که در ۷۰ الی ۸۰ درصد اراضی کشت می شود نمیتواند منبع اصلی امرار معیشت قلمداد شود. منحصیث یک شاخص اولیه و خام، جدول ۳ درآمدی معادل به دالری را در صورتی که خانواده های سروی شده چهار ولایت در تمام اراضی خویش همواره گندم کشت کنند، نشان می دهد. باوجود این که در جدول فرضیه ساده ارائه شده است (بطور مثال، صرف در یک فصل در تمام اراضی گندم کشت)، و لیکن کمک می کند که بدانیم وابستگی مطلق به گندم نمیتواند یک ستراتیژی موثر معیشت برای خانواده های قلمداد شود.

جدول ۳: درآمد فرضی نقدی از اثر کشت گندم در تمام اراضی

ولایت	اوسط هکتار، اندازه، اشخاص	اوسط زمین، کشت شده، زمستان، جریب	اوسط محصولات، کیلوگرام/جریب	قیمت گندم به دالر امریکایی	درآمد ناشی از زمین به دالر	درآمد سرانه / روزانه به دالر امریکایی	درآمد سرانه / روزانه، سهم محصولات به دالر امریکایی
بلخ	۱۱	۲۱،۳	۵۶۰	۰،۲۷	۳،۲۵۳	۰،۸۱	۰،۴۱
بدخشان	۱۰	۸،۶	۴۴۱	۰،۳۰	۱،۱۳۳	۰،۳۱	۰،۱۶
هلمند	۱۲	۱۱،۹	۳۶۰	۰،۳۷	۱،۵۸۵	۰،۳۶	۰،۱۸
ننگرهار	۱۰	۶،۴	۶۶۵	۰،۲۶	۱،۱۰۷	۰،۳۰	۰،۱۵

درآمد ناخالص، بدون هیچ محصول دیگری، محاسبات دهقان که ۵۰/۵۰ درصد آن را با مالک زمین تقسیم می کند.

۷۷ با وجود اینکه ثروت منابع معدنی ولایت منبع بالقوه ی رشد و اشتغال به حساب می آید، لیکن عواملی چون حکومتداری و زیربنا ها رسمی سازی و مسلکی شدن استخراج که اکنون بطور غیر قانونی صورت می گیرد را به این زودی ها ناممکن کرده است. گفته شده است که ساکنین فیض آباد از قیمت گزاف برق جنراتوری (۵۰ افغانی در هر کیلو وات در فیض آباد که ۱۶ برابر بیشتر از قیمت آن در کابل است) را مانع جدی توسعه تجارت و صنایع به شمار می آورند.

۷۸ منسفیلد، "تمام شرط بندی ها متع اندا".

علاوه براین، در میان خانواده های که از مراکز مارکیت کار دورتر زندگی می کنند، فرصت های اندک یا اصلا هیچ درآمد خارج از کشاورزی فراهم نشده است. در سال های اخیر اکثریت خانواده ها از فروش مواشی و سایر دارایی های حاصلخیز به منظور رسیدگی به نیاز های مصرفی خویش گزارش داده اند.

موجودیت بیشتر نیرو های امنیتی در ساحه منحصیث یک شمشیر دو لبه عمل کرده است. در حالیکه نیروی های امنیتی باعث فراهم آوری امنیت بهتر در مناطق شده اند اما کشاورزان را از کشت کوکنار نیز مانع شده اند. بنابراین، بطور عموم مردم این ساحه از منع کشت کوکنار آسیب های را متحمل شده و شرایط اقتصادی آنها به وخامت گرائیده است. میتوان چنین استنباط کرد که در بعضی از موارد آنها نتوانسته اند از حضور دولت بهره مند شوند زیرا باوجود اینکه دولت توانسته است امنیت نسبی را بمیان آورد، اما بعضی از فرصت های اصلی معیشت را بدون ایجاد فرصت های جدید از بین برده است. یگانه استثناء در زمینه خانواده های بودند که درآمد ناشی از کوکنار را بالای وسایل حمل و نقل و سایر دارایی ها سرمایه گذاری کردند که نتوانسته است در رشد اقتصادی آنها مساعدت کمک کند.

سایر عوامل بازدارنده در بخش های مرکزی ولایت **هلمند** شامل روابط تیره با دولت، حضور متداوم طالبان، گزینه های اشتغال که غالبا به تجارت های کوچک و ثبت نام در صفوف نیروی های پولیس محلی (که صرفا به یک تعداد گروه های خاص که دارای پشتیبانی و حمایت اند، قابل دسترس می باشد) محدود می شود. و در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی قیمت محصولات مانند پنبه، جواری، لوبیا که به عوض کوکنار کشت شد کاهش یافته است. پاسخ دهندگان این گزارش ابزار داشته اند که از کمک های توسعه ای نیز توسط طبقه ی خاص و ممتاز شهری محروم شده اند.

به عبارت دیگر، خانواده ها همواره در دشت کوکنار کشت می کنند که در واقع یک منبع واکنش منفی ناشی از حضور نیروی های امنیتی است که کشت کوکنار را جلوگیری می کنند. در حالیکه محصولات کشت در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی کاهش یافته و این رقم در سال بعد به شدت پایین آمده بود، خانواده ها از سایر گزینه های استفاده می کردند و اکثریت خانواده ها میزان مجموعی کشتزار های خود را، کاهش دادند.

بر خلاف ساحات پایین ولایت ننگرهار که در فوق تذکر به عمل آمد، و در مسیر اصلی تجارت قرار گرفته است جایکه خانواده ها نتوانستند تا تولیدات زراعتی خویش را گسترش و متنوع نمایند و از تجارت و درآمد خارج از کشاورزی مستفید گردند، در بخش های روستایی خانواده های واقع در کوهستان ها نتوانستند از چنین فرصت ها استفاده به عمل آورند. در چنین مناطق خانواده ها بطور عموم با فروش دارایی های چون مواشی و اراضی قادر بودند تا زندگی خویش را به پیش ببرند و لیکن بعد از گذشت چندین سال این دارایی ها بخصوص به خانواده های فقیر ختم گردید. پاسخ دهندگان این گزارش کاهش در کمیت و کیفیت غذا، ناتوانی در پرداخت مصارف صحی، و گرفتن قروض و نیز مشکلات رسیدگی به مکلفیت های اجتماعی و فامیلی مانند ازدواج را مشاهده نموده اند. با محدود بودن گزینه ها، یک تعداد زیادی از مردان جوان مجبور گردیدند تا خطر پیوستن به اردو و پولیس ملی افغانستانستان را متقبل شوند.

خلاصه این که فراهم آوری فضای امن همراه با حضور بیشتر دولت، کارایی بهتر بازار های محصولات و دسترسی به درآمد خارج از کشاورزی تحت شرایط درست می تواند خانواده ها را از کشت کوکنار دور نگه دارد. مثال های مثبت در این زمینه شامل بخش های از ولسوالی های چمتال و بلخ و ولایت بلخ، بخش های از ولایت هلمند که در مجاورت ساحات شهرنشین لشکرگاه و گوشک قرار دارد و نیز بخش های از ولایت ننگرهار که در مجاورت مسیر تجاری کابل و پشاور قرار دارد که حد اقل قبل از اواخر ۲۰۱۰ از این حالت برخوردار بودند می شود. در صورتی که این شرایط عملی نشود، خانواده ها همواره با محصولات دارای ارزش اندک مانند گندم را کشت خواهند کرد و این امر باعث می شود تا آن ها دارایی های موثر و سودمند خویش را به معرض فروش قرار دهند.

۴. ۴ استفاده از رویکرد های اجباری

ستراتژی ملی کنترل مواد مخدر دولت افغانستان استفاده از رویکرد های اجباری مانند تخریب کشتزار های کوکنار را اجازه میدهد ولیکن مشخص کرده است که زمانی چنین روش ها استفاده شود که راه های بدیل معیشت برای کشاورزان فراهم باشد. در این تحقیق دریافت شده است که چنین روش های مفید و موثر می باشد و در صورتی که شرایط اقتصادی مشخص اجرا شود قابل تداوم نیز می باشد. در نبود چنین شرایطی، استفاده از رویکرد های اجباری می تواند نتایج معکوس داشته باشد و منجر به نتایج نامطلوب شود. در بخش های آتی بعضی از محرکه های مرتبط به رویکرد های اجباری مورد غور و بررسی قرار می گیرد.

۴. ۴. ۱ کاهش کوتاه مدت با استفاده از رویکرد های اجباری از طریق رهبران مقتدر و دارای انگیزه و با نیروی قوی

سرکوب و جلوگیری از کشت کوکنار حد اقل در کوتاه مدت از طریق استفاده از رویکرد های اجباری مانند تهدید به توقیف، آسیب فیزیکی یا تخریب مزارع کوکنار در بخش های که یک شخص قوی و مقدر که دارای نیرواست و یا می تواند نیروی کافی را جلب کند ممکن می باشد. عطا محمد نور والی ولایت بلخ و گل آغا شیرزی والی ولایت **ننگرهار** در زمینه ی پالیسی های ضد مواد مخدر شان منحصیث رهبران قوی مورد ستایش و تقدیر قرار گرفتند در حالی که هر دوی آن ها کشت کوکنار را با استفاده از روش های مختلف قهریه مانع شده اند. (قابل یاد آوری ایست که در متن تحقیق فعلی "رهبر قوی" لزوما به معنی "حکومت داری خوب" نیست).

در ولایت بلخ، استحکام کنترل بالای آن ولایت در سال ۲۰۰۴ بعد از سالها ستیزه و جدل با عبدالرشید دوستم، عطا محمد نور را در موقفی قرار داد تا خواسته های خود را از طریق تقرر و جایگزینی اشخاص وفادار به خود در اداره ی ولایت و ولسوالی ها، تثبیت کند. با حضور اندک نیروی های بین المللی در حوزه ی نسبت آرام شمال، عطا از این شبکه ها به منظور جلوگیری از کشت کوکنار استفاده کرد. آقای عطا دولت را در بعضی از موارد با در نظر داشت میزان قدرت الی ۲۰۱۳ میلادی، در یک فاصله قرار داد تا این که پروسه ی تخریب کشتزارهای کوکنار تحت نظارت نزدیک وی صورت گیرد. این امر باعث تضعیف و خراب شدن روابط فی بین اداره ی ولایت و سایر نهاد های دارای مسوولیت مبارزه با مواد مخدر شده است. طوری که در فوق تذکر داده شد، انگیزه ی آقای عطا صرفا به منظور این که یک شخص خوب به مشاهده برسد تا این که بتواند به اهداف بزرگتر سیاسی نایل آید، تمرکز یافته بود^{۷۹} و یا ممکن ناشی از علاقمندی وی مبنی بر دور نگه داشتن مخالفان وی در دسترسی به منابعی که از کوکنار حاصل می شود، باشد.^{۸۰}

در ولایت ننگرهار، آقای شیرزی از قوه قهریه دولت و نیروی نظامی ایالات متحده امریکا همراه با وعده های کمک های توسعه ای و شامل ساختن طبقه ی نخبه/ بزرگان روستایی برای ممانعت و جلوگیری از کوکنار از شروع سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ سال زراعتی استفاده به عمل آورد. اردوی ایالات متحده امریکا و کارمندان بخش ملکی آن مبارزه با ضد شورشگری را با مبارزه با مواد مخدر مدغم کرده و ابراز می داشتند که در وجود آقای شیرزی آن ها "یک رهبری را یافته اند که میتواند با وی کار کنند" را بخصوص در مناطق دارای ارتفاع بلند و ساحاتی که دسترسی به آن محدود می باشد که در آن دولت در امتداد تاریخ دارای حضور اندک بوده است و بنابراین ممانعت و جلوگیری از کشت کوکنار صرفا با حمایت نیروی های ایالات متحده امریکا و ابزار و منابع آن کشور ممکن بوده است. علاوه بر حمایت های نظامی، بعضی ها ابراز داشتند چون که آقای شیرزی در ولایت قندهار متولد شده است و یک بیرونی به حساب می آید، این امر وی را قادر ساخته که در مقابل کشت کوکنار در ننگرهار به شدت ایستادگی کند زیرا وی مطیع و مدیون شبکه های سیاسی محلی نشده است.^{۸۱}

در ولایت هلمند، کاهش شدید در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ در مغایرت با کاهش یک سوم سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ قرار دارد. کاهش قبلی از اثر تغییرات ناشی از تجارت بین گندم و کوکنار و نیز تولید بیش از حد کوکنار در جریان گسترش خشونت های سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ گردیده است رونما شد طوری که کاهش کوکنار بنابر افزایش حضور نیروی های امنیت ملی افغانستان و نظامیان بین المللی صورت گرفته است که از آن طریق به کشاورزان خاطر نشان شده است که دولت دارای ابزار توقف کشت کوکنار و مجازات کسانی که این حکم را نقض می کنند می است. آقای منگل از حمایت های قوی و گسترده جامعه جهانی بنابر تعهد وی به آجندای مبارزه با مواد مخدر برخوردار بود در حالی که گفته می شود که رییس جمهور کرزی از والی قبلی و رقیب آقای منگل، شیر محمد آخند زاده حمایت می کرد تا از این طریق موثریت و کارائی فعالیت های آقای منگل تحت تاثیر قرار گیرد.^{۸۲}

از سوی دیگر، در ولایت بدخشان یک رهبر مقتدر موجود نیست و ولایت مذکور از نظر جغرافیایی و سیاسی متشتت بوده طوری که قدرمندان محلی آن جا با هم در رقابت قرار دارند (اغلبا بالای درآمد ناشی از قاچاق مواد مخدر، قاچاق، و استخراج غیر قانونی معادن و سایر فعالیت های غیر مشروع). این موضوع کمک می کند تا بدانیم که چرا در ولایت مذکور کشت کوکنار از سال ۲۰۰۸ میلادی بدین سو که تقریبا عاری از کوکنار شده بود به تدریج افزایش یافته است. در آن زمان، قیمت کوکنار به حد نازل قرار داشت، محصولات سال قبل کم بود، و فرصت های شغلی خارج از کشاورزی برای کارگران در ولایت موجود بود که در واقع مجموعی از دلایلی بود که محصول فرصت قرار دادن اراضی را برای کشت کوکنار به هدف افزایش قیمت مساعد می کرد.^{۸۳} اکثر صاحب نظران بدین باور اند که حتی اگر در آن ولایت یک رهبر مقتدر حاکم می بود بنابر تشتت و قدرت سیاسی غیر رسمی زیر دستان، وی نمی توانست در زمینه موفقیت حاصل کند. به طور مثال، شهردار کنونی فیض آباد که یک قومندان قبلی جمعیت، موکل قبلی مارشال فهیم و برادر زاده ی برهان الدین ربانی می است و گفته می شود که دارای قدرت بیشتر از والی است و یک تعداد از اشخاص قدرتمند محلی با قدرتمندان در کابل و مناطق خویش، وابسته و در ارتباط هستند. یکی از بهترین مثال ها در این مورد را می توان از زلمی خان مجددی، قومندان پیشین جمعیت و از طرفداران جمعیت و عضو مجلس نمایندگان نام برد. به اساس بعضی از گزارش ها، یک (ولسوال پیشین) ولسوالی جرم در نظر داشت تا شفافیت و کیفیت حکومت داری را بهبود بخشد، ولیکن بنابر نفوذ زلمی خان که گفته می شود روزانه سه تا چهار بار از کابل به ولسوالی تلیفونی صحبت می کرد نتوانست آن اهداف را عملی سازد. طوری که در فوق تذکر به عمل رفت، باوجود ارقام به نشر رسیده در مورد ساحات تخریب شده کشت کوکنار، تحقیق ها ساحه نشان میدهند که پروسه ی تخریب غیر موثر بوده و توسط اشخاص ذینفع مدیریت شده است. بنابراین، خطر اندک متوجه کشاورزان شده است و کشت کوکنار در ولایت مذکور به شدت مشهود است.

از تجارب متفاوت در ولایت های نسبتا آرام و امن بلخ و بدخشان چنین استنباط می می شود که حضور دولت به تهیایی نمی تواند مانع کشت کوکنار شود. در حالی که پاسخ دهندگان در ولایت بلخ افزایش حضور دولت را منحنیت وسیله ی ممانعت و افزایش دسترسی به بازار های محصولات می دانستند، در ولایت بدخشان عناصر ضد دولت تا این اواخر حضور اندک داشتند و بنابراین نمی توانستند توانایی کارمندان دولت را در اجرای وظایف شان تحت شعاع قرار دهند. همان طوری که در جدول ۴ نشان داده شد، جایی که پولیس محلی افغانستان/ملیشا در مبارزه با

۷۹ دیپالی موخوپدیا، "تفنگ سالاران، والیان مقدر، و دولت در افغانستان"، (مطبعه دانشگاه کامبریج، ۲۰۱۴)

۸۰ منسفیلد، "دوستان ما در شمال". بعضی ها گفتند که نزدیکی با شبکه های ترافیکی کوکنار وی را قادر نموده است تا آنها را خاموش نگه دارد. این مثال ایست از تیوری "برای دستگیری دزد، دزد را مقرر کن".

۸۱ در طول تاریخ افغانستان در انتخاب "شخص محلی در مقابل بیرونی" در تفرقات حکومت های محلی دست و پنجه نرم کرده است. قبل از جنگ ها، والی ها اغلبا از سایر بخش های کشور مقرر می گردیدند و تیوری بیرونی بودن کمتر با منافع محلی در تضاد قرار داشت. این موضوع در محیط های که قدرت غیر متمرکز می باشد و وابسته به روابط شخصی اند دارای موثریت کمتر می باشد.

۸۲ برای جزئیات بحث پیرامون دینامیک در ولایت های ننگرهار و هلمند، تحقیق منسفیلد "تمام شرط ها ختم گردیده است" را نگاه کند.

۸۳ دیوید منسفیلد، "حکومت داری، امنیت و رشد اقتصادی: عوامل کشت کوکنار در ولسوالی های جرم و بهارک در بدخشان" (کابل: جی تی زید، ۲۰۰۷)

مواد مخدر فعالیت داشتند (به طور مثال در ولایت های بلخ و هلمند)، نتایج غیر قابل پیشبینی بوده است، زیرا اعضای آن شامل گروه های بودند که بیرونی قلمداد شده و در مخالفت با مردم محل قرار داشتند. در بعضی موارد، شوق و علاقه ی بیش از حد آن ها باعث ایجاد خشم شده و در بعضی حالات خود آن ها در کشت مواد مخدر مستقیم یا غیر مستقیم دخیل شده اند.

در اکثریت موارد، قوه قهریه همراه با وعده های کمک های توسعه ای مورد استفاده قرار گرفته است که گذار از کشت کوکنار به کشت مشروع سهولت پیدا کند. طوری که در بخش های ۴،۲،۳ و ۴،۳،۳ بررسی شد، این کمک ها نتایج متفاوت را در بر داشته است. کشاورزان در ساحه همواره پرهیز داشتند زیرا معتقد بودند که کمک ها اندک بوده و حتی موجود وجود ندارد. با وجود این که تشخیص شکایات مستند و موثق با سنجه ها فوق العاده دشوار می باشد و یا این که آیا صحبت در مورد عدم اجرای وعده های داده شده صرفا دلیل ایست برای تداوم کشت کوکنار یک امر دشوار به حساب می آید، ولیکن واضح است که در اکثر اماکن، میزان و انواع فعالیت ها نتوانسته تا قسمت های وسیع اقتصاد را بهبود بخشد که این خود یک توقع گزاف و بی مورد به حساب می آید.

۲. ۴. ۴. استفاده از رویکرد های اجباری تابع سرنگونی و فرسایش

در حالی که رهبری قوی و مقتدر با استفاده از رویکرد های اجباری می تواند مانع کشت کوکنار و، ولی در مورد مدت زمان و تداوم پذیری کاهش غیر داوطلبانه ی کشت کوکنار دارای محدودیت می باشد. حتی ممانعت طالبان از کشت کوکنار در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ که با استفاده قوه قهریه شدید صورت گرفت بنابر فشار های غیر بازدارنده احتمالا دچار ورشکستگی شد و در واقع نشانه های قبل از فصل کشت ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در ولایاتی چون **ننگرهار** وجود داشت که این امر مواجه به ورشکستگی می باشد. استفاده از رویکرد های اجباری بی ثبات است زیرا به اساس این روش ها، ضروریات سیاسی و اقتصادی را در نظر نمی گیرد.^{۸۴} باز کشت مجدد کشت کوکنار در مناطق قدیمی نشان میدهد که تحول بطور متداوم صورت نگرفته است.

جلوگیری از کشت کوکنار زمانی می تواند موثر تمام شود که تمام طرفین بتوانند در آن سهم داشته شند زیرا در افغانستان حتی ممانعت از کشت کوکنار با استفاده از رویکرد های اجباری به گفتگو ها وابسته است. بر عکس، موثریت جلوگیری زمانی که عوامل خارجی سیاسی و اقتصادی از بین برود و موافقت های سیاسی دارای جایگاه نباشد. زیرا در افغانستان این طور نیست که قدرت غیر قابل مقابله باشد، روابط قدرت اکثرا بی ثبات بوده و بنابراین جلوگیری از کشت کوکنار به احتمال زیاد در نهایت به شکست مواجه می شود. اهمیت عوامل سیاسی و حکومت داری در بخش ۴،۲،۳ مورد غور و بررسی قرار گرفت.

در ولایت **ننگرهار**، جلوگیری از کشت کوکنار بیشتر از یک الی دو سال دوام نیافته است (بطور مثال، سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱ دوره ی طالبان، و ۲۰۰۴-۲۰۰۵ جلوگیری از کشت کوکنار که توسط حاجی دین محمد). طوری که در بخش ۴،۲،۳ مورد غور و تحلیل قرار گرفت، جلوگیری از کشت کوکنار که توسط آقای شیرزی به ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ اعلان شد از اثر چندین عامل صورت گرفت. یکی از اساسی ترین عوامل عدم علاقمندی ناشی از تخریب اجباری که به اساس موانع اقتصادی در جریان سه سال متوالی بخصوص در ساحاتی که مردم به راه های بدیل کشت کوکنار دسترسی نداشته اند به میان آمده است. والی از رویکرد های اجباری قابل دسترس مانند تهدید استفاده از نیرو های نظامی ایالات متحده امریکا بیش از حد استفاده کرد که خود هم در کشت کوکنار و نیز بالای امنیت تأثیراتی را به جای گذاشت. مردم نخبه ی روستایی که مسوولیت اجرای فعالیت های جلوگیری از کشت کوکنار را داشتند در میان والی (و حامیان مسلح خارجی وی)، اشخاص محلی متخاصم، و عناصر ضد دولت قرار گرفتند، طوری که آن ها باید نتیجه ی فشار این اشخاص به منظور نگهداشت رهبری خویش را حاصل کنند.^{۸۵}

افزایش تعداد خانواده هایی که در ولایت **ننگرهار** کوکنار کشت می کنند و درصد اراضی که برای این امر در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ تخصیص داده شده است از اثر ارزیابی مجدد مردم از توانایی دولت در تخریب زمین های کوکنار صورت گرفته است. بعد از این که مردم شناسایی کردند که دولت دارای توانایی کمتر در تخریب زمین های کوکنار است، کشاورزان بدین باور رسیدند که احتمال از بین رفتن و آسیب دیدن کوکنار آن ها کمتر می باشد. این فرضیه به اساس تجربه کمپاین تخریب کوکنار که سال قبل براه انداخته شده که در آن مقاومت شدید باعث کشته شدن ۴۸ نفر در خوگیانی شد و تخریب زمین های کوکنار بسیار محدود بود که ممکن این میزان تخریب اندک در مناطق بالایی صورت گرفته باشد. بادر نظر داشت شرایط و وخیم شدن وضعیت عمومی امنیت، کشاورزان اعتماد حاصل کردند که آن ها می توانند بدون هیچ نوع هراس از نتایج غیر مطلوب و جدی، کوکنار کشت کنند. در ولسوالی خوگیانی در اوایل سال ۲۰۱۳، رفع محدودیت و ممانعت در کشت کوکنار زمانی تأیید شد که یک قومندان اردوی ملی افغانستان در مقابل انجام عملیات ضد شورش حمایت مردم محل را جلب کرد. این عملیات در صورتی که با تخریب زمین های کوکنار همراه می بود صورت نمی پذیرفت که خود یک مثال خوب از اهداف متضاد با هم به حساب می آید.

در عین حال، گفته می شود آقای منگل والی ولایت **هلمند** از سال ۲۰۰۷ به بعد در تخریب کوکنار به شدت عمل کرده است، بخصوص در مناطق دشت واقع در شمال کانال بغرا که تسلط دولت ضعیف و یا غیر محسوس بوده است و بنابراین ثبات مناطق بخش های امن ساحه ی کانال را به خطر انداخته است. گزارش شده است که در ولسوالی ناد علی محصولات کوکنار با اشخاصی که با طالبان در ارتباط استند بنابر هراس از حملات طالبان بالایی پولیس تقسیم شده است.

۸۴ برای جستجوی حقیقت از ۲۰۰۱ بدین سو، در مورد پالیسی طالبان و جلوگیری از کشت کوکنار آگاهی کافی وجود ندارد. تحقیقی که توسط دیوید منسفیلد و آدم پین زیرنام "مبارزه با مواد مخدر در افغانستان: شکست کامیابی؟" (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۸). به طور کلی، در موثریت ممانعت از کشت کوکنار مبالغه صورت گرفته است. علاوه بر این، هدف سیاسی اکثریت اقدامات بازدارنده ی کشت کوکنار آگاهی ها در این مورد رانیز باید به خاطر داشت. تحقیق دیوید منسفیلد را زیرنام "دولت سازی روی ریگ: چگونه مواد مخدر و پالیسی مواد مخدر دولت سازی در افغانستان را تحکیم بخشید" را ببینید.

۸۵ برای بحث های بیشتر در مورد جلوگیری از کشت کوکنار در ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در ولایت ننگرهار، تحقیق منسفیلد تحت نام "تمام شرط ها خاموش شده اند" را مطالعه کنید.

بنابر وابستگی سازش با مردم محل، حتی اجباری، عدم تعهد بزرگان محل و سایر رهبران باعث کاهش و از بین رفتن معیارهای جلوگیری از کشت کوکنار شده است. در ولایت های **ننگرهار** و **بدخشان** بخصوص در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، گزارش های موثق و دقیق در مورد آکراه و بازی دوگانه ی بزرگان قومی پیرامون آجدای مبارزه با مواد مخدر ثبت شده است. در هر دو ولایت متذکره وعده های که به مسولان داده شده بود در روستاها و ادارات ولسوالی ناپدید شد. در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، مردم نخبه ی ولایت **ننگرهار** که قبلا در زمینه ی جلوگیری از کشت کوکنار مساعدت کرده بودند به محض وخامت اوضاع امنیتی و سیاسی و در مخاطره دیدن شهرت شان علاقمندی خود را از دست داده (بخش ۳، ۲، ۴ را ملاحظه کنید). بزرگان و کارمندان محل باید بین موضوع لازمی انتخاب کنند: گزارش و نمایش شواهد مبنی بر این که معیارهای قطعی عملی شده است و در عین حال مردم ایکه در محلات زندگی می کنند را به انزوا قرار ندهند. در نتیجه، دیده شده است که اکثریت آن ها بعداز مفاهمه با مردم محل به تخریب مزارع اقدام کردند. طوری که یکی از کارمندان امنیتی محلی گفت، "من در مورد تخریب اندک و بزرگ نشان دادن آن مهارت دارم"^{۸۶}.

نقش بزرگان با در نظر داشت شرایط محل و اوضاع کنونی سیاسی متفاوت است. در چمتال ولایت (بلخ)، اکثریت پاسخ دهندگان ابراز داشتند که بزرگان قومی هیچ نقشی در انصراف کشت کوکنار بازی نکرده اند. یک تعداد از پاسخ دهندگان در مورد نقشی که بزرگان قومی ایفا می کنند شک داشتند باوجود این که آن ها در دفتر ولایت در یک جلسه ی فرا خوانده شدند و موافقت کردند که به مردم محل خویش خاطر نشان کنند که کشت کوکنار هم غیر قانونی است و مطابق احکام اسلامی حرام می باشد. به اساس گفته های یکی از کشاورزان که خود کوکنار کشت می کرد، "در مجاورت ولسوالی بلخ تمام پاسخ دهندگان گفتند که بزرگان قومی در انصراف مردم از کشت کوکنار نقش فعالی را ایفا بازی کرده اند."^{۸۷}

دلسردی بزرگان قومی تعجب آور نیست زیرا که کشاورزان بخشی از مناطق آن ها به حساب می آیند و بنابراین در صورتی که آن ها بر خلاف منافع شان که مشابه به منافع دولت نمی نیست به شدت عمل کنند، آنها با از دست دادن قدرت، موقف و کنترل خویش را به مخاطره می اندازند. طوری که یکی از کشاورزان ولایت **بدخشان** که در سال ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ کشت کوکنار را آغاز کرد ابراز داشت که، "از رییس شورا در مورد این که من نباید کوکنار کشت کنم چیزی را نشنیده ام. وی نقشی را در زمینه بازی نمی کند و در صورتی که نقشی را بازی کند، وی در کنار مردم قرار می گیرد."^{۸۸} قاعده ی مذکور خلاف منافع دولت و مردم به شکل روشن آن قرار دارد. یکی از استادان و کشاورزان ولایت بدخشان اظهار داشت، "باید مطابق به عرف و سنت های منطقه عمل کرد: دنگ دنگ، همه یک رنگ."^{۸۹}

دیده می شود که در سطح خانواده کشاورزان به خطرها و میزان باز پرداخت همسایه های خویش توجه می کنند. به طور مثال، کشاورزان ولایت **بدخشان** بدین نظر بودند که چون همسایه ها کوکنار کشت می کنند و از درآمد بلند و زندگی خوب لذت می برند، در صورتیکه آنها کوکنار کشت نمایند، کودن به نظر می رسند. یکی از کشاورزان که دارای سه جریب زمین است و نیم جریب آن را از کشت جو به کوکنار مبدل کرده است چنین می گوید: "سال قبل من کوکنار کشت نکرده بودم اما دیگران این کار را کردند و بنابراین امسال من نیز این کار را انجام دادم."^{۹۰}

۴. ۴. ۳ استفاده از رویکرد های اجباری دارای نتایج نا مطلوب در سطح خانواده و بلندتر از آن

با وجود این که تمام پالیسی ها ممکن دارای نتایج نا مطلوب باشد، این امر بخصوص در مورد استفاده از رویکرد های اجباری مانند اجبار برای جلوگیری از کشت درست و عملی می باشد. علاوه بر عدم قابلیت تداوم، چنین روش ها باعث نتایج غیر قابل پیش بینی در بخش های آسیب دیده می تواند شود مانند: رکود عمومی اقتصادی، جابجایی و گسترش کشت کوکنار در سایر بخش ها، افزایش فقر و نداشتن زمین، حمایت بیشتر از طالبان و سایر گروه های مخالف دولت که به ضرر دولت تمام گردیده است و نیز باعث افزایش فشار بالای منابع معدنی شده است.^{۹۱}

تأثیرات عمومی اقتصادی

عدم موجودیت معلومات اقتصادی به طور نظام مند در سطح ولایت و ولسوالی جمع آوری دقیق اثرات اقتصادی را غیر ممکن ساخته است. اما، طوری که در بخش ۲، ۲، ۴، مورد بحث قرار گرفت، تحقیق ها ساحوی نشان میدهند که در بخش های از حد اقل سه ولایت، ممانعت و جلوگیری از کشت کوکنار منجر به رکود اقتصاد محلی به طور مستقیم شده است طوری که این امر منجر به کاهش تقاضا در استخدام کارگران محلی برای کشت و به طور غیر مستقیم باعث کاهش فعالیت های اقتصادی شده است. در حالی که فشار های اندک در سال های اخیر بالای **بدخشان** وجود داشته است، کسانی که حتی به طور مستقیم در تجارت و کشت کوکنار دخیل نبودند در سال های تولید که در ۲۰۰۶ پایان می یابد مشتقانه سهم داشتند و پاسخ دهندگان در ولایت **ننگرهار** از سال های کوکنار یاد آوری می کردند. در هر دو ولایت مذکور کسانی که از رکود اقتصادی شاکی بودند شامل دکان داران، مالکان رستوران ها که از گردش پول در اقتصادی محلی بهره مند می شدند. یکی از دکانداران ولایت **بدخشان**

۸۶ مصاحبه با کارمند امنیت، ولسوالی آچین، اپریل ۲۰۱۳، تحقیق فیشستین، «از بد بدترش کردند»، صفحه ۲۹.

۸۷ مصاحبه با دهقان، ولسوالی چمتال، می ۲۰۱۳.

۸۸ مصاحبه ی با دهقان، ولسوالی جرم، می ۲۰۱۳ که در تحقیق فیشستین "زمینه های گسترش کشت کوکنار"، صفحه ۳۶

۸۹ مصاحبه با دهقان، ولسوالی خاش، می ۲۰۱۳. دنگ دنگ، همه یک رنگ یک ضرب المثل می باشد که به معنی همه دارای یک رنگ و ظاهر باشند افاده می شود.

۹۰ مصاحبه با دهقان، ولسوالی جرم، جون ۲۰۱۳.

۹۱ چووی تفاوت میان انواع مختلف "نتایج نامطلوب" را بشمول مثبت در مقابل منفی و نیز مستقیم در مقابل متوازی را تصریح می کند. وی چنین ابراز می دارد که با در نظر داشت تجارب بین المللی در زمینه مبارزه با مواد مخدر، نتایج غیر مطلوب را می توان پیش بینی کرد. وی چنین ابرازی می دارد که نتایج غیر مطلوب در معایرت با نتایج اصلی قابل انتظار قرار می گیرد و تفاوت بین نتایج غیر مطلوب یک عملکرد را از نتایج قابل انتظار فعالیت متمایز می سازد. مهمتر از همه، وی نتایج غیر مطلوب را از شکست برای نیل به یک هدف قابل انتظار متمایز می سازد. تحقیقی به نام "نوع شناسی نتایج غیر مطلوب" نوشته ی چووی را ملاحظه کنید. اصطلاح "نتایج غیر مطلوب" به نتایج نا خوشایند مستقیم و غیر مستقیم معنی می دهد.

چنین گفت:

در زمان کشت کوکنار، دو تا سه سال قبل، من هر ده روز اجناس را از مزار انتقال می دادم و من دو شخص (دو کس) را در دکان داشتم که کار کنند. حالا من هر ۴۰ روز آن جا می روم. در آن زمان، مرد و زن، خورد و کوچک، هر طرف کوکنار را انتقال می دادند و از آن برای خرید اجناس خانواده استفاده می کردند. آن روزها من ۵ هزار افغانی فایده می کردم. مردم پول و دکان کوکنار داشتند. در زمستان آن ها از آن جهت خریداری "اجناس" استفاده می کردند. در صورتی که آن ها قرضدار می بودند، قرض ها را یا از طریق پول یا اجناس حل و فصل می پرداختند. کار برای مردم دارای زمین، زمین های اندک، زنان، دختران، اطفال و زنان مسن وجود داشت. مردم برای کار به پاکستان نمی رفتند.^{۹۲}

در **هلمند**، کشت محصولات دارای خطر و باز دهی اندک در بخش های از ساحه ی فرماندهی کانال بغرا (در پاسخ به جلوگیری کشت کوکنار ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸) باعث رکود فعالیت های اقتصادی شده است. مورد مذکور در میان اشخاص غیر دهقان نیز اتفاق افتاده است باوجود این که تأثیرات آن بنابر تریق کمک های خارجی کاهش یافته است. رکود اقتصادی در ولایت هلمند از رکود اقتصادی سایر بخش ها که از اثر محصولات اندک در سال ۲۰۱۱-۱۲ ناشی شده است مجزا می باشد، با وجود این که هر دو تأثیرات منفی اقتصادی را در بر دارد. در عین حال، در ساحات دارای احتمال بازدهی کمتر ولایت **ننگرهار**، در بخش های که موقعیت و منابع به خانواده ها اجازه نداد تا در مقابل از دست دادن درآمد کوکنار مقابله کنند. ولی در سایر بخش های جلال آباد، ریزش کمک های ایالات متحده امریکا میزان تأثیرات منفی نسبی ناشی از جلوگیری از کشت کوکنار سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ را مرفوع کرده است. در این مدت زمان، علاوه بر تأثیرات مستقیم که برکشت کوکنار و کارگری در مناطق دور افتاده داشته است، رکود عمومی جدی بنابر کاهش درآمد عرضه شدنی و رکود دستمزد، لباس، غذا، اجناس برقی و موتوسایکل در تناسب دوره های که کوکنار گسترش می یافت جدی تر بوده است.^{۹۳} در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، تأثیرات مجموعی بالای اقتصاد ناشی از جلوگیری از کشت ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در ولسوالی های کوهستانی جنوب باعث این گردید که مردم در مقابل تخریب زمین کوکنار مقاومت کنند. تمام این مثال ها به طور مفصل در بحث تکثیر کنندگان محلی بخش ۴،۲،۲. مورد غور و بررسی قرار گرفته است.

تغییر مکان و تمرکز کشت^{۹۴}

جلوگیری از کشت کوکنار در ساحه تحت حاکمیت دولت در منطقه ی فرماندهی کانال بغرا در مطابقت با برنامه ی غذایی حوزوی هلمند^{۹۵} در سال ۲۰۰۸ باعث کاهش یک سوم کشت کوکنار در آن منطقه در سال بعد شد. تحقیق های ساحوی نشان می دهند که این امر به طور مستقیم در بخش های از دشت شمال بغرا که تحت حاکمیت دولت قرار ندارد نیز در ارتباط است. پروسه های اجتماعی و اقتصادی که در حال حاضر به اساس برنامه ی غذایی اجرا می شود (که در بخش بعدی به جزئیات مورد بحث قرار می گیرد) مردم را ترغیب می کند که در دشت نقل مکان کنند زیرا آن جا قیمت کوکنار (بعد از سال ۲۰۱۰) بلند است و به کشاورزان اجازه داده شده است تا تاسیسات کشت مجدد را آغاز کنند (وسایل آبیاری، دیزل، وغیره). الی سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، کوکنار طور گسترده کشت می شد و در اکثریت موارد یک نوع در دشت کشت می شد که این خود باعث تولید گسترده کوکنار شد.

درآمد بلند کشت کوکنار به خانواده های که اراضی را در دشت به دست آورده بودند فرصت آن را مساعد ساخت که منطقه ی مذکور را با اعمار ساختمان ها، چاردیواری ها، و سایر تسهیلات بهبود ببخشند و به اشخاصی که دارای اراضی اندک یا بدون زمین می باشند برای نخستین بار زمین خریداری کنند. انتقال ساکنین به منطقه ی دشت و روابط ناشی از اراضی که از موجودیت کارگر با دستمزد بالا بنابر تغییر محصولات مستلزم کارگر کمتر در منطقه ی کانال که توسط پالیسی های برنامه ی غذایی حوزوی متأثر شده است. در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، تمام خانواده های سروی شده در منطقه دشت ابراز داشتند که حد اقل ۶۰ درصد اراضی خویش را کوکنار کشت کرده اند و بیشتر از دو سوم آن ها در دشت صرفا کوکنار کشت کرده اند که دشت مذکور به نام دشت تریاک مسما شده است عدم حضور دولت کشت کوکنار را ممکن کرده است در حالی که شرایط سخت اقتصادی آن را لازمی کرده است. در نهایت، موضوع این که کشت کوکنار در حوزه ی غذایی و افزایش آن به ۵۰ درصد بعد از تکمیل پروژه خود باعث ایجاد سوالات بیشتر می شود.

فشار جهت افزایش محصولات کوکنار در شرایط سخت فزینی و اقتصادی منجر به افزایش تولیدات و کاهش مصارف فعالیت های زراعتی شده است. این فعالیت ها شامل واتر پمپ های آبی و جنراتور ها از پاکستان و چین؛ مواد علف کش از پاکستان، چین، و ایران و قاب های برق حرارتی از پاکستان و چین می شود. مواد علف کش باعث جایگزینی کارگران می شود زیرا یک بار استفاده از آن جایگزین کارگران می شود که برای سه بار برداشتن خرمن استفاده کردند. این امر در منطقه دشت که دارای کارگر اندک می باشد فرصت خوب به حساب می آید زیرا اعضای خانواده ها را آزاد کرده و ضرورت استخدام کارگران خارج از منطقه را کاهش می دهد.^{۹۶} میزان اراضی در منطقه ی دشت بیشتر می باشد و برای مالکان زمین تحویل زمین برای کشتندی می تواند منجر به کاهش قیمت ها شود.

۹۲ مصاحبه ی با دکاندار، ولسوالی جرم، می ۲۰۱۲ که در تحقیق فیشستین تحت نام "اندکی عاری عاری کشت کوکنار و اندکی محو آن" نشر گردیده است.

۹۳ منسفیلد، "منفور یا فقر؟"

۹۴ برای بحث مفصل در مورد دینامیک جلوگیری از کشت کوکنار در هلمند که در این و بخش آتی ارائه شده است، تحقیق منسفیلد تحت نام "از بد بدترش ساختند" را مطالعه نمایید.

۹۵ برنامه ی غذایی حوزوی هلمند تحت سرپرستی گلاب منگل والی هلمند قرار داشته و توسط ایالات متحده امریکا و پادشاهی متحده تمویل و حمایت تخنیکی صورت می گرفت. هدف برنامه ی مذکور مبارزه با مواد مخدر از طریق کارزار های آگاهی عامه و معلوماتی، توزیع تخم های اصلاح شده گندم و کود کیمیاوی و نیز تخم های دارای ارزش باغداری و سایر محصولات با قیمت نازل دارای اعانه درخش ولسوالی بوده است. تحقیق دوید منسفیلد، و دیگران را تحت نام "مدیریت خطرات همزمان و تکراری" مطالعه نمایید.

۹۶ با در نظر داشت نبود نظارت و آگاهی در مورد عوارض جانبی مواد علف کش، یکی از عوامل منفی خارجی می تواند مسایل صحتی عامه به حساب آید.

در حالی که نو آوری و ابتکار که بتواند باعث افزایش تولیدات و کاهش مصارف شود یک موضوع خارجی مثبت ناشی از مهاجرت در منطقه دشت گردد، پروسه ی مذکور ممکن دارای تاثیرات منفی ناشی از تهدید کشت کوکنار و تخصصی شدن آن شود.^{۹۷} طوری که در بخش های بعدی مورد بحث قرار می گیرد، باوجود این که کشاورزان از تکنالوژی دارای مصرف کم استفاده می کنند، مصارف تولید در حال حاضر بلند است و بنابراین باعث ادامه ی انصراف از کشت کوکنار می شود.

افزایش فقر و بی زمینی در میان گروه های خاص مردم

در حوزه غذایی هلمند در حالی که بعضی از خانواده های دارای سرمایه و منابع توانستند به فعالیت های مشروع و قانونی دست بزنند و در واقع بعداز جلوگیری از کشت کوکنار در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ موفق شوند، سایر گروه ها بخصوص مردم بی زمین و دارای زمین اندک بدین موفقیت نایل نشده اند. (بخش ۴،۳،۳ را ملاحظه کنید). تغییر جهت اجباری از کشت کوکنار به محصولاتی مانند گندم که کار کمتر را می طلبد باعث اتفاقاتی شده است که منجر به کاهش اراضی موجود برای کشتندگی یا اجاره زمین گردیده است که خود اشخاص بی زمین و دارای اراضی اندک که به آن متکی می باشند را متضرر کرده است. این امر باعث کاهش میزان گندم گردیده شده و مذاکره کشتمندان با صاحبان زمین بخصوص کسانی که به جز از زمین های خویش هیچ چیز دیگری را ندارند که از آن امرار معیشت کنند را متضرر کرده است.

زیرا که اشخاص بی زمین و دارای زمین اندک واجد شرایط کمک های توسعه ای زراعتی نمی باشند بنابر عدم تصاحب زمین یا بخاطر این که در اخیر سلسله مراتب اجتماعی قرار گرفتن، آنها در موقف ضعیف مذاکره و گفتگو قرار داشته اند^{۹۸} باعث می شود که آنها از سایر کمک ها مانند دسترسی به پول برای کار، غذا برای کار، و توزیع مواد محروم شوند. لست واجد شرایط توسط ملک ها^{۹۹} یا بزرگان روستاهای بیشتر کنترل می شود و آن ها متهم اند که این مزیت ها را به خویشاوندان و اقارب خویش و نیز به شبکه های حمایت گر توزیع می کنند. در نهایت اکثریت فقرا که خود کشت و کار نکرده اند از اثر کاهش کارگر که در گذشته برای نیشت زدن و چیدن علف های هرزه به کار گرفته می شدند متضرر می شدند.

بعداز آغاز برنامه ی غذایی حوزوی در سال ۲۰۰۸، کشت کوکنار در دشت افزایش یافت. فیصدی پاسخ دهندگان در دشت که یا کشتند یا اجاره نشین بودند سه برابر شده است در حالی که هیچ یک از آن ها مالک زمین نبودند که این امر نشان میدهد که مردم آن منطقه فقیر نشین و بطور کوتاه مدت آن جا مسکن گزین می باشند. مصاحبه با مردم بی زمین یا دارای زمین اندک نشان می دهد که کوچ کردن آن ها از منطقه کانال به دشت از اثر نا امنی مزمین و گسترش جلوگیری کشت کوکنار در مناطق تحت حاکمیت دولت شده است که در اکثریت مواقع خانواده ها دارای گزینه ی دیگری نبودند مگر این که صرف در آن جا کوچ کنند تا این که به زمین دسترسی داشته باشند. کشتمندان و اجاره نشینان غالباً سهم کمتر محصولات کوکنار (یک چهارم) در مقایسه ی مقداری که آن ها قبلاً از ساحه کانال (یک سوم) دریافت می کنند زیرا آن ها نمی توانند مصارف سوخت و سایر مصارف که در دشت لازم و اما در منطقه ی مسکونی قدیمی آن ها غیر ضروری بود را ارائه کنند و چون که آن ها دارای فرصت ها و گزینه های دیگر معیشت نبودند مجبوراً با مالکان زمین مصالحه کنند.^{۱۰۰} بعضی از کشاورزان در منطقه ی دشت بنابر ارزان قیمت بودن زمین در آن جا جلب توجه می می کردند ولیکن بعد دریافتند که هزینه ی سرمایه برای حفر چاه عمیق و خرید جنراتور و واتر پمپ مصارف اندک زمین را تحت شعاع قرار داده و بنابراین کشت محصولاتی مانند گندم را غیر متحمل کرده است.

ناکامی محصولات کشت کوکنار در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ کشاورزان دشت را به شدت متضرر ساخت که به اثر آن امنیت غذایی آن ها به معرض خطر قرار گرفت و بخصوص کشتمندان آسیب پذیر بوده اند. به طور مثال، یک خانواده ی کشتمند با داشتن اوسط اراضی و خانواده ی متوسط با کشت یک نوع محصول در حدود ۰،۷۹ دالر امریکایی را روزانه بعد از مصارف و سهم مالک زمین دریافت می کردند. این مقدار درآمد خانواده ها را تحت حد اقل میزان پیشنهاد شده ی ضرورت غذایی ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی (NRVA) قرار می دهد. محصولات اندک اخیر نگرانی های را در میان کشاورزان مینی بر این که حاصلات آن ها کمتر می گردد به میان آورده است. علی رغم این که اکثریت کشاورزان کاهش کوکنار را از اثر استفاده از سم پاشی که توسط ایالات متحده امریکا صورت گرفت می دانند ولیکن این امر از اثر کشت یک نوع محصول که در ساحه دشت لازم پنداشته می شود به وجود آمده است. در یک محیط آرام و بی خطر، کشاورزان ممکن از روش های معقول مانند کشت انواع محصولات و شخم بهره مند شوند.

۹۷ روایت مینی بر این که بارون های مواد مخدر باعث تقویت تولیدات و بازدهی می شود رفتار فعالانه کشاورزان که در جستجوی افزایش درآمد و راه های کاهش مصارف تولیدات استند چشم پوشی می کند. موضوع مذکور ترویج زراعتی که در هلمند (و سایر بخش های افغانستان) قبل از جنگ و در جریان جنگ توسط نهاد های کمک کننده و نیز انتقال و استفاده تکنالوژی از کشور های همسایه مورد استفاده قرار گرفت را نیز در نظر نمی گیرد. یک نقش اضافی توسط دکانداران و تاجران متشبث که از فرصت های به میان آمده با استفاده از نو آوری های تکنالوژی مانند حفر عمیق و استفاده از مواد علف کش به اساس تجارب حاصله از بلوچستان حاصل شده بازی شده است. علی رغم این که اشخاص ثروتمند (مانند قاچاقچیان مواد مخدر) ممکن دارای ثروت ی باشند که بتوانند تجارت های که بتواند اسباب را وارد کنند، کشاورزان خود دارای انگیزه های کافی جهت جستجوی تخنیک های بازدهی بلند هستند.

۹۸ در سایر ولایات مالکیت زمین هم در دریافت کمک های توسعه ای و نیز گفتگو در مورد یک فعالیت با مالکیت زمین یک سد به حساب می آمد. طوری که یکی از کشاورزان در ولایت بلخ گزارش داد، "تخم های اصلاح شده گندم در ساحه منتقل شد، مگر صرف به رییس شورا و کشاورزان دارای نفوذ داده شده است؛ آن ها تخم ها را به مردم برای کشت و کار نمی دهند زیرا خود آن کار را انجام میدهند." (مصاحبه ی با دهقان، ولسوالی بلخ، می ۲۰۱۳). یک کشتمند دیگر در قریه مجاور گفت که مالک زمین های وی یک بسته ی از تخم های اصلاح شده دارای کیفیت بلند را دریافت کرده است و اجازت داشت که در صورتی که خود آن را دریافت می کرد، میتوانست سهم ۵۰/۵۰ زمین را دریافت کند به تناسب ۲۵ فیصد که در نهایت دریافت می کند زیرا خود چیزی برای پیشنهاد نداشته است.

۹۹ بزرگان محلی یا رهبر قومی که منجبت میانجی میان دولت و منطقه تعیین شده است. فساد در جوامع روستایی سنتی و نیز سلطه ی رهبران مسلح نسل نو از دوران جهاد سیستم ملک را تضعیف کرده است. با در نظر داشت نقش آن ها بین دولت و مردم، اکثریت ملک ها فاسد در نظر می آیند که این امر تعجب آور نمی نیست.

۱۰۰ بعضی از کشاورزان گفتند که علاوه بر عدم مالکیت به زمین زراعتی، نداشتن منزل نیز خانواده ها را به یک موقف نداشتن برتری در گفتگو و مذاکره در مورد موافقت نامه ی اجاره با مالکان زمین قرار داده است و بنابراین در معرض فقر بیشتر قرار گرفته اند. تحقیق لیز الدین ویلی، "روابط زمین های روستایی در منازعه: یک راه پیشرفت" را ملاحظه نمایین.

اکثریت اشخاص شامل این گروه ابراز داشتند که آن‌ها در نظر دارند تا در سایر مناطق **هلمند** یا حتی ممکن در ولایت همجوار فراه مهاجرت کنند تا این که بتوانند آزادانه کونکار کشت کنند و سایر جاهایی که محصولات آن‌ها کمتر از ساحه دشت نباشد. علی‌رغم این که مالکان زمین نسبت به کشتمندها از وضعیت بهتری برخوردار بودند و دارای پول و ثروت تولیدی بیشتر در مقایسه به دو سال قبل بودند که محصولات کم شد. درآمد کشت کونکار در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ برای امرار معیشت آن‌ها کافی به نظر نمی‌رسید. بطور مثال، خانواده‌های مالک زمین که کارگر را استخدام نکرده بودند، فایده‌ی خالص از یک جریب زمین بالغ بر ۱۶۸ دالر امریکایی برآورده شده است (که کمتر از ۰.۵۰ دالر امریکایی برای هر شخص روزانه می‌باشد). برای خانواده‌های که کارگر استخدام می‌کردند، مفاد خالص آن در واقع منفی برآورد شده است. طوری که در فوق تذکر به عمل رفت، بعضی از کشاورزان از منطقه فرار کردند زیرا آن‌ها قادر نبودند که قروض ناشی از دستمزد کارگران یا (کشاورزانی) که در زمین‌های شان کار کرده بودند را، پرداخت کنند.

جدول ۴ با فرضیه‌های ساده و سهل درآمد خالص در هر جریب را با استفاده از محصولات مختلف و فرضه‌ی اجاره‌ی زمین ارائه می‌کند. خانواده‌های متوسط (۱۰ شخص) که اراضی متوسط (۱۲ جریب) را کشت می‌کردند، و حتی کسانی که خود بالای زمین کارگری می‌کردند، در حدود بیشتر از نیم دالر امریکایی برای هر فرد روزانه به دست می‌آوردند. در قسمت محصولات دارای درآمد بیشتر، این درآمد نیز معتدل برآورد می‌شود.

جدول ۴: درآمد کونکار در دشت هلمند بر مبنای جریب با در نظر داشت فرضیه‌های حاصلات مختلف و اجاره‌ی زمین، دالر امریکایی

تنظیم اجاره زمین	بر مبنای جریب: در سال ۲۰۱۲-۱۳			برای اراضی کشت شده متوسط: درآمد خالص سرانه/روزانه		
	درآمد	مصارف	درآمد	محصولات خالص سال ۲۰۱۲-۱۳	بر اساس ۱۵۰٪ محصولات سال ۲۰۱۲-۱۳	بر اساس ۲۰۰٪ محصولات سال ۲۰۱۲-۱۳
مالک زمین						
تنها کارگر خانواده	۸۹۵	۷۲۷	۱۶۸	۰.۵۵	۱.۴۱	۲.۲۸
کارگر استخدام شده (محصولات)	۸۹۵	۹۲۹ (۳۴)			۰.۷۵	۱.۶۱
کشتمند						
پرداخت مصارف توسط مالک زمین، ۱/۴	۲۲۴		۲۲۴	۰.۷۴	۰.۹۵	۱.۱۷
مصارف، ۵/۶	۷۴۶	۸۸۲	(۱۳۶)		۰.۲۷	۰.۹۹

یادداشت: ها و فرضیه‌ها: محصول خالص طوری که توسط کشاورزان گزارش داده شده است ۰.۷۵ من در هر جریب می‌باشد که ۳.۴ کیلو گرام حاصل می‌دهد. حد اوسط تعداد خانواده ۱۰ نفر بوده است، حد اوسط اراضی کشت شده ۱۲ جریب بوده است. قیمت فرض شده در ماه می ۲۰۱۳ متوازن می‌شود. مصارف شامل سرمایه، تخم زراعتی، کود (کیمیایی و زراعتی)، آماده‌سازی زمین، مواد سوخت جنراتور، و کارگر (در هنگام نیاز) می‌باشد. درآمد شامل صمغ و ارزش پولی کاه و تخم زراعتی می‌باشد. گرفته شده از منسفیلد، "از بد آنها بدتر ساخته اند"، جدول ۵، صفحه ۶۷.

کار ساحوی در اراضی دوردست ولایت **ننگرهار** در سال‌های ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۲-۱۳ گواه از دیاد فقر است: تقلیل مواشی و سرمایه‌های دیگر، از دیاد اتکا در ثبت و راجستر در صفوف نیروهای امنیت ملی افغان^{۱۰۱} و عدم دسترسی به مراقبت‌های صحی به دلیل ناتوانی در پرداخت آن. حال آن که تفاوت میان خوگیانی بالا که کونکار کشت کرده و خوگیانی پایین و آپین که وسیعاً کشت نکرده است آشکار است. گزارش داده شده است که کشاورزان که کونکار کشت نکرده‌اند و یا محو کشت کونکار را تجربه کرده‌اند از غذا‌های بی کیفیت‌تر استفاده می‌کنند. جدول ۲ بخش ۴، ۲، ۱ درآمد ناخالص مختلف را در اراضی فقیر نشین **ننگرهار** که دارای انتخاب‌های محدود اند نشان می‌دهد. این جدول پیشنهاد می‌کند که اشخاصی که تنها در تولید کونکار دخیل اند بیشتر از یک دالر امریکایی در روز درآمد دارند. هرچند در همان سطح هم (که برابر است به کمتر از ۷۰۰ دالر امریکایی در سال)، پیشرفت رفاه اجتماعی محدود بوده است.

افزایش نا امنی و دوری از دولت

این حقیقت واضح است که کونکار در افغانستان در جای‌های بیشتر ریشه دوانده است که حاکمیت دولت در آن جا محدود است و نمایندگان آن ضعیف می‌باشند. از سال ۲۰۰۷-۸ الی ۲۰۱۱-۱۲، با وجودی که بلخ از جمله ولایات "عاری از کونکار" به شمار می‌رود، گفته می‌شود که در اراضی نا امن مانند چمتال، چاربولک و بلخ و در نواحی شرقی دریای شولگره کونکار کشت می‌شود. همین‌طور، پس از دوره‌ی جلوگیری کشت کونکار در سال ۲۰۰۷-۸ تولید کونکار در مناطق دور دست و اراضی تحت اداره کمتر در ولایت **ننگرهار** بازگشت کرد زیرا که امنیت آن قریه‌ها کمتر شده و تحت نفوذ عناصر ضد دولت قرار گرفته است.^{۱۰۲} در مرکز هلمند، کشت کونکار در مناطق نا امن و اراضی غیر دولتی شمال کانال

۱۰۱ بیشتر از یک سوم سرایان تازه اردوی ملی افغانستان از ننگرهار اند. به فوت نوت ۸۹ مراجعه شود.

۱۰۲ دشوار است که نا امنی را به یک منبع نسبت داد. نا امنی در یک منطقه از پیوند چند عنصر به وجود می‌آید به شمول قدرتمندان محلی، جنگسالاران، جنایت کاران و عناصر ضد حکومتی- بدون تشخیص تفاوت میان آنها. در این وضعیت، گروه طالبان به سمتی کشانیده خواهد شد که منفعت جانبین موجود باشد.

بغرا متمرکز شده است.

حال آن که، نا امنی به طور معمول شرط قادر سازی و یا محرک برای تولید و کشت کوکنار محسوب می شود (گاهی مطلقاً منحیث تغییر خارجی تلقی می گردد)^{۱۰۳}، هر دو جانب ممکن متحمل تلفات می شوند. غالباً مبارزه با مواد مخدر نا امنی را بوجود می آورد که بنوبه خود باعث تشویق و تسهیل کشت اضافی کوکنار می می شود. در هم چنین قضایا، مبارزه با مواد مخدر می تواند اهداف خود را زیر سوال ببرد. تعدادی ممکن استدلال کنند که اقدامات اجباری رابطه میان دولت و تعدادی از شهروندان را آسیب رسانده است. باید یاد آور شد که در بعضی از ساحات زیر نفوذ عوامل ضد دولتی (مانند قسمت های از دشت هلمند)، دیده شده است که نا امنی در مقایسه با طالبان و یا عناصر دیگر ضد دولتی توسط دولت ایجاد شده است.

مصاحبه ها انجام شده به منظور این تحقیق تایید می کنند که ازدیاد نا امنی نتیجه غیر عمدی (هر چند کاملاً پیش بینی نشده) رویکرد های اجباری می باشد. جواب دهنده گان محرکه های مربوط به امنیت را چنین توضیح می دارند: واکنش محل در محو کوکنار که اغلباً منحصراً رفتار خصومت آمیز تلقی شده است و طرق محو کوکنار فرصت را برا طالبان مهیاء ساخته است.

در حقیقت، ازدیاد نا امنی در **هلمند و ننگرهار** متمرکز است بر عکس العمل قهر آمیز محل به دلیل محو کشت کوکنار. در سال ۲۰۱۲-۱۳، دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد واقعه مربوط به محو کشت کوکنار در ولایت هلمند را گزارش داده است که در آن ۸۲ نفر به قتل رسیده اند. در سال ۲۰۱۱-۱۲ در ولایت **ننگرهار**، ۷۸۴ هکتار اراضی کوکنار محو شده است که در ۲۱ واقعه ۴۸ نفر به قتل رسیده اند که در همان سال نسبت به دیگر ولایات بیشترین رقم بوده است. در سال بعدی، تنها یک واقعه و یک مجروح در همان ولایت اتفاق افتاد زیرا که مقیاس محو کوکنار به مراتب کمتر بوده است (۱۵۷ هکتار) که این موضوع توسط دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد و وزارت مبارزه با مواد مخدر نیز تصدیق شده است. علاوه بر تجربه سال قبل، با در نظر داشت نشانه های فشار های اقتصادی سال های قبل (تورم در قیمت نیاز های خانواده ها و کاهش فرصت های درآمدی) و مساعد شدن فرصت طلایی برای کشاورزان برای کشت کوکنار در وضعیت سیاسی نامعلوم و کاهش متداوم کمک های بین المللی، مقاومت علیه محو کوکنار پیش بینی شده می توانست.

این تنها جدال میان حکومت علیه طالبان نیست، بلکه جوامع محلی از مخاصمت میان حکومت و عناصر مختلف ضد حکومتی به نفع خود استفاده می کنند. هرگاه موجودیت طالبان برای آنها منفعت برساند (به شمول جلوگیری از ارباب و تهدید های طالبان)، از طالبان حمایت می کنند و یا حد اقل در شرایط نا معلوم و یا م تغییر انتخاب های خود را باز نگه میدارند. طوری که در سال های جهاد، فامیل ها و گروه های قبیله ای رابطه خود را به نحوی با گروه های مخالف متخاصم منحصراً یک راهبرد محافظوی و حمایتی حفظ کرده اند.

تمام روش فوق در ولایت **ننگرهار** به طور واضح شرح شده که قسمتی از اراضی روستایی آن روابط خود را با دولت و طالبان حفظ کرده اند.^{۱۰۴} این موضوع در ولسوالی آچین مشخص تر است - با وجود موجودیت عوامل ضد دولت - خانواده ها اعضای داشتند که عضویت نیرو های امنیتی افغان را داشتند و هم منحصراً استاد در مکاتب محل تدریس می کردند و یا وظایف دولتی داشتند و از تعلیم و تربیه و خدمات صحتی دولتی خود را بهره مند می ساختند. در حین حال، آن ها با مساجد محل کمک مالی می کردند تا از شورشیان حمایت کنند که نشان دهنده که یک تناقض آشکار است. هر چند پاسخ دهنده گان میان طالبان محلی و طالبان دیگر که ریشه در پاکستان دارند فرق قابل شده اند. حتی در قضایای که عناصر خارجی دخیل اند، بعضی جوامع آن ها را یک منبع مهم حمایتی می پندارند و آن ها را به نحوی کمک می کنند. این موضوع در نفوذ قضیه منگل باغ، شورش پاکستانی، آشکار است. طوری که شایع است او از کشور های هندوستان و امریکا و هم چنان ریاست امنیت ملی حمایت های را دریافت می کند. همین طور، در ولایت **بدخشان** و قسمت های از ولایت **هلمند** کشاورزان هیچ تناقضی را در این که تعدادی از اعضای خانواده شان منحصراً استاد، پولیس، پولیس محلی، و یا در وظایف مختلف دولتی مصروفیت دارند و این که شت و کنار قوانین نافذ را نقض می کند، نمی بینند.

این نوع عملکرد ها، تشخیص این که که آیا یک منطقه تحت کنترل دولت است و یا طالبان را مشکل می سازد. در حقیقت ضرورت زنده گی و یا سفر نماینده های دولت در مناطق روستایی ونفوس متخاصم با در نظر داشت غیر متمرکز بودن بعضی مناطق مفهوم حکومت را بی معنی می سازد. علاوه بر آن، شکننده گی وضعیت را نمی توان چشم پوشی کرد با در نظر داشت مذاکرات مجدد پیوسته روابط و درجه بندی مجدد منافع. زمانیکه قدرت و یا اراضی مورد مناقشه قرار گیرد، باعث وقوع سردگمی و نیز فعالیت های غیر قانونی تشدید باید. طوری که یکی از کشاورزان در ولایت **بلخ** بیان کرد، "هرگاه گد و دی^{۱۰۵} در سال آینده بیشتر باشد، من زیاد تر کشت خواهم کرد."^{۱۰۶}

دو طرف سکه: حمایت از طالبان و دوری از دولت

بیشتر گفته می شود که طالبان کشت کوکنار را تشویق و یا هم فرمان می دهند تا از آن مالیه اخذ کرده و گروه های شورشی را حمایت کنند (و یا هم شخصاً منفعت حاصل می کنند که مربوط می شود به منبع آن).^{۱۰۷} صرف نظر از این که تا چه حد این فرضیه پیچیده گی حالت را بیان

۱۰۳ متغیر خارجی عامل کاملاً مستقل از دیگر متغیر ها بوده که توسط آن ها متاثر نشود.

۱۰۴ منسفیلد، "از بد بدتر ش ساختن".

۱۰۵ اصطلاح گدودی به معنی "سردگمی" و یا "بهم خوردگی" که اغلباً پاسخ دهنده گان به اختلال سیاسی که در دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاده است، مراجعه اشاره می کنند.

۱۰۶ مصاحبه با یک دهقان، ولسوالی چمتال، می ۲۰۱۳، ذکر شده در تحقیق فیشیستین، «زمینه های گسترش کشت کوکنار».

۱۰۷ بطور مثال مشاهده شود "جنگ مواد مخدر در افغانستان: قطع ارتباط میان قاچاقبران مواد مخدر و شورشیان." گزارش برای کمیته روابط خارجه، سنا ایالات متحده امریکا، واشنگتن دی.سی: اداره طبع دولت ایالات متحده، ۲۰۰۹، دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، "اعتیاد، جرم و شورش: تهدید فراملی تریاک افغانستان." دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد-ویانا، ۲۰۰۹، گریچن پیترز، دانه های ترورزم: چطور مواد مخدر، قاتلین و جنایت جنگ افغان را تغییر شکل می دهد. هیروئین طالبان و القاعده را پشتوانه می نماید: پیکادور، ۲۰۱۰.

سازد، طالبان بیشتر از تشویق کشت کوکنار به طرق غیر پولی منفعت برده اند به شمول تحریک حکومت برای نشان دادن عکس العمل تا جوامع از دولت فاصله بگیرد و یا هرگاه حکومت هیچ عکس العمل نشان ندهد نشان دهنده ضعف شان باشد. در سال ۲۰۱۲-۱۳ در ولایت هلمند، طالبان کشت کوکنار را به طور فعال تشویق کرده و بیانیات و شب نامه های نقاشی شده را مینی بر این که حکومت برده کفار خارجی است بخش و نشر کرده اند. در حقیقت، طالبان ظاهراً سیاست یکنواخت در قبال کشت کوکنار ندارند، در ساحات کاری با در نظر داشت شرایط محل، دریافت حمایت و ایجاد فاصله میان مردم و حکومت آن ها بطور عملی پاسخ داده اند.^{۱۰۸}

یک طرف سکه همانا فراهم سازی حمایت از طالبان بود. در قسمت زیاد مناطق، رویکرد های اجباری به ویژه محو محصولات سرپا فرصت را برای طالبان و دیگران مهیا می سازد که شاهد یک دولت ضعیف و ناکام باشند و با حالت خود را نسبت به دولت و دیگر بازیگران تقویت کنند. از طریق حمایت از تهدید نیرو های محو کوکنار، طالبان از اهمیت سیاسی بهره مند شده اند و منحیت مدافع مردم علیه حکومت بی توجه و غارتگر شمرده می شوند.

حتی ولایتی مانند **ننگرهار** که تاریخ دشمنی با طالبان را در اکثریت مناطق خود دارد، موجودیت آن ها را در بعضی مناطق اجازه و یا تشویق کرده و دولت را در محو کوکنار در آن مناطق ترغیب کنند. در ماه اپریل ۲۰۱۰ کمپاین تهاجمی محو کوکنار باعث شد که مردم از طالبان در ولسوالی شیرزاد دعوت کنند و مانع این عملیات شوند. پاسخ دهنده گان از ولسوالی های خوگیانی و آچین دلیل موجودیت عناصر ضد حکومتی را در تاثیرات منفی محو کشت کوکنار و نیز عدم تعهد به وعده های که حکومت داده است می دانند. شواهد مبنی بر این که مردم آچین در تلاش تنظیم مجدد رهبری بودند تا این که با دولت روابط کمتر داشته باشند زیرا دولت مسوول جلوگیری کشت کوکنار قلمداد می شد.

در ولایت **ننگرهار**، استفاده بیش از اندازه زور با حمایت فعال نیروهای نظامی بین المللی، شیرزی والی ولایت را تضعیف و همراه با وی دولت و بزرگان محل که از طریق شان ممنوعیت کشت کوکنار عملی می شد را نیز تضعیف کرد. گفته می شود که کمپاین خونین محو کوکنار سال ۲۰۱۱-۱۲ در آچین مثالی از "فاصله" میان حکومت و مردم محل می تواند باشد. بعد از سه سال، تاثیرات شدید اقتصادی منع کشت کوکنار دارای شهرت منفی و نامطلوب کشاورزان را در کشت مواد مخدر و مجادله علیه محو کوکنار در سال ۲۰۱۲-۱۳ تشویق کرد.

طوری که در بخش ۴،۲،۳ تذکر رفت، این ولسوالی های دور افتاده پیشینه مقاومت علیه دولت مرکزی و مناقشات میان قبیله ای دارند. شورشیان از سردرگمی سیاسی و هم چنان ناراضی مردم از تاثیرات منفی اقتصادی نسبت به محو کوکنار و باور آن ها که حکومت به وعده های خود وفا نکرده است، استفاده کرده و حضور خود را در این مناطق گسترده تر ساخته اند.^{۱۰۹} درین مناطق با قدرت کمتر که از منع کشت کوکنار، فشار های اقتصادی انباشته شده و مرکب در سال های گذشته آسیب دیده اند، و نیز کشت فراوان کوکنار درین وضعیت نامعلوم اقتصادی و سیاسی همه باعث شده است تا کشاورزان اعتقاد داشته باشند که کوکنار بهترین گزینه برای کشت در بهترین زمان است و ارزش مباحزه را دارد. درین ساحه، ستراتیژی طالبان که همانا حمایت از کشت کوکنار است ظاهراً پیروز بوده است.

مرکز ولایت **هلمند** جایی که احتمال کشت کوکنار می رود است، موجودیت روابط شخصی و یا هراس باعث شده است که مانع داخل شدن نیرو های محو کوکنار در مناطقی شوند که با طالبان ارتباط دارند. بطور مثال، هر چند نیروهای محو کوکنار چندین مرتبه بالای کانال بغرا در سال ۲۰۱۲ هجوم بردند، طوری که نیرو های امنیتی افغان در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ انجام دادند، اما دشت اکثراً ساحه غیر قابل رفتن برای حکومت باقی ماند. در آن جا، بزرگان منحصت مالک شناخته نمی شدند به دلیل این که حکومت در آن جا حضور ندارد کهمیانجیگری کند. پاسخ دهنده گان در آن جا، که تعداد شان محو کوکنار را زمانی که در ساحه کانال زنده گی می کردند تجربه کرده اند، بیان کردند که هر نوع حمایت برای دولت بالای جواز کشت کوکنار تاثیر نخواهد داشت. بناء شگفت آور نخواهد بود که کشاورزان از طالبان به خاطر دور نگه داشتن نیرو های محو کوکنار و دیگر نهاد های دولتی یورشگر حمایت آشکار کنند و برای قدرانی از خدمات شان برای آن ها داو طلبانه پول پرداخت کنند. در عوض طالبان نیز توازن را نگه داشتند و حضور بی خطر خود را حفظ کرده و نیز به ضرورت های جوامع پاسخگو بودند تا از پیشامد ناگوار اجتناب ورزند.^{۱۱۰} در این جا، عملیات تهاجمی دولت به نفع ستراتیژیک طالبان واقع خواهد شد.

پاسخ دهنده گان دشت **هلمند** که وضعیت اقتصادی شان به طور آشکار توسعه یافته است، آن را به حضور طالبان نسبت داده اند. یکی از کشاورزان برای مصاحبه کننده گفت: "زندگی با کوکنار پیشرفت می کند. ما به دلیل حضور طالبان کوکنار داریم و بخاطر داشتن کوکنار زندگی خوب داریم."^{۱۱۱} یکی دیگر از کشاورزان گفت: "قیمت کوکنار بلند رفته است به این دلیل زنده گی من رشد یافته است. ما دعا می کنیم و از خداوند (ج) می طلبیم که طالبان را قوی نگه دارد زیرا که آن ها مردم محل را همکاری می کنند. از هنگام به قدرت رسیدن این حکومت، به ما جزء ضرر کدام نفع نرسیده است."^{۱۱۲}

از مجموع چهار ولایت، پاسخ دهنده گان سه ولایت مستقیماً آرزوی بازگشت طالبان را نکرده اند اما بطور واضح گفتند که کشت کوکنار یکی از منافع حضور طالبان در آن مناطق است. در سال ۲۰۱۳، تعداد زیاد کشاورزان در ولسوالی چتمال ولایت بلخ تذکر دادند که آن ها به دلیل محو کوکنار توسط دولت از کشت آن انصراف کردند زیرا که هیچ کس از آن ها حمایت نمی کردند و طالبان از آن مناطق بیرون رفتند. یکی از کشاورزان

۱۰۸ برای جزئیات بیشتر این متحرک در ولایت هلمند و ننگرهار، به منسفیلد مراجعه شود، "از بد، بد ترش ساختند!"

۱۰۹ برای جزئیات بیشتر در این رابطه و حالت که در پاراگراف بعدی شرح داده شده است به منسفیلد مراجعه شود، "از بد، بد ترش ساختند!"

۱۱۰ با در نظر داشت پیچیده گی و جاری بودن روابط در مناطق دور دست، تعجب آور نخواهد بود که جنابت کاران برای گرفتن پول از کشاورزان خود را به نام طالبان یاد کنند.

۱۱۱ مصاحبه با دهقانی که در دشت شن غازی از سال ۲۰۰۳ در آن جا زنده گی می نماید، اپریل ۲۰۰۳، تذکر یافته در منسفیلد، "تمام شرط بندی ها منع اند!" صفحه ۷۸.

۱۱۲ مصاحبه با یکی از کشاورزان که در دشت لوی مانده از سال ۲۰۰۲ در آن جا زنده گی می کند، اپریل ۲۰۱۲، تذکر یافته در منسفیلد "تمام شرایط قطع گردید"، صفحه ۷۹.

که حدوداً نصف کوکنارش محو شده است، اداره ولایت را مقصر می داند:

آنها با دهقانان و غریب ها دشمنی دارند زیرا که در زمان محصولات آمدند. تمام سال کار کردم و فی الحال برایم هیچ چیز باقی نمانده است؛ آن ها باید زودتر می آمدند تا در عوض کار دیگر می کردم. کشت کوکنار را در سال های بعدی نیز ادامه می دهم. شاید حضور طالبان در سال بعدی بیشتر باشد و حکومت در این منطقه آمده نتواند.^{۱۱۳}

تنها در ساحات کاری ولایت **بدخشان**، پاسخ دهنده گان از بودن رابطه مثبت میان حضور طالبان و کشت کوکنار انکار کردند. این شاید تا حدی به دلیل رقابت های تاریخی قبیله ای باشد اما از همه مهمتر، طوری که در بخش ۴،۲ بحث شد، حضور عوامل ضد دولت در آن جا، حد اقل در بعضی از نقاط **بدخشان**، لازم نبود تا از محو کوکنار جلوگیری شود.

بطور غیر مترقبه، مردم دیگر که از دولت بیگانه شده اند اشخاصی هستند که محو کوکنار را در ساحه کانال تجربه کرده و به دشت **هلمند** مهاجرت کردند اما نتوانستند زمین برای کشت بدست بیاورند. تازه ترین موج (پس از سال ۲۰۰۸) مهاجرین بیشتر با حکومت متخاصم بودند؛ برخلاف موج های مهاجرین قبلی که پس از بدست آوردن زمین های که از طریق قومندان های که با دولت ارتباط داشتند وارد آن ساحه شده بودند، مهاجرین تازه از خانه های خود بطور اجباری بی جا شده و توسط نیرو های دولت و غارت گر ها به دشت مهاجرت کردند. اقتصاد ناگوار در دشت بر این خشم افزوده است. طوری که در فوق تذکر یافت، طالبان توافق کردند در مناطق آچین و خوگیانی در ولایت **ننگرهار** حضور غیر مشهود خود را حفظ کنند تا از توجه ناخواسته که باعث قطع کشت کوکنار می شود جلوگیری شود. این کار ظاهراً نتیجه داده است و فکر و قلب مردم را درین مناطق بدست آورده است.

هرگاه حمایت از طالبان یک طرف سکه باشد، طرف دیگر آن همانا بیگانگی از دولت می باشد که اکثر آن را مسول از بین بردن معیشت می دانند. هرچند کشاورزان میان حکومت و عناصر ضد حکومتی که برای گرفتن اجازه رقابت می کردند در حیرت بودند.^{۱۱۴} ظاهراً انتقاد بیشتر متوجه بازیگرانی است که تحت نام حکومت فعالیت دارند. پنداشته می شد که برای آن ها باید معاش پرداخته شود و آنان بخاطر حرص خود پول جمع آوری می کردند و طالبان تنها به "اهداء" متکی بودند و پول را با دلیل خدمات پرهیزکارانه بدست می آوردند.

علاوه بر این، طالبان در قسمت پرداخت و یا گرفتن پول توسط خانواده های زیادتر انعطاف پذیر و بامروت بودند. در ولایات **ننگرهار** و **هلمند**، درجه و نوعیت پرداخت به عناصر ضد حکومتی از یک قریه تا قریه دیگر متفاوت بوده است که مبنای وضعیت سیاسی و اقتصادی محل مذاکره صورت می گرفت.^{۱۱۵} در ولایت **هلمند** سال ۲۰۱۲-۱۳، پاسخ دهنده گان یاد آوردند که بدلیل حاصلات پایین و عدم حاصلخیزی در همان سال، طالبان درجه مالیات بالای کوکنار و گندم را پایین آوردند.^{۱۱۶} در هر دو ولایت، پاسخ دهنده گان اظهار کردند که مردم های فقیر از بابت پرداخت این مالیه معاف هستند. این نوع حرکات منافع چند بعدی و عملی بازیگران را پیشنهاد می کند. این نوع انعطاف پذیری در پولیس محلی افغانستان و دیگر نماینده های دولت نسبت به پرداخت مالیات دیده نشده است.

در اکثریت مناطق چهار ولایت متذکره، روند محو کوکنار تحت شرایط مشابه عملی شده است. دو شکایت اصلی محو کشت کوکنار همانا اجرای محو کوکنار دیر هنگام که پس از آن که وقت و پول سرمایه گذاری می شد حاصلات کوکنار از بین برده می شد و جایگزین برای کشت باقی نمی ماند، و این که بطور منصفانه و مساویانه عملی نشده است. بیشتر درجه محو کوکنار (و یا پرداخت پول بمطور جلوگیری از محو آن) وابسته به روابط و قرابت کشاورزان محل با نیرو های محو کوکنار داشته است.

شرح محو کوکنار بطور چشمگیر مشابه بوده است: به طور نا مساویانه اجرا شده است، افرادی که واسطه داشته اند معاف شده و امکانات بیشتر اجرای آن بالای افراد فقیر و بی واسطه بوده است، زمین های راهدف قرار می دادند که خصومت میان خانواده ها و یا قریه ها را حل کنند و این یک میکانیزم بود که برای پولیس و یا پولیس محلی رشوت پرداخت کنند. تنها ملاحظه بی طرف این بود که مزارع نزدیک به سرک هدف قرار می گرفت و مزارع که دورتر بودند و یا در اطراف نا مناسب سرحدات طبیعی مانند دریا ها قرار داشتند معاف می شدند، به خصوص ساحات نا امن و تحت مناقشه که رفتن تیم های محو کوکنار محدود بود.

در ولایت **ننگرهار**، توافقنامه ی نسبت داده شده میان پکتعداد از بزرگان و تیم های محو کوکنار مبنی بر این که کوکنار در قسمت های مشخص محو نشود و یا تنها بخشی از آن محو شود ممکن کاملاً درست و یا نادرست باشد اما این جزء از تیوری های توطیه جهانی است که گفته ها یا به حقیقت پیبوند و یا دولت و یا نماینده هایشان را بی اعتبار سازد. کار ساحوی در سال ۲۰۱۱ تأیید می کند که اکثریت محصولات معاف شد و یا خانواده ها مقدار کم را از دست دادند. در ولایت **بدخشان** در سال ۲۰۱۳، از میان ۱۰ دهقان که محصولات شان محو شده بود، تنها یکی

۱۱۳ مصاحبه با یکی از کشاورزان، ولسوالی چنمال، می ۲۰۱۳، تذکر یافته در فیشتین. "زمینه های گسترش کشت کوکنار".

۱۱۴ درین متن، "اجاره های اقتصادی" پرداخت های است که بازیگران از طریق اجاره و یا اخذ جوازنامه های مورد نیاز، (به)اجاره و دسترسی به پرداخت آن مجبور می شوند.

۱۱۵ پرداخت های تحت نام زکات یا عشر، بدون ارایه مفهوم واضح و مشخص از آن واژه هاضورت گرفته اند. اما عشر عبارت از پرداخت ده یک یا ۱۰ فیصد محصولات زراعتی برای ملا محل می باشد و این پرداخت در بدل خدمات ملا، صورت می گیرد. بهترین ترجمه برای زکات، "صدقه" است و زکات همیشه بر اساس مقدار دارایی های افراد پرداخت می شود و آن، یک فریضه مذهبی بوده نه مالیات. این نوع پرداخت ها، در همه مناطق روستایی افغانستان صورت می گیرند؛ چی مناطقی که در تسلط طالبان و یا غیر طالبان باشد. شرایط و میزان این نوع پرداخت ها نظر به منطقه تفاوت می نماید و عوامل چون نوعیت محصول زراعتی، شرایط سال و دیگر عوامل در تعیین آن، موثر اند. در این رابطه، برای معلومات بیشتر به گزارشی از منسفید تحت نام «مالیات در مرکز هلمند» مراجعه نمایید.

۱۱۶ هرچند معمولاً محصولات پایین به دلیل هوای سرد ناگهانی در مرحله مهم توسعه یک نبات اتفاق میافتد، اما این بار به مداخلات ایالات متحده نسبت داده شده است و منحیت پدیده سیاه به حکومت تلقی می گردد که طالبان آن را مورد سوال قرار نخواهند داد.

از آن ها مقدار قابل توجه محصولات اش از بین برده شده بود. او شکایت کرد که: "محصولات اشخاصی که واسطه داشته اند محو نشده است. وظیفه حکومت زنده پوست کردن مردم است و دیگر کدام کار ندارد." ۱۱۷ همین طور، در ولایت بلخ یکی از دهقان هایی که محو کوکنار را جدیداً تجربه کرده است میافزاید: "والی برای خود و اولاد خود می سازد و او محصولات ما را از بین می برد. به دلیل این کار او، والی باید در آب غرق گردد. سال بعد، ۳۰ جریب کوکنار کشت خواهیم کرد." ۱۱۸

بعضی از نظریات متخاصم علیه دولت از طرف ساکنین دشت **هلمند** ارائه شد، جایی که به حکومت و مسولان بلند رتبه مشخص به خصوص والی به الفاظ رکیک رجوع شد. محتاط ترین (و قابل چاپ) نظریه بطور ذیل بیان شده است: "کارمندان حکومت در لشکرگاه خود دزد هستند و همه چیز ها را برای خود می گیرند" و یا "کمک های توسعه ای تجارت خوب برای نماینده های پارلمان و اعضای حکومت می باشد، اما نه برای کشاورزان." ۱۱۹ متهم کردن به جانبداری تنها توسط اشخاص واسطه دار نبوده است؛ در ناحیه کانال هلمند پاسخ دهنده گان اظهار داشتند که آن ها از محو کوکنار متأثر نشده اند. یکی از آن ها می گوید: "محصولات من امن است زیرا که من یکی از عساکر قوماندان پولیس محلی هستم." ۱۲۰

باوجود آن که تبعیض در محو کوکنار در تمام چهار ولایت گزارش شده است، در بعضی از نقاط از نگاه زمانی و دیگرگونی اوضاع سیاسی متفاوت بوده است. در بین سال های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۰، پاسخ دهنده گان در ولایت هلمند از موجودیت تبعیض گزارش داده اند، اما در سال ۲۰۱۰-۱۱ هرگاه یک قریه انتخاب گردد، تقریباً تمام محصولات اراضی نزدیک به سرک محو می گردد. احتمال می رود در مدت که نیرو های امنیتی بین المللی و داخلی بالای یک ولایت تمرکز نموده اند، فضای کم برای کشت کوکنار و پرداخت پول بمنظور جلوگیری از محو آن باقی مانده باشد. هر چند در سال ۲۰۱۲-۱۳، زمانیکه پولیس محلی افغانستان نقش بزرگتر را به عهده داشتند گزارش های زیاد تر از عملکرد جانبدارانه آنها به گوش رسیده است.

اما خانواده ها از روش همه شمول استفاده می کردند و با همدیگر همدست میشدند تا از محو کوکنار اجتناب و یا باعث کاهش تاثیرات آن گردند. در یک از قریه های چتمال (**بلخ**) در سال ۲۰۱۲، گزارش داده شده است که در هر جریب ۵۰۰ افغانی پرداخت نمودند تا برای مسولین پرداخت و از محو کوکنار در اراضی شان جلوگیری گردد. این موضوع به شکل بی طرفانه و بدون خشم منحيث پاسخ عملی ارائه گردیده است: با حد اوسط درآمد بابت کشت کوکنار در هر جریب ۷۲,۰۰۰ افغانی، می تواند چانه زنی تلقی گردد. در کوت ولایت **ننگرهار**، گزارش مشابه شنیده شده است که باشندگان قریه ها پول جمع آوری می نمودند تا برای خانواده که هدف محو کوکنار انتخاب گردیده است پرداخت نمایند.

از آنجاییکه محو کوکنار منحيث ابزار سیاست عامه استفاده می گردید اما در عوض یکی از راه های منفعت گرفتن های شخصی از طریق رشوت، تهدید و حتی ضبط اموال و چپاول خانه ها گردید. از اینرو کوکنار فرصت گردید برای تعدای که مسولیت تطبیق جلوگیری از کشت آن را داشتند.

این نوع فساد احساس را که دولت و نماینده های آن رفتار نا مناسب می نمایند، قوی تر ساخت. در واقع، حس شکایت در مورد محو کوکنار در مفهوم عمومی فساد تقویت یافت که دیده شده است که اشخاص واسطه دار کمک های توسعه ای را اخذ (به چوکات ۸ ذیل مراجعه شود) و یا از دسترسی به نهاد های امنیتی و عدلی استفاده نموده و موقف خود را نسبت به رقبای خود قوی تر می سازند. هر چند شکایات مربوط به کمک های توسعه ای نا متناقض بود، پاسخ دهنده گان در ساحات کاری **بدخشان** کمتر شکایت در مورد فساد توزیع کمک ها وجود داشت و حتی تعداد قابل توجهی از روند توزیع مناسب کمک ها راضی بودند و از پروژه های جاده سازی، تولید آب و جلوگیری از سیل مستفید شدند.

۱۱۷ مصاحبه با دهقان، ولسوالی جرم، می ۲۰۱۳، تذکر یافته در فیشتین. "زمینه های گسترش کشت کوکنار"، صفحه ۲۷. حین محو کوکنار، این دهقان پس از اتفاق حادثه ترافیکی، در ولایت کندر بستری شده بود. او دلیل محو کوکنار زمین خود را قرابت اراضی او به سرک و یا ممکن مناقشه پسر او با تیم محو کوکنار نسبت می دهد.

۱۱۸ مصاحبه با دهقان، ولسوالی چتمال، می ۲۰۱۳، فیشتین. "زمینه های گسترش کشت کوکنار" صفحه ۲۱.

۱۱۹ مصاحبه ها با به ترتیب در قلمه پوست و لوی باغ، اپریل ۲۰۱۲، تذکر یافته در "تمام شرط بندی هامنغ اند"، صفحه ۶۸.

۱۲۰ مصاحبه با دهقان، هلمند، اپریل ۲۰۱۲، نقل قول در "بین یک سنگ و یک چیز سخت" از منسفیلد. صفحه ۳۰.

چوکات ۸: کمک های توسعه ای در ولایت هلمند: یک موفقیت و یا ناکامی؟^{۱۴}

یکی از ابتکار های توسعه ای در در ولایت هلمند تهیهٔ پمپ های آب با قیمت تخفیف داده شده می باشد. دو عضو پارلمان و سرپرست ریاست توسعه زراعت ولایتی دستگیر و متهم شدند پس از آنکه سرپرست شورای ناد علی و عضو پارلمان به ترتیب با ۹۰ و ۱۹۰ پمپ آب دیده شدند که اصولاً باید برای توزیع می گردید. گذشته از توزیع پمپ های آب برای شبکه های قومی خود، آنها همچنان متهم به تشکیل اشخاص ذینفع و استخدام کارگران از طریق مهیا ساختن تذکره های تقلبی تا اینکه از طریق توزیع کمک ها پمپ های آب ادعای نمایند و این یک نوع فریب بود که اشخاص ذینفع واقعی از توزیع کمک ها آگاهی حاصل ننمایند. هرچند تعدادی این را گواه از فساد گسترده می دانند، اما تعدادی دیگر ادعا می نمایند که اشخاص دستگیر شده قربانی فساد می شوند که تا به سطح مسولین بلند رتبه رهبری ولایت ادامه دارد و یا آنها خود فساد را تهمت نمودند.

علاوه بر آن، پاسخ دهنده گان متهم می نمایند تعدادی زیادی از اشخاص را که پمپ های آب را به قیمت تخفیف شده ۱۱۰ دالر بدست آورده بودند سپس آنرا به قیمت ۲۲۰ - ۲۴۰ دالر برای تاجرین در بازار بفروش رسانیده اند. تاجرین دوباره همان پمپ را برای توضیح کننده اصلی آن به قیمت ۲۸۰ - ۳۱۰ دالر آمریکایی بفروش رسانیده اند و سپس آنها پمپ ها را به قیمت ۵۶۰ دالر برای مسولین بفروش رسانیده اند. دور دیگر زمان آغاز می گردید که توزیع کننده پمپ آب را برای دهقان به مبلغ ۱۱۰ دالر آمریکایی بفروش می رسانیدند.

در سال ۲۰۱۲-۱۳، اتهامات وجود دارد که برای پولیس محلی افغانستان صلاحیت محو کوکنار داده شد اما بدون هیچ نوع کنترل و نظارت و به خود اشاره برای غارت و زیاده ستانی می باشد. علاوه بر عصبانیت علیه محو کشت کوکنار، غارت و چپاول نیز در این خشم افزوده است. گزارش شده است که مقدار زیاد پول را (در حدود ۱۸۲ دالر آمریکایی) برای بازپس دادن جنراتور پرداخت می نمایند، حال آنکه دیگران (پولیس محلی افغانستان با پولیس ملی افغانستان همکار استند) متهم به ضبط ۳۰ - ۴۰ جنراتور در جریان تطبیق کمپاین محو کشت کوکنار بوده و آنها را از پسته خانه های پولیس بفروش می رساندند.

۱۴ گرفته شده از، "تمام شرط بندی ها منع اند!" و "از بد آنها بدترش ساختند."

شگفت آور نخواهد بود که تمام اشخاص که در چهار ولایت محو کوکنار را تجربه کرده بودند، دولت را به دید منفی می دیدند. حتی در مناطقی که پاسخ دهنده گان خسارات مانند محو کوکنار را مستقیماً به دولت نسبت نداده اند، آنها دولت را به ناتوانی آوردن خوشبختی برای مردم متهم نمودند. آنها شاکمی اند و یا ناامیدی خود را بیان میدارند مبنی بر اینکه وعده های عجیب و غریب پس از ۲۰۱۱ هیچ گاهی جامه عمل نپوشید. این شاید منعکس کننده سنت تاریخی باشد: در طول تاریخ معاصر افغانستان، توقعات موجود بوده است - قسماً توسط اصول مساوات که توسط دین اسلام تأکید گردیده است و نقش رهبری دولت در طول تاریخ - که دولت باید آسایش عامه مردم را تأمین نماید هرچند توانایی های دولت افغانستان محدود باشد.^{۱۲۱}

در اراضی **هلمند و ننگرهار** که تحت محو کوکنار قرار داشتند، اینکه پنداشت می شود که دولت از خارجی ها اطاعت می نمودند و نیروهای نظامی بین المللی ادامه از عشاء محسوب می شود مانند نمک پاش دادن بالای زخم است و دولت و نماینده های آنرا زیاد تر غیر قانونی جلوه می شده. در ولایت بلخ، جلوگیری از کشت کوکنار بیشتر به والی عطا و اداره ولایت نسبت داده می شد و نسبت دادن آن به خارجی ها کمتر آشکار شده است.

تأثیرات محیطی

در نهایت، نتیجه ی غیر عمدی روش اجباری شامل تأثیرات منفی محیطی می باشد. کاهش جدی محصولات که در جریان دو سال زراعتی اخیر در دشت ولایت هلمند تجربه گردید ممکن نتیجه از قطع کوکنار بدون چرخش محصولات و یا زمین شخم شده باشد: رفتار زراعتی موثر که در دیگر محیط ها تعقیب می گردد.

علاوه بر آن، با توجه به نقش مرکزی آب در زندگی در افغانستان، حفر نمودن زمین بطور پرخاشگرایانه در دشت نگرانی های را در رابطه به تداوم کشت و ارتباط آن با سطح آب بوجود آورده است. پیامد های احتمالی کمبود سطح آب از طریق استفاده چاه های لوله ای در اراضی افغانستان و بلوچستان در همسایه گی با پاکستان برجسته تر است و به دور است که زراعت وابسته به تکنولوژی چاه های عمیق بتواند بدون تخلیه ی جویچه ها بطور بی حد توسعه یابد. در قسمت از دشت، گزارش داده اند که سطح آب هر سال ۴۰ سانتی متر الی یک متر پایین می آید و نیاز است تا چاه های عمیق تر حفر گردد. پاسخ دهنده اظهار نمودند که در بعضی مناطق چاه ها باید قبلاً در حدود ۶۵ الی ۹۰ متر حفر گردد تا به آب برسد.^{۱۲۲} از آنجاییکه کاملاً از رابطه میان حفر چاه های عمیق و کاهش سطح آب در جریان بودند، این نوع خطرات منحنی خطرات عمومی و طولی المدت پنداشته می شد و مشکلات برآورده ساختن معیشت فامیلی را متحمل می شدند و این مشکلات در متحمل شدن این خطرات زیاد تر کمک نمود بلخصوص زمانیکه انتخاب دیگر موجود نباشد.^{۱۲۳}

و بالاخره اینکه، استفاده از علف کش ها و دیگر مواد کیمیاوی زراعتی توسط با ندانستن عوارض جانبی آنها، ممکن سبب مشکلات صحتی گردد.

۱۲۱ پاول فیشستین، همراه با اسلام الدین امکی و محمد قاسم، "اقتصاد بلخ در مرحله انتقال" (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، آگست ۲۰۱۳، صفحه ۱۰).

۱۲۲ منسفیلد، "از بد بدترش ساختند."

۱۲۳ تقلیل سطح منابع آبخوان های روستا ها ممکن به عنوان عوارض جانبی منفی و یا هم ناکامی اقتصاد مارکیت تلقی گردند، به خاطر که استفاده کننده گان هیچ یک تمام مخارج اجتماعی و اقتصادی آن منابع را نمی پردازند. نوت: آبخوان عبارت از لایه های از زمین است به صورت نسبی ظرفیت بالاتری برای جذب، ذخیره و انتقال آب را دارند (مترجم).

۵. خلاصه، سفارشات و پیامدها برای سیاست گذاری

اقتصاد مواد مخدر در برابر پیشرفت افغانستان کماکان یکی از تهدیدهای مهم باقی مانده است. این اقتصاد حکومت را تضعیف کرده و به اقتصاد رسمی آسیب رسانده است. و وضعیت صحتی مردم را متاثر ساخته و از طرف دیگر اقتصاد مواد مخدر این توانایی را نیز دارد که روابط این کشور را با جامعه بین المللی تحت تاثیر قرار دهد. به ارزش تقریباً ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی افغانستان، تمام درآمد، ثروت و قدرتی را که این محصول در تمام بخش ها ایجاد می کند به طور بی حد و حصر زمینه تداوم وضعیت موجود را فراهم ساخته و این وضع را تقویت می بخشد. تحقیق ها و پژوهش های که توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در چهار ولایت بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ میلادی صورت گرفته، یافته های عمومی و مشخص در این زمینه را تایید کرده و هم چنین شواهد تجربی دیگری را در مورد عوامل اقتصادی و سیاسی و غیره که روی تصامیم خانواده ها برای کشت کوکنار تاثیر می گذارد، نیز مطرح می سازد. با این که در حال حاضر سیاست گذاری ها در حال تغییر بوده و در برابر آن چالش های وجود دارد، ولی اگر به این موضوع یعنی اقتصاد تریاک پرداخته نشود، این موضوع می تواند افغانستان را برای چندین نسل بعدی تحت تاثیر قرار دهد.

۵.۱ خلاصه

۵.۱.۱ گذار به کشت مشروع و قانونی ممکن است

- در مناطقی که جمعی از عوامل سیاسی و اقتصادی در کار بوده اند (مانند حکومتداری قابل قبول، امنیت، فرصت های زراعتی-اقتصادی، زیرساخت ها و مارکیت های فعال) بلند بردن خطر کشت کوکنار از طریق تهدید برای تخریب کشتزارها و پیامدهای دیگر آن، احتمالاً وادار می نماید تا بدیل های دیگر زراعتی با ترکیب محصولات مشروع و با ارزش (مانند سبزیجات و میوه) و یا کار های خارج از کشاورزی را جستجو کرده و به آن رو بیاورند. چنین مناطق بخش های مرکزی **هلمند**، **بلخ** و **ننگرهار** را در بر می گیرد.
- با بهبود اقتصاد و حد اقل تنزیل نیافتن سطح رفاه اقتصادی مردم، پیشبرد برنامه سرکوب و منع کشت کوکنار سهل تر می شود. بهبود اقتصاد شهری در مزار شریف و ننگرهار، به سرکوب کشت کوکنار در ولایت های **بلخ** و **ننگرهار** (این مناطق) کمک کرده است. مناطق هلمند و ننگرهار نیز توسط مصارف هنگفت نیرو های بین المللی تحت پوشش قرار گرفتند. طوری که کمک های مالی و امدادی جامعه بین المللی برای افغانستان کماکان رو به کاهش است، اقتصاد این شهر ها نیز کاهش خواهد یافت. در بعضی مناطق نبود داشته ها و منابع از یک طرف و پایین بودن سطح تقاضا برای محصولات تولیدی، هیچ گونه تشویقی را برای گذار به کشت محصولات مشروع، مساعد نمی سازد. با وجود بهبود در وضعیت زیرساخت ها و سیستم حمل و نقل، کشاورزان از پایین بودن قیمت محصولات شان، هزینه های زیاد حمل و نقل، نبود سردخانه ها و دیگر عواملی که مصارف و خطرات را افزایش می دهد و مانع برای آوردن تنوع در فعالیت های کشاورزان میشود، شکایت کرده اند. بر علاوه، کشاورزان با خطرات اقلیمی و زراعتی و اقتصادی مانند خشک سالی، مگس، خربوزه و امراض زراعتی دیگر مواجه بوده اند.
- از نظر تاریخی پنبه همیشه در بعضی مناطق مانند **بلخ** و **هلمند** یک محصول زراعتی خوب برای فروش بوده است. باوجودی که این محصول زراعتی با خطراتی مانند نبود خریدار به قیمت های خوب، نبود آب برای آبیاری کشتزار ها و نیاز برای استخدام کارگر برای کار در مزارع، است. در بعضی ساحالات (مانند **بلخ**) پنبه و کوکنار به عنوان محصولات جایگزین با هم رقابت می کنند. که این خود نشان دهنده ارزش تقاضا برای این محصول را برانزده می سازد. پنبه نه به اندازه کوکنار، نسبتاً قابل ذخیره نیز است تا در مواقعی که قیمت آن در مارکیت پایین یابد، می تواند ذخیره شود.
- درآمد خارج از کشاورزی و یا درآمد غیر کشاورزی در مصئونیت معیشتی خانواد های روستایی، حتی در نبود کوکنار، نقش بسیار مهم دارد. دستمزد ها در سکتور غیر کشاورزی مخصوصاً در بخش ساختمان به مقایسه دستمزد در بخش کشت کوکنار، غالباً زیادتر است. و این نوع فرصت های کاری هزینه فرصت کشت کوکنار را که بیشتر بر نیروی کار استوار بوده، افزایش می دهد. با وجود اینکه افغانستان بیشتر زراعتی است، این کشور در میان کشورهای جنوب آسیای، بالاترین نرخ رشد نفوس و شهر نشینی را دارا است. به این اساس درآمد غیر کشاورزی به شدت مهم است. با این که نسبت نفوس بر اراضی قابل کشت افزایش می یابد، ناچار برای بسیاری از خانواده ها انتخاب بین منابع عایداتی زراعتی و غیرزراعتی مطرح می شود. این خانواده ها حتماً باید به هر دو نوع درآمد برای حفظ مصئونیت معیشت شان، دسترسی داشته باشند.
- خانواده ها با انباشتن سرمایه از طریق فروش مواد مخدر توانسته اند که اتکاء خود به مواد مخدر با خرید تراکتور، وسایط نقلیه، دوکان ها و دیگر دارای های مولد، کاهش دهند.
- گذشته از درآمد پولی هنگفت، کوکنار در تسویه حساب قرض یا بدیهی های خانواده ها نیز نقش مهم دارد. بنابراین، قرض یا بدیهی، مانع خانواده ها برای گذار از کشت کوکنار به کشت محصولات مشروع می شود.
- در این تحقیق اهمیت حکومتداری و نقش دولت در تامین دسترسی مردم به مارکیت ها از طریق تامین امنیت جان مردم و سرزنش فعالیت های غیرقانونی دیگر از قبیل پوسته های امنیتی غیر قانونی در مسیر شاهراه ها، "مالیات" یا اخاذی های غیر رسمی که مسولان حکومت جمع آوری می کنند و دیگر عواملیکه یا باعث بلند رفتن قیمت ها یا خطرات می شود، مورد تایید قرار گرفته است.

• در شرایط خاص، عکس العمل خانواده ها در برابر کاهش درآمد های شان به علت تخریب و یا به اثر آفت زده گی کشتزار های کوکنار آنان، طوری است که از کشت کوکنار نه تنها دست بردار نشده بلکه در عوض مقدار زمین برای کشت و کار را افزایش می دهند. هرچند این موضوع از یک منطقه تا منطقه ای دیگر، متفاوت است. به عنوان مثال، به نظر می رسد که کشت کوکنار در ولایت **بدخشان** به خاطری افزایش یافته است که مردم از ترس تخریب بخشی از زمین های خود توسط گروه های تخریب کننده کشت کوکنار، مقدار اراضی برای کشت را افزایش داده اند. اما به نظر می رسد که خانواده های که در ولایت هلمند به مقدار کم زمین دسترسی دارند، و بنابر عدم دسترسی به کدام بدیل دیگر، برای جبران خسارات ناشی از ضرر محصولات شان در سال قبل، مقدار کشت و کار خود را "دو برابر" افزایش داده باشند.

۵.۱.۲ درک و شناخت از اوضاع

بین کشت کوکنار و ناامنی ارتباط واضح وجود دارد. این ارتباط دو جانبه نیز بوده می تواند. به این مفهوم که ناامنی زمینه برای کشت کوکنار را مساعد می سازد. از جانب دیگر، سرکوب و منع کشت کوکنار در نبود بدیل های پایدار برای این محصول، حکومت ضعیف، و یا ادارات حکومتی مصلحتی، وضعیت امنیتی را وخیم تر می سازد. برای تخریب کشت کوکنار، امنیت را می توان به عنوان یک شرط لازم نسبت به یک شرط کافی دانست. هم چنین، در برخی از مناطق (مانند دشت هلمند) که در برابر دولت خصمانه برخورد می کنند، ناامنی در آن ولایت را به دولت، نه به طالبان یا عوامل ضد دولت نسبت می دهند.

• سرکوب و منع کشت کوکنار از طریق کاهش تقاضا برای کار، فشار روی پایین آوردن دستمزد ها، و کاهش مقدار پول در چرخش اقتصادی (به عنوان مضروب فیه منفی)، باعث رکود اقتصاد محلی (می شود. قسمی که این تاثیر توسط مصارف هنگفت که توسط جامعه بین المللی در بخش های **هلمند** و **ننگرهار** به مصرف رسیده است، کاهش یافته می تواند.

• در سطح بزرگتر، اوضاع سیاسی هم بر کشت کوکنار و هم روی مبارزه علیه مواد مخدر تاثیر می گذارد. جاه طلبی های بیش از حد و رقابت سیاسی باعث تضعیف یا مانع موافقت همگانی برای سرکوب کشت کوکنار در **هلمند** و یا **ننگرهار** شده است. این در حالی است که در امر مبارزه علیه مواد مخدر و امنیت سازش های نیز صورت گرفته است. اما آن چه که قابل توجه است این است که والی **بلخ** عطا محمد نور توانسته است تا حد زیادی این ممنوعیت کشت کوکنار را کماکان حفظ و ادامه دهد. در حالی که والی **ننگرهار**، شیرزی نتوانسته سرکوب کشت کوکنار را ادامه دهد. و در این مدت زمان والی های مختلف ولایت **هلمند** تنها در اطراف کانال توانسته اند این ممنوعیت را ادامه بدهند ولی در ساحة دشت موفق به اینکار نشده اند.

• در مناطقی که حکومت نفوذ کمتر داشته، مسولان و بزرگان محلی به دقت و به شکل عملی، و برای مذاکره روی حضور و موقف خود در آن، توانسته اند تا آجندای مبارزه علیه مواد مخدر حکومت را، بی اهمیت جلوه دهند.

• در واقع در هر سطحی، انگیزه و یا علاقه کمی برای انفاذ ممنوعیت کشت کوکنار وجود داشته است. در بعضی مناطق، چگونگی روابط غیرمتمرکز، بسیار سیال، متحرک و توافق ها حتی معنی تقسیم روشن بین "حکومت" و "طالبان" را مشکل ساخته است.

• کمبود آگاهی در مورد شرایط سیاسی از سطح محل، به شمول روابط غیر رسمی و رقابت ها و هم چسبی های محلی می تواند به مدیریت های ناموثر بیانجامد. احتمالا جامعه بین المللی طوری به این موضوع نگاه کند که از طریق تشویق و حمایت گروه های که تنها به نام با دولت ائتلاف دارند، می توانند به دولت کمک کنند، اما در واقع آنان با تشویق و تحریک رقابت میان آن گروه های رقیب، خلاف آن را می انجام می دهند.

• با وجود تاکید فراوان روی شناخت اوضاع محلی مخصوصا از سال ۲۰۰۸ میلادی به این طرف و روی شناخت برنامه های ضد شورش، سیاست مبارزه علیه مواد مخدر غالبا تفاوت ها در شرایط محلی را نادیده گرفته است. این شامل داشته ها و منابع طبیعی محلات نیز می شود و این سیاست ها به شکلی اجرا شده است که اهداف امنیتی و توسعه ای را تحت تاثیر قرار داده اند. با این که تجزیه و تحلیل، شناخت اوضاع محلی را امر حتمی ساخته است. و از جانب دیگر کارمندان توسعه ای و نظامی از شورا ها، قبیله ها و "اشتراک رهبران کلیدی" از منظر پالیسی یک طلسم ساخته اند با وجدی که این کار وسیعا سطحی به نظر می رسد. میان روایات از سطح ملی و بین المللی و آن چه که در عمل اتفاق می افتد تفاوت وجود دارد. بخصوص، در پالیسی ها و سیاست گذاری ها همیشه میان مناطقی که از نظر موقعیت، داشته ها و منابع طبیعی، و عوامل دیگر احتمالا از کشت کوکنار به کشت محصولات زراعتی مشروع انتقال کنند و مناطقی که گذار نکنند، تفاوتی قابل نشده اند.

۵.۱.۳ نقش و اثرات رویکرد های اجباری (بازدارنده)

• در ساحتی که رهبری و اراده قوی موجود بوده و توانایی برای استفاده از زور و قوت وجود داشته، رویکرد های بازدارنده حد اقل در کوتاه مدت باعث کاهش کشت کوکنار شده است. ولی در نبود بدیل های اقتصادی و پشتیبانی قوی از ساحت روستایی در افغانستان، کاهش اجباری در کشت کوکنار پایدار نبوده است به جزء این که سبب گسترش بی ثباتی شده است (امری که وسیعا در شرایط سیاسی فعلی و آینده مناسب نمی باشد) و این نوع روش ها محکوم به ناکامی خواهد بود.

• پیامد های ناخواسته و منفی این رویکرد های اجباری شامل حمایت از طالبان و دیگر عوامل ضد دولت بوده اند. این گروه ها طوری که دیده شده آنان از کشاورزان در برابر تخریب معیشت زنده گی شان، حمایت می کنند. در بعضی موارد، پشتیبانی محلی و حسن نیت و دفاع طالبان از کشاورزان برای جلوگیری از حکومت برای تخریب کشتزار های کشاورزان، برای طالبان به همان اندازه منافع پولی و مالی که طالبان از کشت کوکنار به دست می آورند، با اهمیت بوده است. حتی کشاورزانی که ممکن از طالبان حمایت نکرده و حامی اجندای بزرگ آنان نیستند، در مورد تاثیر موثر طالبان در برابر جلوگیری از تخریب کشتزار های شان، بطور مثبت یاد آوری کرده اند.

- رویکرد های بازدارنده یا اجباری یا استفاده از زور با این که به طور وسیع اجرا شود، بر تعریف طالبان از دولت افغانستان به عنوان یک دولت ناموثر و غیرمشروع، و این که توانایی یا علاقه برای تامین رفاه مردم را ندارد، کمک می کند. و زمانی که کاهش اجباری کشت کوکنار به طور سلیقوی اجراء شود، این برداشت آنان را از حکومت غیرعادل و دست اندرکاران فاسد آن، هر چه بیشتر تقویت می کند. در بدترین حالت، تخریب یا تهدید برای تخریب، به عنوان ابزار پالیسی عامه استفاده نشده در عوض منحنیث ابزاری برای حصول منافع شخصی، مورد استفاده قرار می گیرد. در تمام چهار ولایت، برداشت مردم طوری است که تخریب کشت کوکنار اکثرا به شکل غیر نامتعادل صورت می گیرد. قسمی که کشتزار های کسانی که واسطه دارند تخریب نمی شود. یا کشتزار های تخریب می شود که بتواند در حل منازعات میان خانواده ها یا روستاها کمک کند. یا از این کار نیرو های پولیس یا پولیس محلی افغانستان به عنوان روشی برای جمع آوری رشوه استفاده می کند. مردم به تخریب کشتزار های کوکنار به عنوان عمل و برخورد خصمانه دولت می نگرند، بخصوص زمانی که این کار در اواخر فصل کشت پس از این که کشاورزان پول و وقت خود را برای کشت کوکنار صرف کرده اند صورت گیرد. چرا که در اواخر فصل کشت و کار، بدیلی برای کشت و کار وجود نمی داشته خواهد داشت. بخصوص در مواردی که مردم فکر کنند این طور برخورد های خصمانه به خواش خارجی ها، صورت می گیرد.
- این که تا چه میزان مواد مخدر به شورش گری، حد اقل در ساحاتی که کار ساحوی این تحقیق صورت گرفته، دامن می زند، واضح نمی نیست. ولی در مناطقی که خانواده ها برای طالبان پول می پردازند، مقدار این پول نظر به مناطق و نیز نظر به این که چه مقدار زمین تحت کشت بوده، نوعیت محصول کشت شده و مقدار حاصلات زراعتی آن سال، متفاوت می باشد. این نوع پرداخت ها تحت انگیزه های مختلف یا به صورت داوطلبانه (مثلا به خاطر مقاومت در برابر تخریب کشتزار های کوکنار آنان) و یا هم به طور اجباری صورت می گیرد.
- باوجود این که ممنوعیت و تخریب کشتزار های کوکنار به منظور تثبیت حاکمیت دولت در ساحات تحت کنترل آن صورت می گیرد، اما در بعضی ساحات نتایج خالص این رویکرد احتمالا مخالف آن هدف می باشد. از یک دید رویکردهای اجباری می تواند سبب ایجاد ناامنی شده و سبب افزایش کشت کوکنار شود. اما از نظر دیگر می توان به این روش ها به عنوان مانع برای رسیدن به اهداف مبارزه علیه مواد مخدر نگاه کرد. حتی اقدامات بلند پروازانه ای مبارزه علیه مواد مخدر به عنوان مثال گسترش تخریب کشتزارهای کوکنار در دشت **هلمند** و ساحاتی در **ننگرهار** که کمتر تحت کنترل است، در واقع بی ثبات کننده بوده اند. بعضی ها ممکن استدلال کنند که سیاست استفاده از زور، مبارزه علیه مواد مخدر، از قبل رابطه بین دولت و بعضی مردم را آسیب رسانده است.

۵.۱.۴ برنامه ها و پالیسی ها

- برنامه های که به منظور سرکوب و منع کشت کوکنار ملی شده اند، غالبا پیامد های ناخواسته ای و اکثرا منفی، داشته است. به عنوان نمونه، برنامه مواد غذایی زون هلمند در سال اول، توانست ۳۷ درصد کشت کوکنار را کاهش دهد. از طرف دیگر این کشت و کار با تغییر موقعیت این کشت در سال های بعدی بطور وسیع تر در ساحات تحت کنترل کانال بغرا افزایش یافت. با تغییر موقعیت کشت در ساحاتی که حکومت حضور پایدار نداشته است، و از طرف دیگر مصارف بلند تولید در ساحات دشت سبب تشویق کشت وسیع کوکنار طوری که تنها یک نوع محصول یعنی کوکنار در تمام سال کشت گردیده است. مزیت جانبی اینکار، نو آوری در نوعیت سیستم های آبیاری و استفاده از جنراتورها (که تعدادی با حرارت آفتاب، تولید برق می کنند) بوده اما مزیت منفی آن استخراج بیش از حد آب و پایین آوردن مقدار سطح آب در آن مناطق بوده است.
- براساس اصول اقتصادی، اقداماتی که به هدف کاهش کوکنار صورت گرفته اند، روی دیگر عوامل تاثیر گذار خواهند بود، بدین معنی که گروه های مختلف را به درجه ها و اشکال مختلف متاثر می سازد. به طور مثال، سرکوب کشت کوکنار در زون غذایی هلمند و در عوض تشویق گشت گندم، شدید ترین تاثیرات خود را روی خانواده های بی زمین یا کم زمین داشته و سبب افزایش فقر شده است. و از طرف دیگر میزان کار و اشتغال را کاهش داده است. حتی این کار سبب شده که کشتمندان با قبول محصولات کمتر با صاحبان زمین به موافقت برسند.
- کمک های توسعه ای که خاصا به منظور دلسردی مردم برای دستبرداری از کشت کوکنار صورت گرفته، نتایج متفاوت داشته است. پاسخ دهنده گان عموما گفته اند که میزان کمک های که به آنان شده کافی نبوده و در روند توزیع آن فساد وجود داشته است. با این که سنجش میزان موثریت آن کمک ها کاری دشوار است، این که آن کمک ها، در نبود فساد اداری، تاثیر مثبت و موثر می داشت، نیز واضح نیست. نتایج مختلف از این برنامه احتمالا به خاطری بوده باشد که برنامه ها و کمک های توسعه ای همیشگی، پیامد ها و نتایج احتمالی را در نظر نگرفته است. اما، توقع از مداخلات کوتاه مدت و محدود که بالای بخش اقتصاد روستایی که ریشه های قوی دارد را اثرگذار باشد، نیز یک توقع بیش از حد بوده است.
- نقش پولیس محلی افغانستان در سرکوب و تخریب کشتزار های کوکنار از یک محل تا محلی دیگر و در گذشت زمان، متفاوت بوده است. سرکوب قوی کشت کوکنار در بعضی مناطق و اغماض و چشم پوشی از آن در بعضی مناطق دیگر، از این تفاوت ها بوده است. حتی در جاه های که پولیس محلی افغانستان بر اساس قوانین نقش خود را ایفا کرده بودند، منحنیث یک نیروی بیرونی بعضا سبب ایجاد قهر شده است. طوریکه وفاداری پولیس محلی افغانستان به دولت ذاتا ثبات ندارد، نقش آینده آنان در امر مبارزه علیه مواد مخدر مشخص نمی باشد اما بر اساس کارکرد های گذشته آنان، این نقش قابل تشویق می باشد.
- استراتژی ملی کنترل مواد مخدر بطور منسجم و دوامدار عملی نشده است. بر اساس این استراتژی، برنامه کاهش کشت کوکنار می بایست در قالب بزرگتر برنامه های توسعه ای تنظیم می شد؛ و محو کشت کوکنار نیز باید در ساحاتی متمرکز می بود که مردم محل به بدیل های معیشتی دیگر در مناطق شان دسترسی می داشتند. با این که از نظر تصویری این استراتژی ساده است، پیاده ساختن

این ستراتیژی در عمل، ساده و آسان نبوده است. در بسیاری از موارد، تخریب کشتزارها برخلاف این پالیسی های مشخص دولت اتفاق افتاده، طوری که تنها روی مداخلات و برنامه های عمومی متمرکز بوده است و در جریان اجرای آن پالیسی ها شرایط محلی مورد توجه نبوده است. این در حالی است که برنامه تخریب کشت کوکنار در مناطقی عملی شده که در آن جا هیچ بدیلی برای کشت وجود نداشته است.

- دست اندرکاران برنامه مبارزه علیه مواد مخدر سعی کرده اند که چگونه موفقیت را در این برنامه ها تعریف کنند. آیا این موفقیت بر اساس مجموع زمین های کشت شده؟ یا تعداد ولایات که از کشت کوکنار "پاک" شده اند؟ صورت گیرد. توجه بیش از حد روی ارقام عمومی و نوسانات سالانه می تواند تصویر بزرگتر از این موضوع، به شمول این که این ساحات چگونه در چوکات اقتصاد مارکیت کارا با این که کامل نیست، عمل می کند و یا از طرف دیگر این ساحات به طور شدید محروم شده و بنا از دولت دور شده اند، را تیره سازد. چراکه نگرانی ها نه تنها از بخش افزایش ارقام است بلکه این نگرانی ها از آن چه که این ارقام را می سازند، شکل می گیرد. در دراز مدت ممکن بهتر باشد تا ولایتی با ۱۰۱ هکتار زمین داشت که در آن کشاورزان انتخاب کنند که محصولات زراعتی دیگری را کشت کنند نسبت به ولایتی که در آن ۹۹ هکتار زمین باشد و مردم به زور تفنگ از کشت محصولی منع شوند و در آن ناآرامی و خصومت وجود داشته باشد.

۵.۲ سفارش ها و پیامد ها برای سیاست گذاری

با این که مبارزه علیه مواد مخدر در صدر اجندا نبوده است، از افزایش بیشتر از یک سوم حصه در ساحات تحت کشت در سال ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ را نمی توان به آسانی چشم پوشی کرد. الی اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی، تغییر سریع در اوضاع اقتصادی، امنیتی و سیاسی تاثیرات عمیق روی مواد مخدر و مبارزه علیه مواد مخدر در جریان سال های آینده خواهد داشت. این تاثیرات متقابل می باشند. با این که جامعه بین المللی تعهد کرده است که به تلاش های مبارزه علیه مواد مخدر افغانستان کمک کند (همراه با کمک های امنیتی و توسعه ای) سطح این کمک ها و شکل برنامه ها از آن چه که در دهه گذشته بوده است، متفاوت خواهد بود.

بر اساس عوامل ذیل، تاثیرات خالص روندانتقال امنیت در سال ۲۰۱۴ میلادی بالای مبارزه علیه مواد مخدر، منفی خواهد بود:

- مشغولیت ذهنی سیاست گذاران و دیگر دست اندرکاران به آن چه که مسایل مهمتر تلقی می شوند در بسط و گسترش میزان کشت کوکنار کمک کرده است. طوری که در بعضی ساحات ننگرهار مقاصد بزرگ امنیتی زمینه سازش را با اجندا مبارزه علیه مواد مخدر فراهم کرده است.
- در سال های آینده با افزایش احتمالی رقابت برای کنترل سیاسی و مالکیت روی منابع اقتصادی، احتمالاً فشار برای مبارزه علیه مواد مخدر کاهش خواهد یافت. با توجه به تعداد "نقاط داغ" در سراسر کشور، احتمال نمی رود که دولت به خاطر آن چه که اساساً علاقه و انگیزه خارجی دارد، به "خانه زنبور" دست بزند. در چنین شرایطی، حتی در جاییکه تصور می شود که خطر پیامد های منفی کاهش یافته، تعدادی از خانواده ها با اینکه به بدیل های دیگر زراعتی دسترسی داشته باشند، نیز به کشت کوکنار روی بیآورند. مخصوصاً خانواده های که اطرافیان آنان نیز، کوکنار کاشته باشند.
- در نبود پول برای پرداخت به پولیس محلی افغانستان که مسولیت مبارزه علیه مواد مخدر در محلات افغانستان را دارند، این ها خود در حمایت از کسانی که در کشت کوکنار دست دارند خواهند پرداخت. و یا خود اقدام به کشت کوکنار خواهند کرد. در واقع، با کاهش کلی در تامین بودجه مالی، یک مشکل عمده در اجرا و عملی ساختن پالیسی ها، به وجود خواهد آمد.
- کاهش کمک های مالی برای برنامه های زراعتی و "انکشاف بدیل"، منابع بالقوه سرمایه گذاری را از بین برده و شناخت کامل از وضعیت اقتصاد روستایی را محدودتر می سازد.
- در نهایت نبود درک از جدیت بعضی بخش های دولت افغانستان در برابر مشکل مواد مخدر و برچسب زدن افغانستان به عنوان "دولت مواد مخدر" به نوبه خود ممکن روابط افغانستان را با جامعه بین المللی تحت تاثیر قرار دهد و ادامه کمک ها و حمایت از این کشور را با خطر مواجه سازد.

در همین چارچوب، یافته های این تحقیق، سبب این پیامد ها برای پالیسی و سفارش ها شده است:

ادعان به ماهیت دراز مدت بودن مشکل. از همه مهمتر باید دانست که کاهش پایدار در کشت کوکنار یک پروسه طولانی است. با این که این موضوع در تیوری منخیت یک اصل در سیاست ها شناخته شده است اما در عمل و در برنامه ها و پروژه ها به آن توجه نشده است. عواملی که (مانند ممنوعیت اجباری، یا نوسانات کوتاه مدت در قیمت ها) در کوتاه مدت توانسته کشت کوکنار را کاهش دهد، اما این ها همیشه جزء عواملی نیستند تا این کاهش را در دراز مدت تامین کنند. این واقعیت که یک دهقان در یک سال اقدام به کشت کوکنار نکرده است به این معنی نیست که وی در سال آینده به آن کار اقدام نمی کند؛ حتی در محل و منطقه ای دیگری به کشت کوکنار خواهد پرداخت. این مسئله در ولایت **هلمند** دیده شده است.

با در نظر داشت ماهیت بسیار سیاسی مواد مخدر، پالیسی سازان در افغانستان و جامعه بین المللی باید بالای ماحول سیاسی که از آن طریق روند انتقال آهسته و بطور پایدار صورت گیرد گفتگو کنند. و در عین زمان تضمین ها معتبری ارائه دهند تا آن پالیسی عملاً اتفاق افتد.

پیامد های پیشبینی شده و ناخواسته رویکرد های اجباری: عوامل متعددی وجود دارند که ممکن جامعه بین المللی را برای فشار جهت اتخاذ اقدامات خشن تر و شدیدتر، تحریک سازد: ادامه مصرف هرویین در کشور های شان، تغییر در صف بندی های سیاسی داخلی آن کشور ها، و به خصوص با کم رنگ شدن حضور نیرو های بین المللی، کاهش علاقمندی برای "نفوذ بر دل ها و ذهن های" مردم، از جمع این عوامل بوده می توانند. این اقدامات ممکن شامل پاشیدن مواد شیمیایی شود که در مقیاس بزرگ ممکن نیست و عملا می تواند آسیب عمیق سیاسی را وارد کند. اگر تا کنون رویکرد های اجباری نتوانسته است که به طور پایدار کشت کوکنار را کاهش دهد، در چندین سال آینده که کمک های مالی سیاسی و نظامی بین المللی دیگر به اختیار این کشور نخواهد بود، موفقیت استفاده از روش های زور کمتر خواهد شد. همانند دشت هلمند، دشت های دیگری نیز هستند (مانند دشت ولایت فراه که در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی الی ۵۸ درصد کشت کوکنار در آن جا افزایش یافت) که می توانند به عنوان مراکز کشت کوکنار تبدیل شوند. از طرف دیگر، صدور مجوز برای بازار بین المللی دارو نیز غیر عملی به نظر می رسد. تولید ناکافی در افغانستان، اشتباه در شناخت عمومی از قانونیت و نبود ظرفیت نظارت موثرانه به آسانی زمینه گسترش عرضه مواد مخدر غیر قانونی را فراهم خواهد کرد. لازم است که در برابر چنین اقداماتی که احتمالا مشکل را وخیم تر خواهد ساخت و یا پیامد های ناخواسته دیگری خواهند داشت، ایستاده گی کرد.

شناخت دیدگاه های کاملا مخالف که تفسیر فعالیت های مشابه را متاثر می سازد از نظر دولت و شرکای بین المللی این کشور در امر مبارزه علیه مواد مخدر، سرکوب کشت کوکنار با استفاده از رویکرد های اجباری به عنوان یک عمل اخلاقی محسوب شده که برای تحکیم حاکمیت قانون ارج گذاشته و به این اساس نظم اجتماعی را بهبود می بخشد. ولی از دیدگاه کشاورزان که بدیل های معیشتی کمتری دارند و در وضع بد اقتصادی به سر می برند، همین برنامه ها و اهداف نشان میدهد که دولت به رفاه اقتصادی مردم توجه ای ندارد و حتی به این نوع اقدامات به عنوان تجاوز نگاه می کنند. شناخت این دیدگاه های مختلف می تواند به طرح پالیسی ها و برنامه های کمک کند که بیشتر مورد قبول کشاورزان باشد و در پیش بینی از پاسخ های خصمانه آنان در برابر آن پالیسی ها نیز کمک کند.

درک و شناخت اوضاع مختلف محلی: یکی از آموخته های دهه گذشته این است که یک پالیسی به عنوان یک الگوی واحد و با مقاصدی که تفاوت های مختلف محلی را در نظر نگرفته باشد، نه تنها موثر و مولد نیست بلکه بطور منفی روی روابط اجتماعی و تصرف زمین تاثیر می گذارد. به عنوان مثال، تجربه ولایت هلمند، در جایی که طرح زون غذایی سبب مهاجرت و بی جا شدن مردم به دیگر نقاط ولایت شده که کمتر تحت اداره حکومت بوده، نشان میدهد که کشت کوکنار تشدید یافته است. بدین لحاظ برنامه ریزی ها باید با دقت و با تحلیل درست از این که خانواده ها با منابع مختلف در یک جا چگونه به زمین دسترسی پیدا می کنند و چگونه روی مصونیت غذایی شان تصمیم می گیرند، طرح شوند. با این که دولت با حمایت جامعه بین المللی، برنامه های زون های غذایی را در ولایات قندهار، بدخشان، فراه، ارزگان و ننگرهار آغاز می کند، سیاست گذاران باید یک چشم انداز منطقه وی داشته و در اجرای این برنامه ها تفاوت های منطقه ای و جغرافیایی و مشخصات خانواده ها، و فرصت های مختلف بر اساس داشته ها و منابع طبیعی و نزدیکی به مسیر های تجاری، مراکز شهری و مارکیت ها را در نظر داشته باشند.

تمرکز و توجه روی اهداف و برنامه های فقیر محور (به نفع فقرا): تنها زمین داران بزرگ کوکنار کشت نمی کنند. بدون بدیل های مربوط، سرکوب کشت کوکنار، بزرگترین اثر را بالای فقرا مخصوصا آنانی که زمین ندارند و یا زمین کمی دارند، می گذارد. طوری که فقرا اساسا با اشتراک در بازار کار برای تامین معیشت خود اتکاء می کنند، بنا مولدترین اقدامات در این زمینه آنانی است که متکی به نیرو کار باشد. این اقدامات شامل کسانی است که تنها محصولات را برای فروش نه بلکه برای مصارف خانواده ها تولید می کنند، باغداری با ارزش بالا نیز جزء این نوع اقدامات بوده می تواند. با توجه به اهمیت درآمد غیرکشاورزی برای خانواده های روستایی، رکود اقتصاد ملی با کاهش یافتن مصارف بین المللی در این کشور، یک نگرانی عمده است. بسیاری از فرصت های شغلی غیرکشاورزی در شهر های بزرگ مانند مزار شریف، جلال آباد، و لشکرگاه دیگر وجود نخواهند داشت. بدین مفهوم، کارگرانی که در گذشته در مراکز شهری مشغول کار بودند، بیکار خواهند شد. طرح های توسعه ای باید م شخصا روی ایجاد شغل و کار متمرکز باشند.

ادغام برنامه مبارزه علیه مواد مخدر در چارچوب کلان برنامه های توسعه ای: پالیسی ها و برنامه های توسعه ای تاثیرات نیرومند روی اقتصاد مواد مخدر داشته می تواند. هرنوع بی توجهی یا توجه ناکافی برای مد نظر داشتن تاثیرات بالقوه برنامه های توسعه ای می تواند سهم تاثیر گذاری این برنامه ها از کاهش زیاد در کشت کوکنار جلو گیری کند. مخصوصا در ساحاتی که تحت کنترل دولت نمی باشد، گسترش ساحات تحت کشت کوکنار یا افزایش مولدیت زراعتی از طریق استفاده از تکنالوجی جدید که توسط برنامه های توسعه ای مهیا شده اند ممکن به آسانی بتواند محصولات کشت کوکنار را بلند برد و تلاش های مبارزه علیه مواد مخدر را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین، لازم است که سیاست گذاران یا پالیسی سازان از روش های "آسیب نرساندن استفاده کنند و برنامه های توسعه ای به شمول برنامه های دارای اولویت ملی و تاثیرات بالقوه آنان روی تولید مواد مخدر را مد نظر قرار داده داد.

به عنوان مثال، ساختن سرک ها تحت برنامه ملی دسترسی به مناطق روستایی باید زمینه ادغام مناطق روستایی را با دولت و اقتصاد کلان کشور مساعد سازد نه این که تنها زمینه حمل و نقل مواد مخدر و دیگر کالا های غیر قانونی را تسهیل کند. برای تشویق این کار، لازم است که ساختن سرک ها همراه با برنامه های که بتواند عوایدی را در عوض عواید به دست آمده از فعالیت های درآمد زا و وابسته به کوکنار حاصل می شود، و یا با تضمین این که در آن مناطق حاکمیت قانون وجود دارد، صورت گرفته می تواند. به همین شکل، از ستراتیژی مشابه می توان برای اجرا برنامه ملی آب و توسعه منابع طبیعی در مناطقی که زراعت و پویایی اقتصادی برای آوردن تنوع در محصولات مشروع و

با ارزش زیادت است مورد استفاده قرار گیرد نه تنها به خاطر افزایش آبیاری در ساحاتی که احتمال کشت کوکنار زیاد می باشد، صورت گیرد. در نهایت، برنامه ریزی های فراگیر حکومتمداری باید تضمین کند که نخیه گان محلی که در تجارت مواد مخدر دست دارند نتوانند قدرت خود را مستحکمتر سازند و از آن در جهت تضعیف پالیسی و ادارات محلی استفاده ببرند.

کاهش خطرات اقتصادی-زراعتی و خطرات بازار: همه بخصوص افغان ها ادعان دارند که اکثر مارکیت ها در افغانستان کامل یا بدون عیب نیستند. افزون برنامنی و زیرساخت های ضعیف اداری، یک تعداد از افراد که با قوماندانان و رهبران سیاسی و دیگر افراد زورمند در ارتباط اند، به نظر می رسد که از ابزار غیر رقابتگر (مانند ترس و ارعاب) به قصد انحصار پروسه تولید و تجارت بعضی کالا های تجارتي، استفاده می کنند. هم چنین، در مجموع بالای ادارات دولتی که هدف آن انجام نظارت بوده، و به کاستی های تخنیکي که به میزان نفوذ علایق افراد، اهمیت نقش میانجی و رفتار های رانت گیرانه ای مسولانحکومتی در نبود نظارت دولت نسبت داده می شود، اعتماد وجود ندارد.

هرچند تحقیق های قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان روی این ضرورت تاکید کرده است که باید در مورد "سحر آمیز بودن مارکیت" شک و تردید داشت و نشان داده اند که مارکیت آزاد یک علاج کامل برای مشکلات بوده نمی تواند اما تحقیق کنونی تایید می کند در صورتی که شرایط درست، فرصت های که مارکیت آزاد مساعد می سازد این توانایی را دارد که معیشت مردم را بهبود بخشد و از روند انتقال از اقتصاد مواد مخدر حمایت کند. با کاهش دادن خطرات مارکیت و اقتصاد زراعتی که کشاورزان را مانع دست برداری از کشت کوکنار و پرداختن به کشت محصولات مشروع می گردد، به احتمال زیاد بهره گیری از این فرصت های مارکیت، بیشتر می شود. تلاش های خاص به منظور تامین تقاضا برای پنبه و دیگر محصولات که با کوکنار رقابت کرده می تواند صورت گیرد و در این زمینه باید توجه داشت که این نوع تلاش ها نظر به مناطق متفاوت بوده می تواند. آوردن بهبود در دسته بندی و بسته بندی سبزیجات ممکن به بلند بردن مفاد خالص کشاورزان بیانجامد.

صنایع وابسته به پروسس مواد زراعتی این توانایی را دارد تا تقاضای اضافه برای محصولات زراعتی برای فروش از طریق پیوند های افقی و عقبی ایجاد کند. با این که سرمایه گذاری های خصوصی در حال حاضر بنابر محیط خطرناک افغانستان بخصوص بنابر نامشخص بودن اوضاع این کشور پس از خروج نیرو های بین المللی در سال ۲۰۱۴ و انتخابات ریاست جمهوری، راکد مانده است. با این که به تجارت کم خطر ترجیح داده می شود اما این مسئله به نظر می رسد که در شرایط و زمان فعلی نیز صادق می باشد.

چالش های که در برابر کاستن خطرات مارکیت وجود دارند، چشمگیر اند. ممکن نیست که مارکیت زراعت افغانستان را از رقابت های منطقی، با اینکه این کار مطلوب نیز باشد بنابر علاقمندی کشور های همسایه و نفوذ پذیری مرز های این کشور، قاچاق و فساد اداری و از همه مهمتر ترجیح برای مواد غذایی ارزان (به شمول آرد از پاکستان) و دیگر کالا های تجاری، محفوظ نگهداشت. حد اقل برای محصولات کم ارزش، باور گسترده بر این است که تاجران پاکستانی محصولات را برای افغانستان می فروشند که در فصل برداشت محصولات در گذشته از این کشور خریداری شده و تا زمانی که قیمت ها در افغانستان بلند برود دوباره به این کشور فروخته می شوند. این عمدتا ممکن یک افسانه شهری باشد. ولی این بر موانعی اشاره می کند که کشاورزان برای قیمت های کافی و مناسب برای محصولات زراعتی شان، مواجه اند. بنابراین، هر اقدامی برای تضمین قیمت های مناسب برای پنبه و دیگر محصولات زراعتی برای فروش مخصوصا در زمان برداشت محصولات که عموما قیمت ها پایین تر است، مفید بوده می تواند.

بر اساس شواهد از نبود بحث های جامع روی مبارزه علیه مواد مخدر در اعلامیه های اخیر و تحلیل های منتشر شده، امر مبارزه علیه مواد مخدر بطور کلی از دستور کار پالیسی عمومی بیرون شده است. با این که اخیرا افزایش در مواد مخدر سیمای خوبی را نشان نمی دهد اما می توان به اتخاذ اقدامات، مجددا موضوع مبارزه علیه مواد مخدر را شامل اجندای عمومی ساخت. سپس می توان روی اقداماتی که موثر بوده و یا نتیجه نداده از نزدیک توجه کرد، بر موفقیت ها افزود و از ناکامی های که در گذشته اتفاق افتاده، خود داری کرد.

AREU Publications Used as Main Basis for this Paper

Fishstein, Paul. "A Little Bit Poppy-free and a Little Bit Eradicated: Opium poppy cultivation in Balkh and Badakhshan provinces in 2011-12." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2013.

Fishstein, Paul. "Evolving Terrain: Opium poppy cultivation in Balkh and Badakhshan provinces in 2012-13." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2014.

Mansfield, David. "All Bets are off! Prospects for (B)reaching agreements and drug control in Helmand and Nangarhar in the run up to transition." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2013.

Mansfield, David. "Between a rock and a hard place: Counter-narcotics efforts and their effects in the 2010-11 growing season." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2011.

Mansfield, David. "'From Bad they Made it Worse': The concentration of opium poppy in areas of conflict." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2014.

Mansfield, David , Alcis Ltd, and Organisation for Sustainable Development and Research. "Managing Concurrent and Repeated Risks: Explaining the Reductions in Opium Production in Central Helmand Between 2008 and 2011." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2011. (not AREU EC research)

Mansfield, David, and Paul Fishstein. "Eyes Wide Shut: Counter-Narcotics in Transition." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2013.

Pain, Adam. "Opium Poppy Strikes Back: The 2011 Return of Opium in Balkh and Badakhshan Provinces." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2011.

Other publications

Aikins, Matthieu. "Our Man in Kandahar." The Atlantic. November 2011.

Alden Wily, Liz. "Rural Land Relations in Conflict: A Way Forward." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2004.

Arjomand, Noah. "Eagle's Summit Revisited: Decision-- Making in the Kajaki Dam Refurbishment Project." AAN Thematic Report 01/2013. Afghanistan Analysts Network, 2013.

Asian Development Bank, "Key Indicators for Asia and the Pacific 2013." <http://www.adb.org/sites/default/files/ki/2013/pdf/AFG.pdf>

Barfield, Thomas. "Afghanistan A Cultural and Political History Princeton." Princeton University Press, 2010.

Bewley-Taylor, David. "Drug Trafficking and Organised Crime in Afghanistan." The RUSI Journal, 158:6, 6-17, 2013.

Byrd, William, and Christopher Ward. "Drugs and Development in Afghanistan." Social Development Papers: Conflict Prevention & Reconstruction. Washington, DC: World Bank, 2004.

Chandrasekaran, Rajiv. "Little America: the war within the war in Afghanistan." Random House, New York, 2012.

Chouvy, Pierre-Arnaud, "A Typology of the Unintended Consequences of Drug Crop Reduction," Journal of Drug Issues, Volume 43, Issue 2, April 2013, pp. 216 - 230.

Fishstein, Paul. "Winning Hearts and Minds? Examining the Relationship between Aid and Security in Afghanistan's Balkh Province." Medford, MA: Tufts University Feinstein International Center, 2010.

Fishstein, Paul, with Islamuddin Amaki and Mohammed Qaasim, "Balkh's Economy in Transition." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2013.

Gordon, Stuart. "Winning Hearts and Minds? Examining the Relationship between Aid and Security in Afghanistan's Helmand Province." Medford, MA: Tufts University Feinstein International Center, 2011.

Human Rights Watch, "Just Don't Call It a Militia": Impunity, Militias, and the 'Afghan Local Police'." September 2011.

Islamic Republic of Afghanistan. "National Risk and Vulnerability Assessment 2007/08: A profile of Afghanistan." Kabul: 2009.

Islamic Republic of Afghanistan. Ministry of Counter-Narcotics. "National Drug Control Strategy: An Updated Five-Year Strategy for Tackling the Illicit Drug Problem". Kabul: 2006.

Islamic Republic of Afghanistan. Ministry of Counter-Narcotics. "National Drug Control Strategy 2012-2016." Kabul: 2012.

Islamic Republic of Afghanistan, Ministry of Economy, and the World Bank, Economic Policy and Poverty Sector. "Poverty Status in Afghanistan: A Profile Based on the National Risk and Vulnerability Assessment (NRVA) 2007/8." Kabul: 2010.

Mansfield, David, "Assessing Supply-Side Policy and Practice: Eradication and Alternative Development." Working Paper prepared for the first meeting of the Global Commission on Drug Policies, Geneva, 24-25 January 2011.

Mansfield, David, "Briefing Paper 5: 'Central Helmand in the 2011/12 Growing Season -- Spring Update.'" June 2012.

Mansfield, David, "Briefing Paper 6: 'Central Helmand in the 2012/13 Planting Season.'" March 2013.

Mansfield, David, "Briefing Paper 7: 'Taxation in Central Helmand and Kandahar.'" March 2013.

Mansfield, David. "Building a State on a Foundation of Sand: How Drugs and Drugs Policy Shaped Statebuilding in Afghanistan." Forthcoming.

Mansfield, David. "Governance, Security and Economic Growth: The Determinants of Opium Poppy Cultivation in the Districts of Jurm and Baharak in Badakhshan." Kabul: GTZ (GIZ), 2007.

Mansfield, David. "Our Friends in the North: Contrasting Images of Power and Poppy in the Provinces of Balkh and Badakhshan." April 2014.

Mansfield, David. "Pariah or Poverty? The opium ban in the province of Nangarhar in the 2004/05 growing season and its impact on rural livelihood strategies." Project for Alternative Livelihoods in Eastern Afghanistan, GTZ (GIZ). Jalalabad: 2005.

Mansfield, David. "The Role of Women in Opium Poppy Cultivation in Afghanistan." Strategic Study #6, United Nations Drug Control Program, 2000.

Mansfield, David, and Adam. Pain. "Counter-narcotics in Afghanistan: The Failure of Success?" Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2008.

Martin, Edouard and Steven Symansky, "Macroeconomic Impact Of The Drug Economy and Counter-Narcotics Efforts," in "Afghanistan's Drug Industry: Structure, Functioning, Dynamics, and Implications for Counter-Narcotics Policy". Doris Buddenberg and William A. Byrd, eds. UNODC and the World Bank, 2006.

Mellor, John W., "Raising Farm Incomes in the Context of Poppy Eradication - Implications to Employment and Strategy", RAMP/USAID/Abt Associates, Powerpoint presentation at the Ministry of Agriculture. January 18, 2005.

Mukhopadhyay, Dipali . "Warlords, Strongman Governors, and the State in Afghanistan." Cambridge University Press, 2014.

Münc, Philipp. "Local Afghan Power Structures and the International Military Intervention: A Review of Developments in Badakhshan and Kunduz Provinces." Afghanistan Analysts Network, 2013.

Perrow, Charles. "Complex Organizations: A Critical Essay." New York, Random House 1986.

Peters, Gretchen. "Seeds of Terror: How Drugs, Thugs, and Crime are Reshaping the Afghan War." London: Picador, 2010.

Peterson, Scott. "Afghanistan: The challenge of 'good' vs 'bad' militias". January 11, 2013. <http://www.csmonitor.com/World/Asia-South-Central/2013/0111/Afghanistan-The-challenge-of-good-vs-bad-militias>

Radio Free Europe/Radio Liberty. "On Landgrabs, Afghans Say Name Names, But Make Them The Right Ones." 23 October 2013, <http://www.rferl.org/content/afghan-land-grabs/25146040.html>

Rivera, Ray. "Afghan army attracts few where fear reigns." The New York Times, 6 September 2011.

Scott, Richard B. "Helmand Follow Up XXXII: Support for Cotton in Central Helmand This Year?" December 2010.

Scott, Richard B. "Helmand Follow Up XXXI: Poppy Harvest Season is Here Again: What Next with Our Failed Counter Narcotics Projects??" May 2014.

Straziuso, Jason. "Marines pursue Taliban, protect poppy." Associated Press. 11 May 2008.

UNODC/MCN. "Afghanistan Opium Survey 2010: Summary Findings." Kabul: UNODC/MCN, 2010.

UNODC/MCN. "Afghanistan Opium Survey 2013: Summary Findings." Kabul: UNODC/MCN, 2013.

UNODC/MCN. "Afghanistan Opium Survey 2013." Kabul: UNODC/MCN, 2013.

UNODC. "Addiction, Crime and Insurgency: The transnational threat of Afghan opium." Vienna, 2009.

United States Senate, Majority Staff, Committee on Foreign Relations. "Evaluating U.S. Foreign Assistance to Afghanistan." Washington, DC: US Government Printing Office, 2011. <http://www.gpoaccess.gov/congress/index.html>.

United States Senate, Committee on Foreign Relations. "Afghanistan's Narco War: Breaking the Link Between Drug Traffickers and Insurgents." Washington, DC: US Government Printing Office, 2009.

Ward, Christopher, David Mansfield, Peter Oldham and William Byrd. "Afghanistan: Economic Incentives and Development Initiatives to Reduce Opium Production." Washington, DC: World Bank, 2008.

World Bank and Islamic Republic of Afghanistan. "Afghanistan: Provincial Briefs." Kabul, June 2011.

Zyck, Steven A. "The Food Zone Programme." Civil-Military Fusion Centre. May 2012.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما بعنوان استفاده کننده گان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانی‌ها و ورکشاپ‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما با ارزش است. نظر های شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیرید ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+ و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات، ...)?
- به چه منظور از پژوهش‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تاریخ	عنوان نشریه	نام نویسنده	دری	پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
سپتمبر ۲۰۱۴	کنسرسیوم معیشت مصون برنامه های تحقیق افغانستان	چونا اچاوز			معیشت پایدار	بروشور
سپتمبر ۲۰۱۴	چندر، جوانان و مشارکت در بازار کار شهری: شواهد تشکیل بخش خیاطی در کابل، افغانستان	آدم پین و ریچارد مالت			معیشت پایدار	مقاله کاری
سپتمبر ۲۰۱۴	درک پیچیدگی های معضلات مربوط به آب در افغانستان	ونسنت تاماس	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: چه مسایلی مطرح است؟	محمد هاشم کمالی			حکومتمداری	نشریه تحلیلی
اگست ۲۰۱۴	وضعیت میکانیسم منازعات انتخاباتی در افغانستان	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتمداری	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	نامیدی یا امید؟ کشت کوکنار در افغانستان پس از ۲۰۱۴	پاول فیشتستین و دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
جون ۲۰۱۴	سیاست و حکومتمداری ولایتی درافغانستان: ولایت ننگرهار	اشلی جکسن	✓	✓	معیشت پایدار	مطالعه موردی
جون ۲۰۱۴	بحث میز گرد در باره تجارب انتخابات افغانستان	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان			حکومتمداری	چریان بحث میز گرد
جون ۲۰۱۴	"از بد، بدترش کردند" تمرکز خشخاش تریاک در ساحات جنگی در ولایت های هلمند و ننگرهار	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مطالعه موردی
می ۲۰۱۴	افغانستان: تهیه روشی برای بررسی و تفکیک روستا ها	آدم پین			معیشت پایدار	روش کاری
می ۲۰۱۴	ازالف تا یا کتاب رهنا برای کمک به افغانستان نسخه دوازدهم ۲۰۱۴	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	✓	✓		کتاب
می ۲۰۱۴	اردوی ملی: بقا و ثبات فراتر از جنبه های مالی	انتونیو جیستازی و پیتر کوینتن	✓	✓	حکومتمداری	نشریه تحلیلی
اپریل ۲۰۱۴	تاثیر برنامه های تامین اجتماعی و شغلی بالای رفح محرومیت اجتماعی بر اساس یافته ها و مدارک به دست آمده از افغانستان، بنگلادیش، هند و نیپال	بابکان باباجانین، جسیکا هگن - زنکر و ربیکا هولمز	✓	✓	چندر	مطالعه ترکیبی
اپریل ۲۰۱۴	نقش برنامه آموزش مهارتهای زندگی و آموزش برای کسب معیشت	چونا اچاوز، بابکن بابه جانین، جسیکا هیگن زنکر	✓	✓	چندر	پالیسی نامه
اپریل ۲۰۱۴	چگونه برنامه های کارآفرینی و کارآموزی به فعالیت ها و اشتراک اجتماعی در افغانستان کمک می نماید؟ شواهدی از برنامه های آموزشی مهارت های زندگی و تامین معیشت موسسه BRAC برای زنان جوان افغان	چونا اچاوز، بابکان باباجانین، جسیکا هگن - زانکر، شاهین اکثر و جنیفر لین بگاپورو	✓	✓	چندر	مطالعه موردی
اپریل ۲۰۱۴	زمینه های گسترش: کشت خشخاش تریاک در ولایت های بلخ و بدخشان در سال ۲۰۱۳	پاول فیشتستین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مطالعه موردی
مارچ ۲۰۱۴	رسیدگی به شکایات انتخاباتی: افغانستان و خطرات عدم قانونمداری	غزال حارس	✓	✓	حکومتمداری	مطالعه موردی
مارچ ۲۰۱۴	بررسی مختصر دولتداری در افغانستان	آریا نجات			حکومتمداری	نشریه تحلیلی
مارچ ۲۰۱۴	توسعه تشبثات کوچک و متوسط و تجارت منطوقی در افغانستان	مجیب مشعل	✓		اقتصاد سیاسی	مقاله کاری

۱۲ سال

تحقیق باکیفیت

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
از چهار راهی حاجی یعقوب به
سمت چهارراهی شهید
(خانه ۱۴۴ (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ
شهر نو، کابل، افغانستان
شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۰۰۹۳
ایمیل: publications@areu.org.af
وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه انترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.
همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به
آدرس ذیل بدست آورید.

